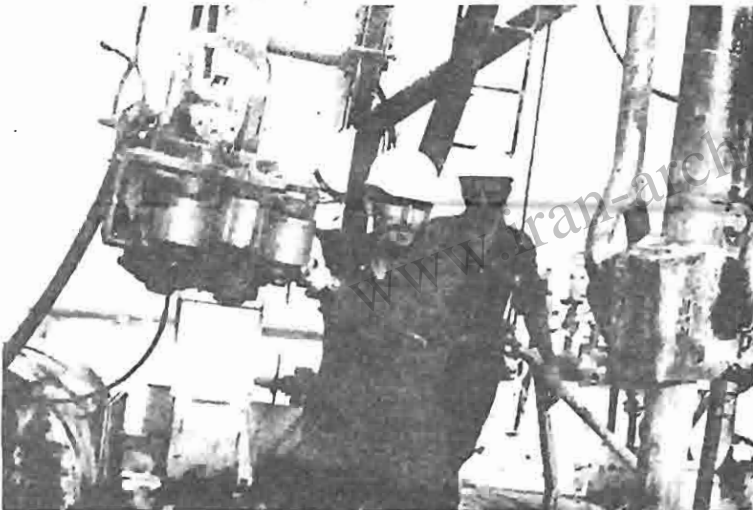


تجارت خارجی باید ملی شود

• تاخیر در اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی به معنی بازگذاشتن دست تجار بزرگ و سرمایه داران لیبرال در غارت مردم است
در صفحه ۴

شهادت کارگر قهرمان ★ فدائی خلق عنایت اله رئیسی در جبهه دب حردان



★ رفیق عنایت اله رئیسی در سنگر تولید

طبقه کارگر قهرمان ایران، روزی نیست که در راه استقلال، آزادی و رهایی همه زحمتکشان از قید ستم و استثمار، گروهی از پیشروان آگاه و فداکار خود را نثار نکنند.

رفیق شهید، فدائی خلق، عنایت اله رئیسی از تبار پیشروان طبقه کارگر بود. زندگی کوتاه رفیق سراسر تلاش، فداکاری و مبارزه علیه دشمنان مردم بود. رفیق در جریان پیگیری دلاورانه در راه استقلال میهن و آرمان والای طبقه کارگر در سنگرهای سرخ مقاومت، به شهادت رسید.

بقیه در صفحه ۱۲ یادش گرامی باد

حل عادلانه مسئله کردستان ضرورت انقلاب

در صفحه ۱۸

تشخیص دوست از دشمن مسئله حیاتی انقلاب

بارها گفته ایم و باز هم می گوئیم که آنچه برای انقلاب اهمیت حیاتی دارد و مادام که از جانب اکثریت مردم درک نشود، احتمال شکست انقلاب را باید جدی گرفت، تشخیص دوستان و دشمنان انقلاب از یکدیگر است. اگر مردم، دوستان و دشمنان انقلاب را از هم تشخیص دهند، این به مفهوم آن است که از حداقل آگاهی لازم طبقاتی برای پیشبرد انقلاب برخوردار شده اند، دشمنان طبقاتی خود را می شناسند و به آسانی فریب آنان را نمی خورند.

در واقع وظیفه دائم و مستمر هر نیروی انقلابی نیز معرفی دوستان و دشمنان مردم و جدا کردن مرز آنان از یکدیگر برای توده های مردم است و اگر بخواهیم آگاهی را در یک عبارت کوچک تعریف کنیم چیزی جز "شناخت دوست و دشمن انقلاب" نیست.

متأسفانه مخدوش شدن صف دوستان و دشمنان
بقیه در صفحه ۴

از اقدامات ترقی خواهانه هیئت های هفت نفره دفاع کنیم

تاخیر در اجرای بند (ج) اصلاحات ارضی
عملاً انحلال هیئت های ۷ نفره است
در صفحه ۱۱

۶۰ جت جنگی میراث، هدیه

امپریالیسم فرانسه به رژیم صدام حسین
در صفحه ۱۲

در این شماره:

جمهوری دموکراتیک خلق یمن در راه
غلبه بر عقب ماندگی ها
ویشروی نئوسوسیالیسم

زمینداران بزرگ
دشمن مردم، دشمن انقلاب و
همدست امریکای غارتگرند

جیش کارگری ایران

طبقه کارگر رزمنده ایران

در سنگرهای انقلاب، حماسه می آفریند

به نسل های

مردمان لبرال کارخانه جرم آذر

در تحویل عواد اوله اخلاص می کنند

خسانواده های شکران جغت زده

هرچه زودتر رسد!

«مکتبی کردن»، آموزش و پرورش را از هزاران معلم ترقیخواه و مسازز

محروم ساخته است

متحد شویم!

تجاوزات امپریالیسم امریکا و رژیم عراق را درهم کوبیم!

تشخیص دوست از دشمن مسئله حیاتی

مردم ، صف انقلاب و ضد انقلاب که از مهمترین معضلات و دشواریهای انقلابات است ، اینک به صورت یکی از دشوارترین معضلات و بهتر بگوئیم دشوارترین معضل انقلاب ما در آمده است .

آنچه در جهت منافع انقلاب و مصالح مردم ما است ، آن است که کارگران ، دهقانان ، پیشه‌وران ، کسبه ، کارمندان ، معلمان ، نظامیان ، میهن‌پرست و غیره همراه با همه نیروها ، محافل و عناصر ترقیخواه و ضدامپریالیست که مدافع استقلال و آزادی ایران‌اند در کنار هم و در برابر امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا و متحدان داخلی آن یعنی سرمایه‌داران وابسته ، زمین‌داران بزرگ ، همه نیروها و عناصر لیبرال و ضدانقلاب قرار گیرند .

اما اینک بر زمینه عدم آگاهی طبقاتی کافی در بخش‌هایی از توده مردم سیاست‌های انحصارطلبانه جمهوری اسلامی ، سیاست‌های نادرست برخی جریان‌های ترقیخواه و ضدامپریالیست خارج از طیف خط امام و فعالیت‌های وسیع لیبرال‌ها و سایر نیروهای مورد حمایت امپریالیسم که زمینه عینی رشد آنها در جامعه ما فراهم است ، صف بندی و دسته‌بندی سیاسی ، در سطح جامعه به‌گونه‌ای شکل گرفته که تا اندازه‌ای مرز دوستان و دشمنان انقلاب را به هم ریخته است .

دانشجویان خط امام ، نیروها و محافل و عناصر دیگری از خط امام و حزب جمهوری اسلامی که طیفی از نیروهای ضدامپریالیست را تشکیل می‌دهند ، هم اینک در یک صف قرار دارند . هر چند عمده نیروهای این دسته‌بندی و توده‌های طرفدار آن در صف خلق قرار دارند ، اما برخی مدافعان تجار بزرگ ، برخی عناصر مشکوک حامی چاق‌داران ، برخی مخالفان اصلاحات ارضی و از این قبیل نیز در این دسته‌بندی قرار دارند و همین امر ، همراه با پایمال کردن حقوق سیاسی ، ملی و برخی از حقوق اجتماعی مردم از جانب این نیروها پایگاه توده‌های نیروهای خط امام را تضعیف کرده و لیبرال‌ها را (هر چند در قدرت سیاسی تضعیف شده‌اند) در پائین تقویت کرده است .

دسته‌بندی دیگری که در برابر دسته‌بندی قبلی صف‌آرایی کرده مرکب از نیروهایی است که برخی ماهیتا ضدانقلابند مثل لیبرال‌ها و محافل وابسته به حزب جمهوری خلق مسلمان و روحانیون مرتجع که مدافع زمینداران بزرگ و سرمایه‌داران وابسته هستند و برخی مثل رئیس جمهور و افرادی شبیه به او هستند که اگرچه از تعمیق انقلاب اینجا و آنجا هراس از خود نشان می‌دهند ، اما هنوز نمی‌توان گفت که این گروه به جایگاه لیبرال‌ها سقوط کرده‌است . هر چند با تعمیق انقلاب و با به‌رآسی که برخی از آنها نشان می‌دهند می‌توان پیش‌بینی کرد که همزمان با تعمیق انقلاب عده‌ای از آنها نتوانند در صف انقلاب باقی‌مانند ، از اینها گذشته برخی از نیروهای دمکرات و ترقیخواه چه از میان روحانیون ، چه از میان نمایندگان مجلس و چه از میان جریان‌های ترقیخواه ، همانگونه که بارها تاکید کرده‌ایم ، عملا در این دسته‌بندی قرار گرفته‌اند .

طرفداران این دسته‌بندی برخلاف دسته‌بندی پیشین که اکثریت قریب به اتفاق آن مردم میانه حال و زحمتکش بودند ، هم از مردم میانه‌حال کارمندان و زحمتکشان که به منافع طبقاتی خود آگاهی کافی ندارند و هم از سرمایه‌داران زمینداران بزرگ و افسار مرفه مخالفانقلاب هستند . در تظاهراتی که قطب‌زاده از عناصر

شناخته شده این دسته‌بندی ترتیب داد بسیاری از سرمایه‌داران و زمینداران بزرگ خلق مسلمان شرکت داشتند و روحانیون مرتجع مدافع سرمایه‌داری وابسته نیز از آنان حمایت می‌کردند . کشمکش میان این دو دسته‌بندی سیاسی با همین ترکیب از نیروها در روزهای گذشته مرتباً شدت یافته و ممکن است در روزهای آینده نیز همچنان رو به شدت و وحدت گذارد .

مبارزه میان نیروهای خط امام با لیبرال‌ها فقط مبارزه میان نیروهای ضدامپریالیست جمهوری اسلامی است که خواهان تعمیق انقلابند ، با نیروهای ضدانقلاب که از عمق و گسترش انقلاب ، از نزدیکی حکومت جمهوری اسلامی با دول ترقیخواه و ... به شدت به هراس افتاده‌اند . اما آنچه کار را پیچیده و دشوار ساخته و مانع از تقویت صف انقلاب و افشا و طرد لیبرال‌هاست ، از یکسو همسویی و قرار گرفتن عملی نیروهای ماهیتا دموکراتی مثل سازمان مجاهدین خلق در کنار این نیروهاست که قطعاً شناخت هدف‌های ضدانقلابی لیبرال‌ها را برای توده‌ها دشوار ساخته و به آنان حیثیت و اعتبار بخشیده و از سوی دیگر نزدیکی مدافعان تجار بزرگ و مخالفان اصلاحات ارضی به نیروهای ضدامپریالیست خط امام و نیز ادامه سیاست‌های انحصارطلبانه و نقض آزادی‌های سیاسی و آزادی‌های فرهنگی و اجتماعی مردم از جانب محافل انحصارطلب خط امام است که در تقویت لیبرال‌ها که ریشه عینی رشد آنها در جامعه ما فراهم است ، تاثیر به‌سزایی داشته است ، این است که نیروهای موسوم به خط امام حساب خود را بایزاد تجار بازار و مدافعان آن ، از مخالفان اصلاحات ارضی و غیره که هم اینک با همانند از دولتی کردن تجارت خارجی و جلوگیری از اجرای بند "ج" طرح اصلاحات ارضی به صورت خطری جدی در برابر تعمیق

انقلاب در آمده‌اند ، جدا کنند و نیروهای دموکرات و ترقیخواهی که در کنار لیبرال‌ها قرار گرفته‌اند و هر نیروی دیگری که مدافع استقلال و آزادی ایران است ، اما در دسته‌بندی لیبرال‌ها قرار دارد ، اتحاد و نزدیکی خود را با لیبرال‌ها یعنی با مدافعان سرمایه‌داران وابسته و زمین‌داران بزرگ برهم‌زند . چنین تحولی زمینه را برای صف‌بندی منطبق با مسیر و مصالح انقلاب برای همه نیروهای سیاسی ضد امپریالیست و مدافع استقلال و آزادی ایران فراهم می‌کند .

کشمکش و برخورد میان دسته‌بندی‌های سیاسی با ترکیب موجود ، قطعاً نمی‌تواند به تضعیف لیبرال‌ها و دیگر نیروهای مورد حمایت امپریالیسم و تقویت نیروهایی که در خط استقلال و آزادی ایران مبارزه می‌کنند ، منجر شود و نمی‌تواند همه مردم را زیر رهبری نیروهای ترقیخواه و ضدامپریالیست ، علیه امپریالیسم و متحدان داخلی آن بسیج کند . چنین تقابلی حتی اگر به تحکیم هرچه بیشتر موقعیت نیروهای ضد امپریالیست خط امام در حکومت جمهوری اسلامی منجر شود ، بازهم پایه‌های توده‌ای حکومت را نه تنها تقویت نخواهد کرد ، بلکه ضعیف‌تر هم خواهد ساخت و نیروهای ضدامپریالیست خط امام را در برابر جبهه ضدانقلاب که در چنین صورتی بیش از امروز تقویت خواهد شد خواهند شد سخت

آسیب‌پذیر خواهد ساخت . هر چه این برخوردها بیشتر ادامه یابد ، برای بخش‌هایی از مردم تشخیص دوستان و دشمنان انقلاب از هم دشوارتر می‌گردد و هم از این رو است که نیروهای انقلابی و ترقیخواه ضمن افشای هدف‌های لیبرال‌ها و دیگر نیروهای مورد حمایت امپریالیسم ، ضمن افشای انحصارطلبان و نفاق‌افکنان ، باید سیاست‌های درست و اصولی را که موجب تقویت انقلاب و تضعیف دشمنان انقلاب می‌گردد ، برای مردم توضیح دهند .

آنچه امروز برای انقلاب ایران حیاتی است اجرای قاطع برنامه اصلاحات ارضی ، دولتی کردن تجارت خارجی ، اتخاذ یک سیاست ترقیخواهانه خارجی . مبارزه با انحصار طلبی سیاسی و احترام به حقوق سیاسی ، ملی ، اجتماعی و فرهنگی همه مردم ایران است . نیروهایی که می‌توانند مدافع چنین سیاست‌هایی باشند ، قطعاً نیروهای ضد امپریالیست و دموکرات‌اند و همین نیروها هستند که می‌توانند وحدت مردم و نیروهای ضدامپریالیست را حول سیاست‌های ترقیخواهانه تحکیم بخشند و انقلاب را در مسیر اصلی آن به پیش رانند و تنها چنین سیاستی است که می‌تواند مردم را به انقلاب امیدوار و علیه لیبرال‌ها و دیگر محافل مورد حمایت امپریالیسم بشوراند ، تنها با چنین سیاستی است که می‌توان با تکیه بر حمایت وسیع توده‌ها همه دشمنان انقلاب را از سر راه انقلاب برداشت و راه را بر لیبرال‌ها و همه مدافعان سرمایه‌داران و زمینداران بزرگ بست . نیروهای دمکرات درون خط امام ، امروز باید با تمام قوا بکوشند ، سیاستی بر دولت جمهوری اسلامی غلبه کند که بتواند تأمین کننده هدف‌های فوق باشد . برخی از این نیروها بخاطر مخالفتشان با انحصار طلبی سیاسی به جای تلاش در جهت پیشبرد سیاست ترقیخواهانه خود از نیروهای خط امام دور شده و یا به اصطلاح خود را رانکار کشیده‌اند . چنین سیاستی راه نفوذ انحصار طلبان را در نیروهای خط امام و یا تقویت لیبرال‌ها در جامعه نمی‌بندد . سیاست درست و اصولی این نیست که برخی نیروهای دموکرات خط امام به‌خاطر ادامه سیاست‌های گذشته از جانب انحصار طلبان و به‌خاطر بی‌زاری وسیع مردم از این سیاست‌ها ، تنها برای آن که مردم این عناصر را در کنار انحصارطلبان نبینند از تلاش برای شرکت در دولت و در نهادها و ارگان‌های حکومتی بازایستند ، چرا که این شیوه قبل از آن که به تقویت سیاست آنها منجر شود ، به تضعیف نیروهای خط امام بطور کلی و تقویت هرچه بیشتر لیبرال‌ها در جامعه منجر می‌گردد . سیاست درست و اصولی آن است که این نیروها همراه با همه محافل و عناصر دمکرات درون خط امام سیاست‌های گذشته را به نقد کشند و زمینه غلبه سیاست‌های منطبق با منافع انقلاب و طرد همه نیروها و عناصر انقلابی و ترقیخواه که سیاست درست و اصولی را تقویت می‌کنند ، از تلاش‌های نیروهای دمکرات خط امام در این زمینه حمایت خواهند کرد .

همه باید بدانند: ذخیره سازی مایحتاج عمومی

خلاف مصالح انقلاب است!

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران (اکثریت)



تجارت خارجی باید ملی شود

جنگ تحمیلی رژیم صدام بر مردم ایران جنگی برآستی ویرانگر است. نیروهای ضد مردمی دولت عراق مراکز نفتی ما را مورد تخریب قرار داده است، کارخانه‌های ما را بمباران کرده است. به بنادر ما در ساحل خلیج فارس صدمه وارد آورده است. بسیاری از راه‌های کشور ما را در خوزستان ویران کرده است. جمعیت عظیمی از مردم زحمتکش میهن ما را آواره کرده است و بسیاری از مردم رزمندگان ما را به خون کشیده است.

ویران کردن برخی از کارخانه‌های کشور، صدماتی که به بنادر و راه‌ها وارد شده کمیود سوخت ناشی از بمباران پالایشگاه‌های ایران،

اختلال در کار توزیع و واردات کالا، همه به خاطر آن است تا موجی از کمیابی و نایابی کالاها و افزایش فوق‌العاده‌ای در قیمت‌ها؛ انقلاط را از پای در آورد. ظاهر امر این است که کالا کم است و خریدار بسیار. قانون عرضه است و تقاضا. لاجرم قیمت‌ها سر به آسمان می‌زنند. این توضیحی است که سرمایه‌داران و مدافعان لیبرال‌ها درباره وضع کومی می‌دهند. این چیزی جز عوامفریبی نیست. مبلغان نظام سرمایه‌داری و سرفال نویسان لیبرال همیشه می‌دانند چه می‌گویند، چه می‌کنند و چه می‌خواهند.

زمان جنگ، زمان کمبود کالا، زمان اختلال در کار توزیع کالا، رساندن مواد به کارخانه‌ها و محصولات به مصرف کنندگان است. اما زمان جنگ، زمان کسب سودهای حیرت‌انگیز توسط سرمایه‌داران و به‌ویژه تجار بزرگ و انحصاری و چپاول هر چه بیشتر توده‌های زحمتکش توسط آنان نیز هست. صدمات و اختلالات زمان جنگ این انتظار عمومی را به وجود می‌آورد که تولید هر کالائی ممکن است در هر لحظه متوقف گردد و کالائی نایاب شود. سرمایه‌داران و به‌ویژه تجار بزرگ به این وضع دامن می‌زنند. بیم و نگرانی عمومی را نسبت به نامیمن کالاهای مورد نیاز گسترش می‌دهند و عملاً چنین کمبودهایی به وجود می‌آورند و بدین‌وسیله تحریران اقتصادی را تشدید می‌کنند. این سرمایه‌داران و تجار "محترم" علی‌رغم

ادعاهایشان در مبارزه‌صدم امپریالیستی - دیکراتیک مردم ایران، جبهه ضد انقلاط و امپریالیسم جهانی را تقویت می‌کنند. بسیم مکانیسم قیمت‌ها در این شرایط چگونه عمل می‌کند تا بسیم ریشه مسئله در کجاست و بنیان یابایی کالاها و افزایش روزافزون قیمت‌ها کیانند

در شرایط زمان جنگ که انتظار می‌رود تولید برخی از کالاها با محدودیت مواجه شود و برخی از مواد کمیاب گردد. سرمایه‌داران می‌کشند مواد و لوازم مورد نیاز کارخانه خود را هر چه بیشتر انبار کنند. تجارت تلاش می‌کنند هر چه زودتر انبارهای خود را پر کنند. ثروتمندان به تکاپو می‌افتند که خریدهای خود را تسریع کنند. همه در این انتظارند که تا چندی دیگر قیمت‌ها به چند برابر آنچه امروز هست، برسد. پس باید خرید و انبار کرد تا سود برد و فایده کرد. بدیهی است آنکه پولش بیشتر و جای انبارش بزرگتر، خریدش بیشتر

تجارت تلاش می‌کنند بیشتر بخرند و کمتر بفروشند تا همراه با افزایش قیمت‌ها بیشترین سود را نصیب خود کنند. این پروسه بدون آن که عملاً کاهش در امکانات تولید به‌وجود آمده باشد و باعث تنزلی در میزان تولید شده باشد، دست کم برای مدتی، باعث افزایش سریع قیمت‌ها شود.

در زمان جنگ که تولید نیز کاهش یافته واردات محدود شده است، قیمت‌ها بی‌هیچ تناسبی با میزان کاهش در امکانات تولید افزایش می‌یابد. از آنجا که در این شرایط سخت عمده سودی که نصیب سرمایه‌داران می‌شود، ناشی از تفاوت میان قیمت زمان خرید و قیمت زمان فروش است، در دوران جنگ بیشترین سود نصیب تجار و آن هم تجار بزرگ وارد کننده و عمده‌فروش می‌شود.

تجار بزرگ در زمان جنگ بیش از همیشه مردم را غارت می‌کنند

اکنون تجار وارد کننده در

موقعیت بسیار ممتازی قرار گرفته‌اند. کاهش تولیدات داخلی و اختلالاتی که در کار توزیع کالا در اقتصاد داخلی به‌وجود آمده است، فشار تقاضا را هر چه بیشتر متوجه واردات کرده است. قیمت کالاهای داخلی هر روز بیشتر می‌شود و با توجه به نایب بودن نرخ رسمی برابری ریال به ارزهای خارجی، کالاهای وارداتی، به سبب، برای وارد کننده ارزان‌تر تمام می‌شود. برای مثال، فرض کنیم قیمت کالائی در طول ۳ ماه، ۸۰ درصد در بازار داخلی افزایش یافته باشد و قیمت همین کالا برای وارد کننده در همین مدت با احتساب افزایش هزینه حمل و نقل و بیمه ۱۰ تا ۱۵ درصد افزایش داشته باشد. در این صورت تاجری که این کالا را از بازار خارجی وارد کند و به قیمت‌های رایج داخل بفروشد سودی به مراتب بیشتر از تاجری که محصول داخلی را می‌فروشد، به دست خواهد آورد.

اگر محدودیت ارزی برای واردات سود، و اگر بنادر جنوبی کشور دچار صدماتی نشده بود، تاکنون سیل کالاهای خارجی بازار ایران را فرا گرفته بود. در چنان شرایطی حجم واردات و همراه با آن حجم سود تجار وارد کننده سر به آسمان می‌زد. در چنان وضعی بخش‌های مختلف سرمایه‌داران تجاری (وارد کننده) از این سود کلای متناسب با سرمایه‌شان به‌دست می‌آوردند. اما اکنون وضع به گونه‌ای دیگر است. به علت محدودیت‌هایی که در استفاده از بنادر به‌وجود آمده است و همچنین به‌علت سیاست دولت در زمینه صرفه‌جویی در ذخیره ارزی، عملاً موانعی در مقابل سیل واردات به وجود آمده است. همه تاجرها نمی‌توانند تمامی کالاهائی را که بازار آن "شیرین" است، به ایران وارد کنند و علاوه بر آن وجود تحریم اقتصادی ایجاد رابطه با بسیاری از شرکت‌های عرضه کننده کالاهای وارداتی را در بازارهای جهانی برای وارد کنندگان ایرانی دشوار کرده است. اکنون خرید یک "پارتی" جنس در بسیاری از

موارد مستلزم برقرار کردن رابطه‌های پیچیده با طرف‌های ثابت است که در شبکه انحصارات امپریالیستی همان عرصه کنندگان قرار دارند و چنین کاری تنها از عهده تاجر بزرگ و انحصاری رسمی‌آید که طی سال‌ها پیوند با انحصارات امپریالیست مورد اعتماد آنان قرار گرفته و چم و خم بازارهای جهانی را آموخته‌اند. بدین ترتیب از یک سوی هر کسی نمی‌تواند هر مقدار که می‌خواهد و برای هر کالائی که می‌خواهد کالا وارد کند و تنها تاجر به اصطلاح "معتبر" و "خوشنام" و "باسابقه" در هر یک از رشته‌های وارداتی هستند که می‌توانند از دولت سهمیه دریافت کنند، و از سوی دیگر تنها همین "معتبران" و "خوشنامان" و "باسابقه‌ها" هستند که روز کار را بهتر از دیگران می‌دانند و می‌توانند، علی‌رغم تحریم اقتصادی، در بازارهای جهانی کالاهای مورد تقاضای خود را تأمین کنند.

بدیهی است تجارت کوچکتر که پیوندهای نزدیکی با انحصارات امپریالیستی ندارند، نیز می‌توانند به برخی از کالاها در بازارهای جهانی دست یابند. اما این کار مستلزم خرید کالا به قیمتی بالاتر از تجار دست دوم دیگری در آن بازارهاست. برای مثال، کمتر تاجر بزرگ وارد کننده‌ای است که در ماه‌های گذشته در نتیجه تحریم اقتصادی، برای خرید کالا به تجارت کویتی که در نقش انحصارات امپریالیستی عمل می‌کنند، روی آورده باشد.

گذریم از این که بسیاری از کالاهای انحصارات امپریالیستی جز برای عاملین این انحصارات و نمایندگان انحصاری آنها در بازار ایران قابل خرید نیست. حتی با دلایلی و واسطگی تجارت کویتی. علاوه بر این، در شرایط کنونی انحصارات امپریالیستی پرداخت ۱۰۰٪ قیمت کالا را به صورت پیش‌پرداخت طلب می‌کنند. برای تاجر کوچک وارد کننده این به معنای بالا رفتن دوره بازگشت سود سرمایه و در نتیجه کاهش نرخ سود است.

اما تاجر بزرگ که سرمایه‌های کلان در دست دارد به علت شرایط عمومی رکود اقتصادی تمامی سرمایه خود را کار ساز نداشته‌اند. تأمین ۱۰۰ درصد پیش پرداخت، مانعی در مقابل فعالیت تجاری آنان نیست، اما کمتر شدن رقیبان کوچکتر، به علت ناتوانی مالی آنها (و سر به دلیل مسائلی که در بالا شمرديم) زمینه گسترده‌تری را برای تاجر بزرگ و انحصاری فراهم می‌سازد. بدین ترتیب سود تاجر بزرگ و انحصاری افزایش می‌یابد.

کنه دیگری را باید به مسائل فوق بیفزاییم. همانطور که در شرایط زمان جنگ رسیدن محموله‌های به‌جا و به موقع سود هنگفتی برای وارد کننده به همراه دارد، واردات از دست دادن محموله‌های در راه یا در بندر در اثر صدمات جنگ، نیز افزایش می‌یابد. هر چند ممکن است برخی از تاجر کوچک وارد کننده بتوانند از چنین فرصت‌هایی "طلائی" بهره برد، اما برای آنان این تنها امری اتفاقی است. برخی محموله‌شان از بین می‌رود و مدودی به موقع "جسشان" به بازار می‌رسد. برخی ورشکست می‌شوند و مدودی سودهای کلان به جیب می‌زنند اما تاجر بزرگ وضع دیگری دارند. آنان محموله‌های متعدد در زمان‌های پی‌درپی و در سیرهای مختلف دارند و ریسک زیان از بین رفتن محموله خود را به مقدسار ناچیزی کاهش می‌دهند.

این چنین است که در زمان جنگ، وقتی تجارت دولتی نباشد، انحصارات تجاری سریع‌تر از هر زمان دیگری رشد می‌کنند و رقبای کوچک را هر چه بیشتر از بازار به‌دور می‌کنند.

همراه با گرایش فزاینده رشد انحصارات تجاری، عرضه کالاهای وارداتی در بازار داخلی، تحت کنترل این انحصارات قرار می‌گیرد. تنظیم عرضه کالاهای وارداتی که در اختیار انحصارات تجاری قرار دارد امکانات کسب سود بیشتر را با تنظیم قیمت در بازار برای آنها فراهم می‌آورد. بنابراین، همانطور که در بالا نشان دادیم، هر چه تاجر کنترل بیشتری بر بازار داشته باشند، در شرایط کنونی (که انتظار افزایش بقیه در صفحه ۹۹

از یادداشت‌های فدائیان خلق در سنگرهای خونین جنوب

در قلب بعثی‌های متجاوز،

امپریالیسم آمریکا را نشانه گرفته ایم

تقریباً چند روز بعد از تزوع جنگ از طریق بسیج مستضعفین به جبهه جنوب در خرمسهر اعزام شدم. در تمام جبهه موقع پیشروی، محاصره، عقب‌نشینی، همه و همه سخن از جنایات امپریالیسم آمریکا بود. گفته‌های آن برادر پاسدار را در حالی که آریبی‌جی را به طرف خودروی عراقی‌ها نشانه می‌رفت به یاد دارم: در قلب بعثی‌های متجاوز، امپریالیسم آمریکا را نشانه گرفته‌ایم.

اول آبان

خونین شهر

ما در محاصره دشمن هستیم. محل استقرارمان گمرک خرمسهر می‌باشد. مقدار مهماتمان ناکافی است. نیروهای زرهی دشمن قصد پیشروی دارند و ما تنها گروه باقیمانده در آن حوالی هستیم. عراقی‌ها قصد دارند با پاکسازی این محل وارد قسمت اصلی شهر بشوند من به برادر پاسداری که آری بی‌جی می‌زند، کمک می‌کنم. فرمانده گروه ما شهید و دو نفر زخمی شده‌اند. بایستی خط محاصره را بشکافیم. تقریباً مرگ ما را محاصره کرده است. یک نفر که انگار از روحیه بچه‌ها به‌خوبی اطلاع دارد، از قهرمانی‌های مردم ویتنام در موقع بمباران آمریکاها می‌گوید. پاسداری در حالی که با دستش کلاه‌خود مرا نشان می‌دهد، نوشته روی آن را با گرمی می‌خواند: متحد شویم! تا پای جان از استقلال میهن خویش دفاع کنیم، مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا! این پاسدار با ثبات گروه

تصور درستی از جنگ نداشتیم. خیال می‌کردیم ما می‌رویم می‌کشیم و بعد تمام می‌شود و یا در این راه کشته می‌شویم. ولی وقتی انفجار خمپاره‌ها را دیدیم، وقتی ویرانی‌ها را دیدیم، وقتی بدن‌های تکه تکه شده را دیدیم، فهمیدیم که جنگ را فقط امپریالیست‌ها دوست دارند. خلق‌های زحمتکش هرگز خواهان جنگ نبوده‌اند. این سرمایه‌داران زالوصفت هستند که جنگ را به ما تحمیل کرده‌اند... و ما هم می‌جنگیم، برای نابودی امپریالیست‌ها و برای صلح می‌جنگیم.

از یادداشت‌های یک رفیق فدایی در جبهه‌های خونین جنوب میهن

را رهبری می‌کند. زیر لب شعر رفیق هوشی مین را می‌خوانم: شهر زخمی شدم، ایجا بخش جراحی، قسمت مجروحین جبهه است. از در و دیوار صمیمیت و یکی شدن می‌بارد بخش ما شامل ۴۳ مجروح جنگ است. به قول بچه‌ها ایجا نمایشگاه آثار جنایت امپریالیسم آمریکا و بعثی‌هاست. ما در اینجا تصمیم داریم چون سراسر ایران و جهان امپریالیسم آمریکا را رسوا و حیل‌هایش را عریان کنیم. بر سر در ورودی بخش نوشته شده: جنایات امپریالیسم آمریکا به‌وسیله متجاوزین عراقی و تکریتی‌ها.

سوم آبان

خونین شهر

تقریباً تمام شهر تخلیه شده است. الان در نزدیکی غربی خونین شهر، قسمت استقرار ما را مستقیماً زیر بمباران شدید گرفته است. سربزستان که فرماندهی گروه را به عهده گرفته، زخمی شده، ترکش به او اصابت کرده، خودم را بالای سرش رساندم، سعی می‌کنم نشان دهم که درد نمی‌کشد، لبخندی بر گوشه لبش نوشته است. سعی دارد بین کلماتش فاصله نیفتد. بازوی مرا می‌چسبد و می‌گوید: بر روی قبضه سلاحم بنویس، مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا!

۱۲ آبان

این نامه را از بیمارستان می‌نویسم. روز چهارم آبان

آگاهی از جنایات آمریکا بدل کنیم.

از یادداشت‌های فدائیان خلق در بیمارستان

با صدائی بلند که

سربازان عراقی بیز

بشنوند فریاد می‌زنیم:

زنده باد خلق،

مرگ بر آمریکا!

از خانه بیرون زدم. با این فکر که چه باید کرد؟ چگونه باید جلوی این سفاکان را گرفت... صدای تیراندازی هنوز می‌آمد. به طرف اداره راهنمایی حرکت کردم. نمی‌گذاشتند کسی جلوتر بیاید. ناگهان صدای عجیبی به گوش رسید. از بالای سر ما رد شد و بعد هم صدای وحشتناکی بلند شد. یکی گفت ایرانی بود، یکی گفت: نه بابا، مگه ندیدی بمب انداخت و رفت... به‌همین سادگی آمد و رفت و جان دهها نفر از مردم را گرفت. تصور درستی از جنگ نداشتیم. خیال می‌کردم ما می‌رویم می‌کشیم و بعد تمام می‌شود و یا در این راه کشته می‌شویم ولی وقتی زمین خوردن خمپاره‌ها را دیدیم، وقتی ویرانی‌ها را دیدیم، وقتی بدن‌های تکه تکه شده را دیدیم، بیشتر به نقش جنگ‌افروزان امپریالیست‌ها پی بردم. وقتی بمباران تمام شد، با سرعت به‌طرف اورژانس دویدم، دیدم اتومبیلی روشن شد، دستور گرفت و حرکت کرد. انگار به او گفتند برو، آموزش و پرورش. به بعدی گفتند برو طرف موزه.

دیگر نفهمیدم چی شده. شروع به دویدن کردم. از دور آتش زبانه می‌کشید. هرچه می‌کردم به آن می‌رسیدم ولی به‌منظرم خیلی نزدیک شده بود. به باغ ملی رسیدیم. نمی‌گذاشتند جلوتر برویم. می‌گفتند تمام زخمی‌ها و کشته‌ها را برده‌اند. به خانه‌های محل حادثه نزدیک شدم. تا حالا چنین صحنه‌هایی ندیده بودم. کارگران موتور "تولیس" نشسته بودند و ماحرا را تعریف می‌کردند، یک‌ه‌روم می‌گفت:

شاس‌آوردیم. اگه یکی این‌طرف‌تر زده بود، هممون توها بودیم.

بغل دستیش گفت:

به‌خدا اگه من به زخمی داشتم، دخلش را آورده بودم. حیف که یک اسلحه اونجا نبود.

اری! چرا نباید در دستان پرتوان کارگران ما اسلحه‌های برای دفع‌اع از میهنستان باشد؟

به‌لین دیگری رفتم. در خانه‌های یک بچه‌گرسه می‌کرد. پدر و مادرش مضطرب بودند، سعی کردم با خونسردی آنها را دل‌داری دهم. می‌گفتند حالا خانه‌روی سرمان پاکت‌بسی می‌آید. اضطرابشان بی‌دلیل نبود. به فکر فرزند کوچکشان بودند. نه جان پناهی، نه جایی که آنان را حفظ کند، شاید اکثر کسانی که می‌رفتند به‌خاطر این مسایل بود و گرنه همشان آماده بودند که بایستند و مبارزه کنند. ولی بازهم هر کس مانده بود، زحمتکش بود. در احمدآباد سده، بهمنشیر، بازوی پرتوان کارگران و زحمتکشان

بقیه در صفحه ۵

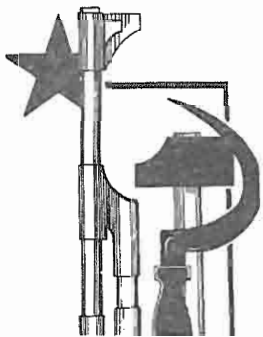
مسلح کردن توده‌ها ضامن پیروزی خلقهای ماست

از یادداشت‌های فدائیان خلق در سنگرهای خونین جنوب

در قلب بعثی‌های متجاوز، امپریالیسم...



جدیدی به همراه دارد. گویا آبادان تقریباً در محاصره عراقی‌هاست. حرف‌های تازه واردین آنجا که از حماسه‌های مقاومت، می‌گویند، غرور آفرین است و وقتی از مشکلات سخن می‌گویند، ناسفا آور. آنها می‌گویند دیگر نمی‌توانستند با دست خالی در زیر آتش سلاح‌های سنگین دشمن بیش از این شاهد شهید شدن عزیزانشان باشند. می‌گویند روزهای بسیاری است که در انتظار رسیدن کمک دقیقه شماری می‌کنیم. شهر برای حفاظت احتیاج به سلاح‌های سنگین دارد. برخی از فرماندهان ارتش تعلل می‌ورزند و نمی‌جنگند ولی نیروهای مردمی مسلح به سلاح‌های سبک حماسه می‌آفرینند. از کسانی که حکم می‌کنند آوارگان جنگی را کمک نکنید بلکه برانید، خشمگینند. شب به آبادان رسیدیم.



هواداران سازمان باید بطور خستگی‌ناپذیری علل جنگ و بدبختی توده‌های مردم را توضیح دهند، نیت شوم لیبرال‌ها را برای آنها فاش سازند، راه رهایی واقعی زحمتکشان را نشان دهند و نگذارند لیبرال‌ها در میان مردم جا باز کنند.

مردمی که برای مقاومت و دفاع در آبادان مانده‌اند قهرمان‌ترین افراد روی زمین هستند

چهارشنبه ۷ آبان‌ماه اهواز

صبح زود با صدای انفجار شدید گلوله توپ که در نزدیکی ما اصابت کرده است از خواب بیدار می‌شویم. گشتی در شهر می‌زنیم. مساجد و دیگر مراکز عمومی مبدل به دژهای مستحکم شده‌اند. تعداد سنگرهای مستحکم بر سر هر کوی و برزن حکایت از عزم مقاومت مردم دارد و غرور انگیز است ما برای رفتن به آبادان از طریق ماهشهر حرکت می‌کنیم. ظهر وارد ماهشهر می‌شویم. شهر بیش از حد شلوغ است. خیلی‌ها تازه از آبادان رسیده‌اند و خبرهای

مردم از زن و مرد، پیر و جوان برای بدرقه آمده‌اند. دختر جوانی را می‌بینم که نزدیک ماشین گریه می‌کند. شاید برای برادرش یا نامزدش... پیرزنی اسفند دود کرده و در میان مردم می‌جریاند. خورشید در حال غروب کردن است. سرخ‌تر از همیشه به نظر می‌رسد. از اتحاد و یگانگی مردم، احساسات پاک پدران، مادران، خواهران و برادران به‌وجود آمده و اشک در چشمانم حلقه زده است. با خود می‌گویم:

"اگر مردم ما با هم متحد باشند، قادر به هر کاری خواهند بود. ما پیروز خواهیم شد. ما تا آخرین قطره خون خود خواهیم جنگید، ما ایران را به گورستان امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا تبدیل خواهیم ساخت. اتوسوها به طرف جبهه براه می‌افتند.

از یادداشت‌های فدائیان خلق - ماهشهر

سربازان عراقی سز در درون سنگرهای خود مسود، فریاد می‌رسد: "ریده باد حلی. مرگ بر آمریکا".

در خارج از آبادان، رفقا معدد بودند که سازمان به مسئله آوارگان سوخته کافی نکرده است. دسمان انفلات لیبرال‌ها و جاسوسان عراقی در سان رحمکسانی که اهداف پلید امپریالیسم آنها را از خانه و کاسه‌های آواره کرده، دست به تبلیغات ضدانقلابی زده‌اند و با توجه به وضعیت دتوار این دسته از زحمتکشان، سلیغات ضد انقلابی در آنها بی‌تاثیر نیست. هواداران سازمان باید بطور خستگی‌ناپذیری علل جنگ و بدبختی توده‌های مردم را برای آنها توضیح دهند. نیت شوم لیبرال‌ها و دیگر دشمنان انقلاب را برای آنها فاش سازند. راه رهایی واقعی زحمتکشان و نابودی فطعی امپریالیسم را به آنها نشان دهند و نگذارند که لیبرال‌ها افکار خائنه خود را در میان آنها رسوخ دهند.

از یادداشت‌های فدائیان خلق - آبادان

هر کجا که سنگر دفاع

از انقلاب پریاشد،

فدائیان خلق

آنجا هستند

ساعت در حدود ۴/۲۰ دقیقه بعد از ظهر است. چند اتوبوس که هر کدام ظرفیتی حدود ۸۰ نفر دارند منقضی خدمت سال ۵۶ را سوار می‌کنند، عازم مرز هستیم، جوانان برشور در خیابان سعیدی ماهشهر با یک کوله‌پشتی و یک تفنگ ام.یک به صف ایستاده‌اند. چند نفر از رفقای هوادار سازمان را در میان داوطلبین می‌یابیم. برایشان دست تکان می‌دهم، متوجه می‌شوند و برایم دست تکان می‌دهند.

مردان و زنان، دحتران و پسران دژی را می‌ساختند که قرار بود خلق در آن حماسه بیافریند، در هر گوشه‌ای از این مناطق چون کارخانه‌هایی کوچک سطرهای کوکتل و سم‌های دستی ساخته می‌شد. در روی دیوارها طرز ساختن سنگر، مقاله‌ها، دشمن و... نوشته شده بود. خلق مصمم بود استالیگرادی دگر بیافریند کمبود برین برای ساختن کوکتل احساس می‌شد. مسابعدنیال رهنمودهای سازمان مقدار زیادی شسته، سزی، گوسی و دارو فراهم کرده بودیم. سربازی می‌گفت: در بیمارستان که بودیم فدایی‌ها مقدار زیادی دارو آوردند و وقتی که دکترها این داروها را دیدند، تعجب کردند. می‌گفتند این داروها جان بسیاری را از مرگ نجات خواهد داد.

هم مردم و هم پاسداران معتقد بودند که برخی از فرماندهان ارتش نمی‌جنگند بلکه خیانت می‌کنند. زرمه‌هایی به گوش می‌رسید که اگر قرار باشد آبادان هم همبطور "لو" برود، سپاه پاسداران سروهای خود را از آبادان خارج خواهد کرد. شعار "پاسداران باید به سلاح سنگین مجهز شوند شعاری بود که به فوریت برد شده‌ای پیدا کرد و همه معتقدند که این شعاری است در جهت خنثی کردن توطئه‌های محافل آمریکایی درون ارتش. حتی سپاه نیز از این شعار خشنود بود. پس از رهنمود سازمان در مورد شرکت در بسیج برای دفاع از مین، هواداران دقیقاً این ضرورت را درک کرده و با تمام قوا به اجرای آن پرداختند. به قول یکی از رفقا انگار همه خود را آماده کرده بودند و فقط منتظر رهنمود سازمان خود بودند. در جبهه و پشت جبهه رفقای فدائی با از جان گذشتگی مبارزه می‌کنند. دیگر همه می‌دانستند که فدائیان مانده‌اند و می‌جنگند. دیگر همه می‌دانستند که این فدائیان هستند که صبح زود برای ورزش صبحگاهی به خیابان می‌آیند، محکم پا بر زمین می‌گویند و با صدای بلند، آنقدر بلند که



جنبش کارگری ایران

طبقه کارگر رزمنده ایران

در سنگرهای انقلاب، حماسه می آفریند

در صفحه ۱۱

به نیازهای

خانواده های نفتگران جنگ زده

هرچه زودتر رسیدگی کنید!

نمایندگان کارکنان باشد. ۳- با توجه به این که کارکنان تهران و سایر نقاط حقوق کامل دریافت می کنند می بایست کارکنان مناطق جنگ زده که تمام هستی خود را در این جنگ از دست داده اند، از اولویت برخورداری بوده و میزان علی الحساب پرداختی به آنها بیشتر شود.

۴- چون مشکلات خانواده های جنگ زده یکسان است، باید مبلغ پرداختی به همه اعم از کارمند، کارگر و کارکنان "پوششی" یکسان باشد.

۵- کمیته بررسی مشکلات جنگ زدگان باید اقدام فوری و فاطعی در مورد تهیه مسکن و اسکان جنگ زدگان به عمل آورد تا آنها از آوارگی و دربدری نجات یابند، در غیر این صورت باید مبلغی به عنوان کمک هزینه مسکن به کارکنان جنگ زده پرداخت گردد.

۶- تامین خواربار و سوخت از نیازهای اولیه کارکنان جنگ زده است و باید اقدام فوری در این مورد صورت گیرد.

۷- زهمه هایی که در مورد جدا کردن کارکنان "زیر پوششی" از سایر کارکنان ششیده می شود از نظر ما محکوم است و ما قویا از "کارکنان زیر پوششی" حمایت می کنیم.

۸- در مورد "کارکنان حراست" باید تصمیم عادلانه ای اتخاذ شود. ما که به گفته مسئولان اخراج گردیده اند، حمایت می کنیم در پایان نفتگران بار دیگر بر ضرورت مبرم رسیدگی مسئولان به خواست هایشان تاکید کردند.

در تاریخ سمنه ۱۱ آذر ۵۵۰ تن از نفتگران مناطق جنگ زده در ساختمان مرکزی شرکت نفت اجتماع کردند.

در ابتدا یکی از نمایندگان از بی توجهی برخی از مسئولان شرکت نفت در پاسخگویی به خواسته هایشان انتقاد کرد. سپس یکی از مسئولان بالا ایستگاه آبادان در مورد برنامه هایی که قرار است به جرایم در آمد، مطالبی گفت. لی حاضرین ضمن اعتراض اعلام کردند که:

"حرف پس است، عمل کنید!"

پس از آن یکی از نمایندگان کارگران "تحت پوشش شرکت نفت" (کارگرایی به پیمایی بوده ولی پس از انقلاب تحت پوشش شرکت نفت قرار گرفتند) با در میان گذاشتن مشکلات این کارگران خواستار همسنگی کارکنان رسمی و پیمایی (زیر پوشش) شد. که سخنان وی با استقبال و تأیید همگانی کارکنان مواجه شد.

در پایان گردهمایی قطعنامه ای در ۸ ماده از طرف نفتگران مناطق جنگ زده خوانده شد:

متن قطعنامه بدین شرح است:

۱- لغو تصویب نامه هیئت دولت (مندرج در کیهان ۲۴ آبان ۵۹) که در آن تعیین تکلیف کارکنان جنگ زده را به آینده موکول می نماید.

۲- کمیسیون بررسی و تجهیز نیروی انسانی باید با همه کارکنان جنگ زده یکسان رفتار نموده و معیار واگذاری کار به کارکنان را که تاریخ ترک آبادان می باشد، لغو نماید. همچنین کلیه کارهای این کمیسیون باید زیر نظارت

مدیران لیبرال کارخانه چرم آذر،

در تحویل مواد اولیه اخلال می کنند

حالی که محموله ۳۵۰ تنی درخواستی این کارخانه از خارج وارد شده و در بنادر جنوبی کشور تخلیه سیز شده است ولی مدیریت کارخانه به این بهانه که منطقه جنوب منطقه جنگی است، هیچ اقدام جدی جهت رفع این کمبود ها نکرده است. از این رو شورا تاکنون برای رفع این کمبود، ۹ تن مواد لازم را از کارخانه های تبریز تهیه کرده است و در حال حاضر فقط برای مدت کوتاهی (یک هفته) مواد اولیه موجود است و در صورتی که اقدامی جدی در تحویل مواد صورت نگیرد، تولید کارخانه متوقف خواهد شد.

کارگران می دانند که مدیران لیبرال برای خواباندن کارخانه بهانه

همچنان که تاکنون بارها شاهد برخورد های مسئولان و انقلابی کارگران مبارز و آگاه کارخانجات کفش ملی در امر تامین مواد اولیه و تضمین تداوم تولید بوده ایم، این بار سر در رابطه با مشکلات تولیدی کارخانه چرم و توطئه مدیران لیبرال، یعنی خواباندن کارخانه از طریق اخلال در تحویل مواد اولیه توحه مسئولان شان را در پاسخ به ضرورت های مبرم انقلاب نشان دادند.

کارخانه چرم یکی از کارخانه های وابسته به گروه صنعتی کفش ملی، الوند، آذری است که در حدود ۳۵۰ کارگر دارد. این کارخانه چندی است که دچار کمبود مواد اولیه (بی کرم) و کرم مورال) شده است. در

نوع تولید واحدها را باید با ضرورت های جنگی هماهنگ کنیم

جنگی به مقدار خیلی بستری از آنچه که اکنون تولید می کند، بکند تا کسب حبه سیاستی حبه هماهنگ کردن نوع تولید واحدها با اوضاع جنگی دارید؟ چه طرحی برای بالا بردن تولید دارید؟ آیا بجا نبود بجای دسب زدن به اقدامات انحرافی که تنها موجب تشدید تعرفه و درگیری بین کارگران شده، در رابطه با مسائل ذکر شده حرکت می کردید؟

اکنون تنها با هماهنگ کردن نوع تولید کارخانه با اقتصاد مناسب شرایط جنگی است که می توان با ایجاد یک پشت بینه فوری، کارخانه را در خدمت انقلاب و مبارزه با توطئه های امپریالیسم امریکا درآورد."

تس از کارگران نا آگاه به شدت مصروب گردیده و در سمارستان بستری شد. کارگران پیشرو میسو در اعلامی که در رابطه با مشکلات کارخانه و مسائل کارکنان دارند. ضمن انتقاد از برخوردهای عمر مسئولان مدیریت جدید، و طایف انقلابی مرمی را که کارگران در رابطه با شرایط حراست رده اقتصادی و ضرورت های مبرم جنگی نه عهده دارد، تاکید کردند. در این اعلامیه آمده است:

"در چنین وضعی که کشور ما نیازمند سیاست هایی است که در درجه اول افزایش تولید را بدیال داشته باشد ما از هیئت مدیره جدید می پرسیم، با آگاهی به اینکه کارخانه ما می تواند جیره

جدی پس، سازمان صانع ملی ایران، حکم مدیریت هیئت مدیره گروه صنعتی میسو را لغو کرد و مدیریت جدیدی را بحای آن منصوب نمود. هیئت مدیره فعلی که مرکب از ۳ عضو شورا و ۲ نماینده دولت بود، طی ۱۵ ماه کار، کارخانه را من حیث المجموع (علیرغم بارهای ضعف های) خوب اداره کرده بود. ولی هیئت مدیره جدید که استعانت با بارهای اعتراضات سیر مواجه شده است، در پاسخ به اعتراضات مبرور، بجای رسیدگی به مشکلات کارخانه و مسائل کارکنان، با فراخواندن پاسداران به کارخانه جو موجود را منسوخ کرد. آنگاه یکی از اعضای هیئت مدیره قبلی توسط چند

پرتوان باد جنبش طبقه کارگر

پشت از مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران

جنبش دهقانی ایران

از اقدامات ترقی خواهانه هیئت های هفت نفره دفاع کنیم



تأخیر در اجرای بند (ج) اصلاحات ارضی، عملاً انحلال هیئت های ۷ نفره است

در صفحه ۹

نیازمندی های

کشاورزان (بوئین زهرا) را تأمین کنید



زحمتکشان "علی آباد" (ازنا):

زمینداران بزرگ دشمن مردم، دشمن انقلاب و همدست امریکای غارتگرند

اهالی روستای علی آباد می گویند: زمین هایی که زمینداران بزرگ در تصرف خود نگاه داشته اند، حق ماست. ما و پدرانمان پشت در، پشت روی این زمین ها جان کنده ایم. آنها را آباد کرده ایم. پس صاحب واقعی آنها نیز خود ما هستیم. نه بزرگ مالکان گردن کلفت که همیشه بر گرده ما سوار بوده اند. آنها دشمن مردم دشمن انقلاب و همدست امریکای غارتگرند. زمین های آنها باید بطور کامل مصادره شود.

اعراض به این عمل به همه و همه جا و همه کس مراجعه کردند. آنها سراحام در ساه همسگی و سارراب خود موقی بند که چهل هکتار از اراضی را مجدداً به تصرف خود در آورد. دهقانان زحمتکش علی آباد مضمند که تا مصادره کامل زمین های منوچهرخان از پای بشیند، یکی از آنها می گویند: ما مصمیم داریم زمین های مصادره شده را به صورت دسته جمعی کشت کنیم. ما برای مصادره بقیه زمین ها همچنان مبارزه می کنیم.

روستای 'علی آباد' از توابع بخش ازنا در استان لرستان است. این روستا زمین های مرغوبی دارد که بیش از ۱۱۰ هکتار آن در تصرف منوچهرخان زمیندار بزرگ مطلق بوده است. اهالی زحمتکش علی آباد به پوره دهقانان بی زمین این روستا در روزهای پس از قیام، زمین های ارباب را مصادره کردند و بر روی آن به کشت و کار پرداختند اما ارباب پس از جدی به کمک عوامل خود توانست زمین های مصادره شده را دوباره از دهقانان پس بگیرد. روستائیان در

دهقانان روستای «کلمین - نخ کلا» فعالانه در

دفاع از استقلال میهن شرکت می کنند

امیرالایسم جهانی به سرکردگی امیرالایسم آمریکا هر چه بهتر انجام می دهند. اهالی این روستا همچنین با جمع آوری مقدار ۲۰۰ کیلو برنج و هزار و پانصدنومان وجه نقد برای مناطق جنگ زده، همسنگی خود را با زحمتکشان سراسر ایران در مبارزه با دشمنان بین المللی انقلاب نشان می دهند. مجاهدات اهالی روستای کلمین - نخ کلا برای ضربه زدن به دشمنان داخلی و خارجی انقلاب نمونه می باشد. آموزشگاه های است که می بایست سرمشق زحمتکشان روستاهای سراسر ایران باشد.

بیز فرار است یک راکتور در اختیار آنها گذارد. زحمتکشان روستا با همکاری سروهای مترقی، همچنین موفق شده اند که یک شرکت تعاونی در ده تشکیل دهند. امر توزیع نفت، سیگار، گازوئیل و سایر مایحتاج عمومی در شرایط جنگ تحمیلی هم برعهده شورایی است که به کمک خود اهالی تشکیل شده است. دهقانان مارر روستای کلمین - نخ کلا یا کشت شورایی زمین های مصادره شده، محصول هر چه بیشتری از زمین هایشان برمی دارند و به این ترتیب وظیفه انقلابی خود را در مبارزه با فشارهای اقتصادی

روستای "کلمین - نخ کلا" از توابع بابل است. زحمتکشان این روستا با مبارزات پیگیر خود بر علیه زمینداران بزرگ توانسته اند صد و هفت هکتار زمین زراعتی را مصادره نمایند. این زمین ها هم اکنون به صورت شورایی اداره می شوند. اهالی زحمتکش روستای کلمین - نخ کلا در مبارزات خود از همکاری سهادهای انقلابی نظیر جهاد سازندگی و هیئت ۷ نفره سر برخوردارند. هیئت ۷ نفره اعتبارات لازم برای اداره زمین های مصادره شده را در اختیار شورای ده قرار داده است. جهاد سازندگی

"بوئین زهرا" از توابع اقای رضا صفایی در این قزوین است. این منطقه ۵ مزرعه را در بر می گیرد. است. ناپیگیری مقامات مسئول سبب شده است که کشاورزان نام های صالح آباد، حسن آباد، بوئین، صادق آباد و قندجین آباد است. در صورت وجود ماشین آلات، کود و بذر مناسب می تواند نقش بزرگی در تأمین محصولات کشاورزی منطقه داشته باشد. لیکن مسئولین کشاورزی منطقه در جهت تأمین نیازمندی های کشاورزان زحمتکش این مزارع تاکنون اقدامی به عمل نیاورده اند. چندی پیش کشاورزان دسته جمعی به اداره عمران قزوین مراجعه کردند. آنها از دولت خواستند که امکانات کشت و کار در اختیارشان قرار دهد. مراجعات کشاورزان وحتى تا کید بعضی از مسئولین جمهوری اسلامی نظیر

زمین از آن کسانی است که روی آن کار می کنند

دستاوردهای
انقلاب و
سوسیالیسم



جمهوری دمکراتیک خلق یمن در راه

غلبه بر عقب ماندگی ها و پیشروی بسوی سوسیالیسم



دهقانان یمنی در لاهج

بعدادی کافی وجود ندارد. حزب سوسیالیست یمن و دولت یمن دمکراتیک بر این عقیده اند که حل بسیاری از مشکلات مستلزم تقویت نقش رهبری حزب و پیوند هرچه بیشترش با توده های مردم و سرانجام همبستگی هرچه گسترده تر با کشورهای سوسیالیستی و مترقی جهان است.

یمن جنوبی روابط بسیار نزدیکی با کشورهای سوسیالیستی دارد. نزدیک به ۸۰٪ پول مورد احتیاج برای انجام پروژه های صنعتی به صورت قرض ها و اعتباراتی با بهره بسیار نازل به وسیله کشورهای سوسیالیستی تامین می گردد. تاکنون بیش از ۲۵ واحد صنعتی با کمک اتحاد شوروی در یمن ساخته شده است بیشتر روابط تجاری این کشور با کشورهای اردوگاه سوسیالیسم بخصوص شوروی، چکسلواکی و آلمان شرقی است.

یمن جنوبی تحت رهبری حزب سوسیالیست از یک سیاست فاطح و روشن ضد امپریالیستی در عرصه جهانی پیروی می نماید. این کشور عضو "جبهه بایداری" بوده و از جنبش های آزادیبخش جهان در منطقه و بخصوص نبرد عادلانه خلق دلاور فلسطین علیه امپریالیسم و اشغالگران صهیونیست حمایت می کند و قاطعانه از آزادی فلسطین و بازپس گرفتن سرزمین های اشغال شده توسط صهیونیست ها دفاع می کند.

مبارزه بی امان جمهوری دمکراتیک خلق یمن علیه امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم امریکا و صهیونیسم سبب گردیده است که این کشور همواره مورد خشم امپریالیست ها واقع شود لیکن حزب سوسیالیست یمن با هوشیاری این توطئه ها را خنثی نموده و کمک های بی دریغ خود به جنبش های آزادیبخش را افزایش داده است

یمن دمکراتیک پیرو سیاست ضد امپریالیستی خود، طی سالیان گذشته همواره از مبارزات ضد امپریالیستی خلف های دلاور ایران پشتیبانی کرده است و اینک نیز یکی از حامیان و متحدین انقلاب ایران می باشد.

مکانیزاسیون و پرتمک بودن زمین ها مشکلات زیادی برای توسعه کشاورزی در یمن جنوبی پدید آورده است.

با این همه در سالهای اخیر، آبیاری ۲۳۰۰۰ هکتار زمین برنامه ریزی گردیده و مبالغ هنگفتی برای رشد کشاورزی در نظر گرفته شده است. هم اینک بیش از ۶۰٪ تولید کشاورزی در یمن جنوبی به وسیله واحدهای دولتی و تعاونی صورت می پذیرد.

بر اساس برنامه ۵ ساله دوم میزان سرمایه گذاری دولت در کشاورزی به ۸۰ میلیون دینار خواهد رسید. در ظرف همین مدت حجم تولید ناخالص کشاورزی به رقمی معادل ۱۷/۸ میلیون دینار می رسد که این رقم در مقایسه با سالهای قبل، افزایش چشمگیری را نشان می دهد.

در زمینه بهبود شرایط زندگی و رفاه زحمتکشان دولت گام های بزرگی برداشته است. قانون اساسی جمهوری دمکراتیک خلق یمن اشعار می دارد که: "کار حق مسلم تمام افراد و در عین حال وظیفه تمام کسانی است که قادر به کار کردن هستند. اشتغال افراد با توجه به کارآئی و تخصص آنها در جهت تامین منافع جامعه تضمین می شود."

امروز بیکاری در یمن جنوبی تقریباً از میان برداشته شده است و کارگران و زحمتکشان در امور سیاسی و اجتماعی کشور روز به روز نقش عمده تری ایفاء می کنند. حزب سوسیالیست و دولت یمن جنوبی تاکنون اقدامات مهمی مانند بالا بردن سطح ایمنی کار، سوادآموزی زحمتکشان، استفاده از وسائل مدرن و فنی در اقتصاد و آموزش تخصصی کارگران درجهت بهبود شرایط کار و زندگی را به انجام رسانده اند. علاوه بر آنچه که گفته شد، بهداشت در یمن جنوبی رایگان می باشد و اجاره مسکن بسیار پائین است. در حالیکه پیش از انقلاب اجاره بهای یک آپارتمان متوسط بین ۲۰۰ تا ۳۰۰ دلار بود امروز این مبلغ از ۱۰ تا ۵۰ دلار تجاوز نمی کند.

جمهوری دمکراتیک خلق یمن در پایدیری و توسعه اقتصادی، اجتماعی کشور با مشکلات فراوانی نبرد دستبدرگزیان است. منابع مالی کشور بسیار محدود است و پرسنل متخصص بد

در نوامبر ۱۹۶۷، مردم یمن جنوبی پس از سالها مبارزه، پرچم آزادی و استقلال را در سرزمینی که سالها تحت سلطه انگلستان بود، به اهتزاز درآوردند و امروز پس از گذشت قریب ۱۳ سال از اعلام استقلال خلق دلاور یمن تحت رهبری حزب سوسیالیست پیروزی های بس عظیمی در عرصه های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی نائل آمده است

تا قبل از اعلام استقلال، قسمت اعظم درآمد کشور از طریق خدماتی که به پایگاه دریائی انگلیس، نوریستها و سربازان خارجی ارائه می شد و یا از طریق پخش محصولات انگلستان از بنادر این کشور، حاصل می گردید. درآمد حاصله از خدمات ۶۰٪ درآمد کشور را تشکیل می داد و فقط یک سوم تولید ناخالص ملی از صنایع، کشاورزی و ماهیگیری به دست می آمد.

پس از اعلام استقلال، بانکهای خارجی (که اکثراً انگلیسی بودند) بنگاه های بیمه، شرکت های تجاری و شرکت هایی که در بندر عدن بسمه فعالیت های خدماتی اشتغال داشتند، اکثر تجهیزات شرکت های خارجی ملی اعلام شدند و گام بزرگی در راه گسستن زنجیرهای وابستگی برداشته شد.

امروز در نتیجه فعالیت های برنامه ریزی شده بخش عمومی صنعت، بیش از ۹۰٪ محصولات صنعتی را تولید می کند و تولید ناخالص ملی افزایش چشمگیری را نشان می دهد بطوری که در فاصله سالهای ۷۳ تا ۷۶ تولید ناخالص ملی از ۷۵/۴ میلیون دینار به ۱۱۲/۴ میلیون دینار رسیده است.

با انجام موفقیت آمیز اولین برنامه ۵ ساله توسعه اقتصادی (۷۹ - ۱۹۷۵) محصولات کارخانجات صنعتی و در درجه اول کارخانه های نساجی و تولید مواد غذایی بیش از ۳ برابر گشته است.

بر اساس برنامه ۵ ساله دوم، تا سال ۱۹۸۳ باید موسسات صنعتی جدید از قبیل کارخانجات سیمان، روغن نباتی، کنسروسازی و... در کشور تاسیس گردند. در این برنامه رشد صنعتی تمام ایالت های کشور مد نظر بوده و از تمرکز ناخالصی های صنعتی در ایالت واحدی خودداری می شود. اولین کنگره حزب سوسیالیست یمن رهنمودهایی را برای دومین برنامه ۵ ساله به تصویب رسانید. در این برنامه بر استفاده کامل از منابع ملی و مدرنیزه کردن اقتصاد از طریق توسعه مداوم و طبق برنامه بخش های تعاونی و عمومی تاکید شده است.

کشاورزی مهم ترین ریشه اقتصادی یمن جنوبی است و نزدیک به دو سوم جمعیت کشور در این رشته به فعالیت مشغولند. تا پیش از انقلاب زمین های قابل کشت در دست فئودال ها و شیوخ بو. پس از انقلاب، فرمان انجام اصلاحات ارضی صادر گردید. بر طبق این فرمان زمین های زمین داران بزرگ، شیوخ و سلاطین مصادره گردید به کسانی که در گذشته صاحب زمین بودند حد اکثر ۱۰ هکتار زمین آبی و به دهقانان بی زمین و کم زمین ۲/۵ تا ۴ هکتار زمین تعلق گرفت. کمبود آب برای کشاورزی، سطح بیابانی

اخراج کارگران مبارز خیانت به آرمان انقلاب است

مدیر لیبرال کارخانه ایران کف، همزمان با اخراج ۱۰ تن از اعضای شوراهای تعدادی از کارکنان مبارز کارخانه، به اتهام واهی "احلال در تولید" محوی بی برنامه حکم اخراج عسایی یکی از کارکنان را صادر کرد. که در حبه جنگ علیه منحازین عرفانی، دوس به دوسی دیگر زرمندگان انقلابی سبب، مبارزه می کند. همجس در کارخانه آلبوم بومباری اراک، به دسال احلال نیرو و "ساد سیخ کارخانه" و باردادست کی از نمایندگان کارگران، مدیر عامل جدید کارخانه (مظفری)، حکم اخراج یکی از نمایندگان کارگران را که داوطلبانه به حبه جنگ اعرام داده بود صادر کرد. که اس اقدام، وجهه مغرب

و انرجار عمیق کارگران و کارمندان مبارز را برانگیزد. کارگران رزمنده و انقلابی اخراج کارکنان مبارز را از سوی هر مرجع و مقامی که باشد (اعم از مدیران ضد انقلابی و لیبرال یا عناصر تنگ نظر و نفاق افکن) ، اقدامی ضد انقلابی دانسته و آن را شدیداً محکوم می کنند. زیرا قطع نظر از آنکه "حق کار" از جمله ابتدائی ترین حقوق کارکنان است، در شرایطی که همین ما س از هر زمان دیگر به وحدت و اسحام صفوف نیروهای انقلابی و رزمنده نیاز دارد، سز اینگونه تحریکات نفاق افکنانه ضد کارگری حر حانت به آرمان اخراج می تواند مفهومی داسه باشد.

از اقدامات ترقی خواهانه هیئت های هفت نفره دفاع کنیم

● تأخیر در اجرای بند (ج) اصلاحات ارضی، عملاً انحلال هیئت های ۷ نفره است

در شماره قبل نشریه "کار" گفتیم که: طرح اصلاحات ارضی جمهوری اسلامی ایران، با وجود نارسائی هایی که در آن سراغ داریم به بخش مهمی از خواست های زحمتکشان روستا پاسخ می دهد و به این ترتیب آنان را بیش از پیش به سرنوشت انقلاب امیدوار و علاقمند می سازد.

گفتیم که: "اجرای کامل این طرح نشان توجه جمهوری اسلامی به مصالح زحمتکشان بوده و موجبات تشویق کشاورزان زحمتکش میهن را در تشدید مبارزه انقلابی در افزایش محصول و تأمین هر چه بیشتر نیازمندی های کشاورزی میهن جنگ زده فراهم می آورد."

ما همچنین در گذشته بارها اقدامات مترقی هیئت های هفت نفره را مورد پشتیبانی قرار داده ایم. این هیئت ها به عنوان ارگان اجرای قانون اصلاحات ارضی تاکنون گام های مثبتی در جهت مبارزه با زمینداران بزرگ برداشته اند. مجموعه عملکرد هیئت های ۷ نفره در راه مبارزه با بزرگ مالکی و همیاری با زحمتکشان روستا در پیشبرد امر افزایش تولید، ما و همه نیروهای علاقمند به سرنوشت انقلاب را بر آن داشته است که از موجودیت و اقدامات این هیئت ها پیگیرانه دفاع کنیم.

ادامه عملکرد هیئت های هفت نفره به ویژه در شرایط کنونی که مبارزه در راه افزایش محصولات کشاورزی بر توانمندی جبهه خلق در برابر تهاجم امپریالیسم و ارتجاع جهانی تأثیرات حیاتی برجای می گذارد، مورد توجه ویژه نیروهای ترقی خواه و ضدامپریالیست قرار دارد.

هیئت های هفت نفره می توانند با انجام وظایف خود در زمینه اجرای کامل طرح اصلاحات ارضی، شرأت انقلاب را بیش از پیش برای توده های میلیونی روستا ملموس و مشخص سازند. هیئت های ۷ نفره از این

طریق نقش با اهمیتی در تشویق زحمتکشان روستا به شرکت فعال در دفاع از انقلاب و تداوم و تعمیق آن بازی می کنند.

اقدامات هیئت های هفت نفره در روستاهای مازندران، خراسان، آذربایجان و دیگر نقاط ایران، به خوبی مضمون ترقی خواهانه فعالیت این هیئت ها را نشان می دهد. استقبال زحمتکشان روستا از این اقدامات، به روشنی مشخص می کند که ادامه موجودیت و عملکرد هیئت های فوق تا چه اندازه بر شکوفایی مبارزه طبقاتی در روستاهای میهن و شرکت فعال کارگران و زحمتکشان ده در مبارزه با دشمنان انقلاب به ویژه زمینداران بزرگ تأثیر مثبت دارد.

مازندران اخیر طی اطلاعیه ای به زمینداران بزرگ و فئودال های منطقه اخطار کرده است که از خرید و فروش و تبدیل زمین های مزروعی به باغ مرکبات و قلمکاری و نیز احداث ساختمان در این زمین ها که مشخصاً به زیان زحمتکشان روستا و اقتصاد میهن است، خودداری کنند. این هیئت همچنین در اطلاعیه دیگری به کشاورزان منطقه یاد آور شده است که بدون ترس و واژه از هر نوع تهدید و حرکت مشکوک از جانب فئودال ها و زمینداران بزرگ به فعالیت و کشت خود ادامه داده و مزاحمین را به هیئت معرفی کنند تا با آنها طبق قانون عمل شود.

این اقدامات ترقی خواهانه

جمهوری اسلامی، با لغو موقت بند "ج" طرح اصلاحات ارضی در برابر این فشارها یک گام به عقب نشسته اند و به این ترتیب جوهر مترقی طرح اصلاحات ارضی را به زیان مصالح زحمتکشان زیر پا نهاده اند. این اقدام در واقع هیئت های هفت نفره را از انجام وظیفه اصلی خود که مبارزه برای مصادره زمین زمینداران بزرگ است، باز می دارد.

تصمیم اخیر مقامات جمهوری اسلامی در زمینه لغو بند "ج" طرح اصلاحات ارضی هیئت های هفت نفره را تا حد عوامل اجرایی که صرفاً برای تقسیم زمین های بایر و زمین های غصبی بدون صاحب قادر به کارند تنزل می دهد.

● جمهوری اسلامی با لغو موقت بند "ج" طرح اصلاحات ارضی در برابر این فشارها یک گام به عقب نشسته است و به این ترتیب جوهر مترقی طرح اصلاحات ارضی را به زیان مصالح زحمتکشان زیر پا نهاده است. این اقدام در واقع هیئت های هفت نفره را از انجام وظیفه اصلی خود که مبارزه برای مصادره زمین زمینداران بزرگ است باز می دارد.

آیت الله بهشتی در مصاحبه اخیر خود، ضمن اعلام تصمیم جمهوری اسلامی دایر بر لغو موقت بند "ج" هیئت های هفت نفره را تا این حد پائین آورد که درباره آنان گفت: این هیئت ها در آنجا که شرایط برای ادامه فعالیتشان مساعد باشد به کار خود ادامه خواهند داد. از نظر میلیون ها دهقان زحمتکش، این بیان نوعی اعلام انحلال این هیئت ها بوده است. از نظر زحمتکشان روستا کمتر جایی را می توان سراغ گرفت که در آن برای فعالیت هیئت های هفت نفره بر علیه زمینداران بزرگ، شرایط مساعدی وجود نداشته باشد. میلیون ها زحمتکش روستایی با روابط ظالمانه زمینداری بزرگ دست به گریبانند و با تمام قوا از ادامه فعالیت هیئت های ۷ نفره در مقابله با این روابط دفاع می کنند. آنها خواهان اجرای کامل طرح اصلاحات ارضی و انجام وظیفه بی وقفه

سبب شده است که هیئت های هفت نفره و طرح اصلاحات ارضی آماج شدیدترین حملات زمینداران بزرگ، سرمایه داران لیبرال و روحانیون طرفدار آنها قرار گیرند. هیئت های هفت نفره از آغاز فعالیت خود به ویژه با کارشکنی روحانیون مرتجع مدافع سرمایه داران و زمینداران بزرگ روبرو بوده اند. مخالفت صریح آیت الله سید صادق روحانی آیت الله گلپایگانی، آیت الله شهاب الدین نجفی مرعشی، آیت الله سید حسن طباطبایی قمی با فعالیت هیئت های هفت نفره و اجرای کامل اصلاحات ارضی نمونه این کارشکنی ها است. کار اعمال نفوذ و خرابکاری روحانیون مرتجع به جایی رسیده است که اجرای کامل مواد طرح اصلاحات ارضی به ویژه بند (ج) آن را از طرف محافل مترقی جمهوری اسلامی زیر علامت سؤال قرار داده است. مقامات

هیئت های هفت نفره در روستای "کلمین - نخ کلا" در زمینه اداره زمین های مصادره شده به نحو ارزنده ای با زحمتکشان همکاری کرده اند. آنها امکانات مالی جهت اداره این زمین ها را در اختیار روستائیان قرار داده اند. در روستای "خطیبی" قائل هیئت هفت نفره املاک اعلم، دست نشانده رژیم سابق را مصادره کرده اند. همین هیئت در سایر مناطق روستایی خراسان املاک "علم" و "خزیمه علم" را به نفع زحمتکشان دهات مصادره نموده اند.

حمایت از مبارزات دهقانان کم زمین و بی زمین در روستاهای آذربایجان، از جمله روستای "نیاز" اردبیل و دهها و دهها نمونه از حرکات ضد فئودالی - ضد زمینداری بزرگ هیئت های هفت نفره همه نشانه های عملکرد مترقی این هیئت ها است.

هیئت هفت نفره استان

هیئت های هفت نفره هستند. هیچ عاملی نمی تواند مانع مبارزه پیگیر آنها برای تحقق این خواست عادلانه شان بشود. توده های زحمتکش روستا تاکنون از اقدامات هیئت های هفت نفره در برابر خرابکاری های زمینداران بزرگ، لیبرال ها و روحانیون مدافع آنها حمایت کرده اند. همراه با تشدید حملات مرتجعین به طرح اصلاحات ارضی و هیئت های هفت نفره، حمایت رزمندگان زحمتکشان از هیئت های هفت نفره مدافع اصلاحات ارضی نیز در آینده مسلماً شدت بیشتری خواهد یافت.

اکنون روستاهای میهن عرصه صفتندی هر چه مشخص تر طبقات و اقشار گوناگون است. کانون این صفتندی در لحظه کنونی ادامه عملکرد هیئت های هفت نفره اجرای بند "ج" طرح اصلاحات ارضی است. شناخت ضرورت های فکلی انقلاب ایران به ما حکم می کند که همه مبارزان راه استقلال، آزادی و رفاه زحمتکشان را به مبارزه ای پیگیر در راه حمایت از اقدامات ترقی خواهانه هیئت های هفت نفره و اجرای کامل طرح اصلاحات ارضی دعوت کنیم. ما همه هواداران را به تلاش خستگی ناپذیر و صبورانه در راه انجام وظایف انقلابی خود فرا می خوانیم. باید همراه با زحمتکشان روستا، پیشاپیش آنها و در راه اتحاد مستحکم با دوستداران انقلاب و دشمنان امپریالیسم فریاد برآوریم که:

طرح اصلاحات ارضی به ویژه بند "ج" آن باید بلادرنگ اجرا شود! کارشکنی زمینداران بزرگ، سرمایه داران لیبرال و روحانی نمایان مدافع آنها در کار هیئت های هفت نفره باید بدون فوت وقت سرکوب شود. هیئت های هفت نفره باید با اختیارات کامل به انجام وظایف ترقی خواهانه خود بپردازند.

زمین باید به کسانی تعلق گیرد که روی آن کار می کنند.

گسترده باد همگامی و همکاری

همه نیروهانی که در راه ایرانی آزاد و دمکراتیک مبارزه می کنند



در شرایط کنونی افزایش تولید شعارکارگران و اخلاص در تولید شعار سرمایه داران

(قسمت آخر)

که "حاصر است برای مبارزه با سختی های جنگ دست به افزایش تولید بزند". آری، بار دیگر اصل "طلائی" آنارشیزم، "هیچ چیز و یا همه چیز" در قالب شعار "افزایش تولید - مشروط" نمایان می شود و معنی این شعار نیز روشن است: سنگ بزرگ علامت بزدن است. اقلیت ابتدا "قدرت تضمین شده" می خواهد تا افزایش تولید را مجاز بداند و این نکته ممکن نیست به ذهنش خطور کند که در این شرایط، خود افزایش تولید ابتدا یعنی قبل از گسب قدرت، یک شعار مبارزاتی بوده و می تواند وسیله ای در خدمت گسب قدرت پرولتاریا باشد و به همین خاطر اعلام می کند "افزایش تولید شعار سرمایه داران است". آری "چپ" های ما آنچنان خواب زده اند که حتی منطق برای واقعیت ها نیز، قادر نیست پیله اوهاشان را از هم بدرد. آنها این مسئله را درک نمی کنند که با طرح شعار "افزایش تولید خواست سرمایه داران است" (آن هم در شرایطی که رژیم عراق در همسویی کامل با امپریالیسم آمریکا، مراکز اقتصادی ما را تخریب می کند) عملاً نقش "اسب تروای" ضدانقلاب را در تخریب تولید به عهده می گیرند و به اجرای توطئه های اخلاصگراانه سرمایه داران مدد می رسانند. آیا هنگام آن نشده است که این خواب زدگان بیدار شوند و ببینند که چگونه نادانسته، با خیمه و خرگاهشان از اردوگاه دشمن سردرآوردند؟

زمینداری هستند؟ یا شاید بد خاطر "جو فشار و سرکوب و اخراج و وحش از رکود و بیکاری" مرعوب شده و خود را مجبور به افزایش تولید و دفاع از "میهن سرمایه داران" می بینند؟ آیا "وحش از بیکاری ... و سرکوب و اخراج" به حدی است که کارگران ناگزیر شوند حتی جانشان را نیز در راه منافع سرمایه داران فدا کنند؟ چگونه ممکن است نفعگران قهرمانی که در برابر فشار سرکوب یکی از برورسی ترین رژیم های تاریخ سر فرود می آورند، در برابر این "جو فشار" این چنین خوار و زبون شده باشند؟ آیا هیچگاه ترس از سرکوب و وحشت از بیکاری می تواند انگیزه "میهن پرستی افراطی" کارگران شود؟ اقلیت، در حالی شور انقلابی کارگران را در دفاع از انقلاب و استقلال میهن به "منشی میهن پرستی افراطی" تعبیر می کند که نفعگران مبارز ضمن ارسال پیامی به کارگران صنعت نفت عراق که مشحون از علائق انترناسیونالیستی پرولتری است، آنان را به اعتصابات عمومی و یکپارچه علیه رژیم عراق و ایجاد کمیته های اعتصاب فرا می خوانند و با "کانون هماهنگی شوراهای اسلامی (خاند کارگر)" که به زعم اقلیت و شرکاء، زیر نفوذ بورژوازی است، با ارسال پیامی خطاب به کارگران فرانسه، با ناکید بر همبستگی جهانی کارگران، مسئولیت کارگران فرانس را در قبال انقلاب و زحمتگشان ایران، هشدار می دهند. این پیام ها جلوه هایی از جوهر انترناسیونالیستی و ترقیخواهانه مبارزه کارگران ایران در دفاع از انقلاب و استقلال میهن است، نه نشانه "منشی میهن پرستی افراطی" پرولتاریای ایران. آیا این اقلیت و شرکایش نیستند که با اینگونه ادعاهای واهی، آنچنان دچار مسی "چپ روی" شده اند که به هدیان کوئی و هموائی با سرمایه داران دچار گشتند؟ سرانجام اقلیت ضمن مردود شمردن اصولیت شعار تداوم تولید و افزایش بازدهی کار، شرایط "انقلابی" اش را برای افزایش تولید از قول "کارگران پیشرو" چنین طرح می کند:

"ما هم برای مبارزه با سختی های جنگ حاضریم دست به افزایش تولید بزنیم، به شرط این که:

الف - اداره کارخانه ها را به عهده ما بگذارند.

ب - اسناد و دفاتر کارخانه ها را در اختیار ما بگذارند.

ج - رابط های بازرگانی را رو کنید

د - شوراهای کارگری ما را به رسمیت بشناسند،

ه - امکان توزیع عادلانه و مطبق بر نیازهای توده کارگران و زحمتگشان را که از طریق شوراهای محلی و کمیته های توزیع امکان پذیر است، فراهم کنید، بالاخره در یک کلام قدرت را به ما بسپارید. آن وقت از ما بخواهید که با تمام قوا کار کنید." (۸۱)

سرانجام اقلیت از منشی "چپ روی" به هدیان کوئی و فرمبسی دچار می شود و از صاحبان قدرت می خواهد که یک انقلاب سوسیالیستی سسه و رفته انحاء داده و او را سکاندار قدرت نمایند و سپس او را "کار" بخواهند، تا او نیز به سهم خود نشان دهد

همور طبع کارگر ایران از کیفیت سازمانی صنفی - سیاسی خویش درک روسی و دقیقی ندارد و ... ولی با وجود این هزاران فرسنگ جلور از "مغرب برین بنورسین های چپ" ما در راستای انقلاب کام برمی دارد. آری پرولتاریای ما حوا اسد ولی نه "حوان" بدان تعبیری که همواره در ادهان رنگار کوفد - ایورنوتیب های راس، با "حام اندیشی" و "کم بچریکی" معادل می شود، پرولتاریای جوان و انقلابی ایران، بر خلاف "چپ" های ما، آنقدر عبق مانده و منحصر نیست که مجرب تاریخی سرکونی رژیم سفاک و مردور پهلوی (این سد عظیم آگاهی و شکل کارگران و زحمتگشان ایران) را نادیده انکار، فرق میان سندیگهای سیاه آریامهری را با شوراهسا و سندیگهای کتونی ننیند، رژیم سجاوز و ضد مردمی عراق و امپریالیسم سبهار آمریکا را از حکومت جمهوری اسلامی نمیر ندهد و نداند که در برابر نجاوزات نظامی و تخریب کارخانجات و کشتار کارگران و زحمتگشان ایران چه وظایفی به عهده دارد؟ هر چند که این پرولتاریا، چند "صباحی" بیش از آمدنش به شهر نکذسد باشد، این منطق انقلاب است که "اقلیت" درک نمی کند، نه کم و کیف میزان رشد پرولتاریا و تفاوت میان زحمتگشان شهر و روستا از زحمتگسانی که حتی همان "چند صباح" را هم فرصت بیرون آمدن از روستاهایسان را نگردند (و نه سندیگ پرولتاریای صنعتی هستند و نه حتی کارگر کشاورزی) کرفند با پیشورسین لایدهای پرولتاریای صنعتی (نفعگران و کارگران صنایع فولاد - نورد، ماشین سازی و ...) همه و همه منطق انقلابیان را فهمیده و صدای تاریخ را شنیدند. ولی هنوز "چپ" های وارود اندیش و باآور ما به معجزه کارگران و زحمتگشان اعتقاد بیافندند. آنها از انقلاب مردم درسی نگرفته اند ولی بوده ها خود درس های بسیاری از ظرفیت انقلابی تاریخسازان گرفتند. آری بوده ها تجارب غنی به سال مبارزه ضد استبدادی، ضد امپریالیستی و طبقاتی را پشت سر گذاسند حال آنکه اقلیت، مجرب و اسعداد پرولتاریای ایران را غلیرعم این پشتواید مبارزانی غنی، تا سطح شعور و مجرب خود نازل می دهد و غافل است از آنکه "به هنگام انقلاب" بوده ها با چکده های فرسنگ پیمما کام برمی دارند. آری تنها به انگای چنین ذهنیت معشوشی است که "غرایر دهقانی"، "شور رمبیداری" و "منشی میهن پرستی افراطی" انگیزه شرکت همدجانید پرولتاریای ایران در جبهه جنگ و سکرهای تداوم تولید می گردد. باید از این آفتاب پرسید که آیا نفعگران فهومان ما "س کردان بیسار پرولتاریای ایران، که با امصطایب یکپارچدهسا و با بستن سبرهای نف د خاموش کردن جرور رژیم شاه و بیروزی انقلاب بهمس نقش غرور آفرین ایفا کردند آنها که هم اینک نیز در سکرهای دفاع از انقلاب بساسین طبع کارگر ایران می رزند، آیا تا سز با هفتاد سال سنت مبارزاتی شان "چند صباحی" است که از روستا به شهر رانند سده اند "اسر" غرایر دهقانی و سبور



مهندس شویم!
تجاوزات امپریالیسم امریکاورژیم عراق را در هم کوبیم

طبقه کارگر رزمنده ایران در سنگرهای انقلاب، حماسه می آفریند

ماسد کسدهای سبج مقاومت، دفاع و... امر سازماندهی آموزشهای نظامی و تاسیس آمادگیهای رزمی کارگران را به عنوان یکی از مهم ترین وظایف خود در سراسر حاشای کوهی به عهده گرفتند. این سگلهای ویرانه کویت می کنند تا از توان رزمی و دستگراعدادهای کارگرمی که آموزشهای اولیه و ضرور را دیدند، در جهت دفاع از کارخانه و دفع حمله هوایی دشمن و مقابله با آمار و عوارض مخرب ناشی از این حملات در کمندهای امداد، آسپاسی و... استفاده کنند.

کارخانجات شهر صنعتی قزوین ماسد آسپاسی، ربن ایران دو جرح، سیکاپ و... کمندهای حفاظت و امداد تشکیل شده است که وظایف این کمیتهها علاوه بر حفاظت از کارخانه آموزشهای نظامی، کمکهای اولیه و امداد به کارگران است. همپس از سوی سدیگای اصناف خراط، کفاس و قناد برای آموزش نظامی کارگران، کمنه سبج تشکیل شده است. در



پایمردی و عزم آهن طبقه کارگر فهلمان ایران، ضامن حفظ دستاوردهای انقلاب و تداوم آن تا نیل به پیروزی قطعی است.

خیل میلیونی سپاه کار، به مثابه ستون اصلی ارتش سی و پنج میلیونی انقلاب ایران، اکنون در همه سنگرهای انقلاب، در جبهه و پشت جبهه، برچم استقلال و آزادی میهن را رافراشته نگاه داشته است. ما همچنانکه تاکنون سبز، بارها و بارها حملههای عرور - آفرین مازنه انقلابی طبقه کارگر ایران را در عرصههای انقلاب نشان داده ایم، بار دیگر ضروری می دانیم که نمونههایی دیگر از این مجاهدتهای مسکولانه و سروشت سار را بر شمریم. نمونههایی که ذیلانقل می شود مروری اجمالی است بر کارنامه مازنه انقلابی یکماده اخیر کارگران در رابطه با ضرورت های جنگ تدافعی کوهی:

۱ - اعزام کارگران به جبههها - ۲۷۰ نفر از کارگران کارخانجات کاترپیلار پارک دیویس، بوتان، اورال ایرچک، ایران لت، ایروپ و کش وین عازم جبهه جنوب شده اند. عدهای از کارگران منقضی خدمت ۵۶ کارخانه یارس توشیا طی مراسمی که در کارخانه برگزار شد عازم جبهه جنگ شدند. از کارخانه سایبا (تولید کننده زیان) عده زیادی از کارگران منقضی خدمت ۵۶ به جبهه رفته اند. بطوریکه دو سالن در این کارخانه، تقریباً خالی شده است، اما کارگران دیگر با تلاش شبانه روزی و با افزایش بازدهی کارشان، سطح تولید را همچنان حفظ کرده اند.

۴۴ تن از کارکنان راه آهن و عده زیادی از کارکنان شرکت ملی فولاد به جبهه اعزام شده اند. در کارخانه شیشه میرال گروه مقاومت (سه گروه ۲۲ نفره) برای اعزام به جبهه تشکیل شده است. ۳۳ نفر از سوی کانون همهانگی شوراهای اسلامی (خانه کارگر) و ۴۴ نفر از

رزمندگان انقلابی ارتش، ساهامسداران، بهادهای انقلابی و نمای مارران واقعی میهن، از ساهامسداران خواستار توجه مسئولانه تری به امر آموزش نظامی کارگران شده اند. کارگران تعمیرگاههای البرز، بزو و موسسه اس - آ - ام ضمن آنکه مقابله با تجاوز نظامی صدام و دفاع از میهن را وظیفه مرم همه کارگران دانسته اند. آمادگی خود را برای شرکت در جنگ اعلام داشته و از سیاه خواسته اند تا به آنها آموزش نظامی بدهد. کارگران کارخانجات فلیبس و ایران سبلندر در حال آموزش هستند. کارگران ۱۲۵ کارخانه که زیر پوشش "ستاد بسیج مکتبی - نظامی کارگران" مستقر در "خانه کارکن" قرار دارند، دوره های آموزش نظامی دو هفته ای می بینند، که در هر دوره، کارگران ۴۵ کارخانه شرکت دارند. در بسیاری از کارخانجات و مراکز تولیدی و صنعتی، تشکیل های ویژه

رزمی سار، چه برای تامین آمادگی مقدماتی جهت اعزام به جبهه و چه برای تدارک قدر دفاعی شان جهت حفاظت و پاسداری از کارخانه به هنگام حملات نظامی دشمن بستگی دارد. شرکت شورانگیز کارگران در کارخانجات و با تقاضاهای پیاسی و مداوم آنها از بهادهای انقلابی جهت فراگیری فنون نظامی، عرور آفرین و تحسین انگیز است. کارگران رسیدگی و بافندگی قرقره زیبا خواستار آموزش نظامی همگانی از طریق سیاه و سبج شده اند. کارگران کارخانه های زرم (بسی کولا)، شمع سازی ستاره، موزائیک سازی سورمحمدی، تعمیرگاه شماره یک انویزسهاور و تعمیرگاه های شماره ۲۵ و ۴۹ پیکان، شرکت سپاسی رادیو و تلویزیون ایران، تعمیرگاه فولکس واگن و گروه صنعتی کس ملی در اطلاعیه مشترکی ضمن اعلام پشتیبانی از

کارکنان شرکت واحد به جبهه رفته اند. کارگران منقضی خدمت ۵۶ کارخانه رسیدگی و بافندگی مقدم، به جبهه اعزام شده اند. همچنین از کارخانه ملی اکریل اصفهان ۴۲۲ نفر و از شرکت دیسمان ۱۵۰ نفر از کارگران منقضی خدمت ۵۶ به جبهه رفته اند.

۲ - اعلام آمادگی برای شرکت داوطلبانه در جنگ - شرکت سپاسی زرم کارخانه رسیدگی و بافندگی قرقره ریبا، کارخانه کاشی و سرامیک سوری، کارخانه پلار اصفهان، آجر ماشینی مهر اصفهان، سلوی جدید اصفهان، اتحادیه صنف الکتریک و الکترونیکی نجف آباد و سندیگای کارگران سیمان سفید دماوند، آمادگی خود را برای اعزام به جبهه اعلام کرده اند.

۳ - آموزش نظامی، امداد و... - اعلام آمادگی بی دریغ کارگران برای اعزام به جبهه با فراگیری فنون نظامی و افزایش توان

بفیه در صفحه ۲۵

مردم میهن ما تا قطع کامل

سلطه امپریالیسم امریکا به مبارزات خود ادامه خواهند داد

بقیه از صفحه ۱

شهادت کارگر قهرمان ...



رفیق عنایت الله رئیس در سنگر نبرد با تجاوزگران

ما گفت: طی قرن‌ها این بوته‌ها و درختان و رودخانه‌ها و شن‌زار به‌وسیله خون زحمتکشان آبیاری شده است. در کنار هر بوته‌ای خون زحمتکشی شریف ریخته شده تا بوته‌ها سبز شوند پرنندگان پرواز کنند و طبیعت زیبا باشد، هیچ‌گاه عرق جبین ملاکان و سرمایه‌داران و اربابان پای این بوته‌ها و درختان ریخته نشده است. او گفت همین الان که سربازان، پاسداران، کارگران و زحمتکشان که بسیج شده‌اند، و با شجاعت و از خود گذشتگی در جبهه‌ها مبارزه می‌کنند، سرمایه‌داران و ملاکان و لیبرال‌ها در پشت جبهه دارند توطئه می‌کنند و می‌خواهند مملکت را در دستی تقدیم دوستان امپریالیست‌شان کنند. در سنگر، مطالعه خود را فراموش نمی‌کرد و همیشه می‌گفت انسان کمونیست باید دانش بشری را فرا بگیرد. رفیق با عمل خود انسان کمونیست و فداکاری در راه طبقه‌کارگر و دیگر زحمتکشان را آموزش می‌داد. رفیق می‌شناختند، می‌گفتند که او روراست بود و هیچ‌گاه بنا به مصلحت شخصی چیزی را پنهان نمی‌کرد و هرگاه اشتباهی می‌کرد، بی‌رحمانه از خود انتقاد می‌کرد. این خود باعث می‌شد کارگران به او بیشتر اعتماد داشته و دوستش بدارند. سربازان هم‌رزمش می‌گفتند که در جبهه همیشه داوطلبانه ماوریت‌های خطرناک را پذیرا می‌شد و به قلب دشمن حمله می‌برد. یکی از سربازان هم‌رزمش می‌گفت یک روز در سنگر نشسته بود و به‌دشت خیره شده بود، به

پاسداران به او احترام می‌گذاشتند، فرزندان زحمتکشان به او "عمو-عنایت" می‌گفتند و تمام خانواده‌اش او را از صمیم قلب دوست داشتند. او طبیعت را دوست داشت و از زیبایی‌های طبیعت لذت می‌برد، با اغلب کوه‌ها و دشت‌های ایران مانوس بود. کوه‌های ایران کمبود او را حس می‌کنند. با شعر و موسیقی و ادبیات پرولتری زندگی می‌کرد و شخصیت‌هایی نظیر گورکی، مایاکوفسکی و سوستاکوویچ همواره کنارش حضور داشتند. عشق عجیب او به زندگی و به انسان‌ها، برای کسانی که او را نمی‌شناختند، این توهم را ایجاد می‌کرد که او بیش از اندازه به زندگی دل بسته است. ولی او همواره شجاعت و فداکاری را جزء لاینفک زندگی خود می‌دانست و از آن نوع انسان‌های خود ساخته‌ای بود که گفتارش با کردارش تطبیق داشت و از هم‌صحبتی با آدم‌های گرافه‌گو و کم‌عمل دوری می‌جست. کارگرانی که او را می‌شناختند، می‌گفتند که او روراست بود و هیچ‌گاه بنا به مصلحت شخصی چیزی را پنهان نمی‌کرد و هرگاه اشتباهی می‌کرد، بی‌رحمانه از خود انتقاد می‌کرد. این خود باعث می‌شد کارگران به او بیشتر اعتماد داشته و دوستش بدارند. سربازان هم‌رزمش می‌گفتند که در جبهه همیشه داوطلبانه ماوریت‌های خطرناک را پذیرا می‌شد و به قلب دشمن حمله می‌برد. یکی از سربازان هم‌رزمش می‌گفت یک روز در سنگر نشسته بود و به‌دشت خیره شده بود، به

وابستگی به امپریالیسم را لحظات به کارگران و رنج آنها می‌اندیشید. او در همین ایام، بنائی، نجاری و مکانیکی و رنگ‌آمیزی و لوله‌کشی را فرا گرفت و به مهارت‌های خود افزود. در سال ۵۲ به‌خاطر فعالیت با برادرش (رفیق حشمت‌الله رئیس) از طرف ساواک دستگیر شد. در بازجویی نشان داد که سال‌های رنج و سختی او اینجا به دردش می‌خورد. کینه مقدسش نسبت به دشمنان طبقه کارگر به او پاری رساند که علیرغم سن کم سر بلند از بازجویی‌ها بیرون آید. تجارب اندوخته‌اش طی سال‌های متعددی از او شخصیتی ساخت که در اعتصابات گسترده و قیام توده‌های میلیونی نقش برانده کارگر پیشرو را از خود نشان دهد. سخنرانی‌هایش کارگران را به وجد می‌آورد و شعارهای آمریکائی‌های شرکت‌های خارجی را در لانه‌هایشان ترسان می‌نمود. هنوز طنین شعار "یانکی‌گو هوم" در فضای کارخانجات جنوب طنین‌انداز است. او برای اول بار وقتی که روسای آمریکائی شرکت‌های حفاری می‌خواستند اعتصابات کارگران را با زور و ارباب‌ملاشی کنند، این شعار را بر زبان آورد و صداها کارگر با صدای پر طنین خود پاسخ گفتند و اعتصابات را گسترش دادند. بارها از طرف حکومت نظامی دستگیر شد و هر بار که به میان کارگران بازمی‌گشت، پرخروش‌تر به مبارزه ادامه می‌داد، او را اخراج کردند ولی باز با سازمان دادن کارگران اخراجی تمام شرکت‌های حفاری را به اعتصاب کشاند. بعد از پیروزی مجدداً به سرکار بازگشت و این بار تمام کارکنان شرکت‌های حفاری را فرا می‌خواند که باید خلاص خارجیان حس نشود. ما باید با تلاش بیشتر کارها را یاد بگیریم و از همه نظر

است. از این رو در تمام لحظات به کارگران و رنج آنها می‌اندیشید. او در همین ایام، بنائی، نجاری و مکانیکی و رنگ‌آمیزی و لوله‌کشی را فرا گرفت و به مهارت‌های خود افزود. در سال ۵۲ به‌خاطر فعالیت با برادرش (رفیق حشمت‌الله رئیس) از طرف ساواک دستگیر شد. در بازجویی نشان داد که سال‌های رنج و سختی او اینجا به دردش می‌خورد. کینه مقدسش نسبت به دشمنان طبقه کارگر به او پاری رساند که علیرغم سن کم سر بلند از بازجویی‌ها بیرون آید. تجارب اندوخته‌اش طی سال‌های متعددی از او شخصیتی ساخت که در اعتصابات گسترده و قیام توده‌های میلیونی نقش برانده کارگر پیشرو را از خود نشان دهد. سخنرانی‌هایش کارگران را به وجد می‌آورد و شعارهای آمریکائی‌های شرکت‌های خارجی را در لانه‌هایشان ترسان می‌نمود. هنوز طنین شعار "یانکی‌گو هوم" در فضای کارخانجات جنوب طنین‌انداز است. او برای اول بار وقتی که روسای آمریکائی شرکت‌های حفاری می‌خواستند اعتصابات کارگران را با زور و ارباب‌ملاشی کنند، این شعار را بر زبان آورد و صداها کارگر با صدای پر طنین خود پاسخ گفتند و اعتصابات را گسترش دادند. بارها از طرف حکومت نظامی دستگیر شد و هر بار که به میان کارگران بازمی‌گشت، پرخروش‌تر به مبارزه ادامه می‌داد، او را اخراج کردند ولی باز با سازمان دادن کارگران اخراجی تمام شرکت‌های حفاری را به اعتصاب کشاند. بعد از پیروزی مجدداً به سرکار بازگشت و این بار تمام کارکنان شرکت‌های حفاری را فرا می‌خواند که باید خلاص خارجیان حس نشود. ما باید با تلاش بیشتر کارها را یاد بگیریم و از همه نظر

"زیباترین چیز برای انسان زندگی است. زندگی به‌او یک‌بار داده می‌شود و آن را باید چنان گذراند تا سال‌های هدر رفته عمر موجب عذاب دردناک نگردد. تا گذشته خوار و ناچیز بر پیشانی او داغ‌رسوایی نزند تا به‌هنگام بدرد زندگی بتواند بگوید: سراسر زندگی و همه نیروهایم وقف زیباترین چیزهای جهان وقف مبارزه در راه رهایی بشریت شده بود."

این جملات که با پوست و خون رفیق شهید عنایت‌الله رئیس عجین شده بود و همیشه بر زبانش جاری بود، اکنون در میان سنگرها در خطوط اول جبهه و در میان کارخانه‌های جنوب در میان کارگران به زندگی، جاوید خود ادامه می‌دهد. این جملات را که از کتاب چگونه فولاد آبدیده شد برداشته بود همیشه با خود داشت و آنگاه که بیکسر خونینش در بیابان‌های جنوب واپسین لحظات عمر را می‌گذراند، خون آتشین رفیق شهید به این کلمات، زندگی دوباره داد و خود چون فولاد آبدیده سرد گشت. رفیق در سال ۱۳۳۴ در یک خانواده فقیر کارگری در آغاچاری به دنیا آمد. تلاش و رنج و مبارزه کارگران، الفبای مبارزه را به او آموخت. در نوجوانی به‌کار در کوره‌پزخانه پرداخت، در گرمای ۵۵ درجه خوزستان صف طولانی کارگران کوره‌پزخانه که آجر را دست به‌دست می‌دهند، کاری است طاقت‌فرسا که از بام تا شام ادامه دارد. گرد آجر، تشنگی، حرارت آجرها، آفتاب سوزان، سبب می‌شد که کارگران در حین کار سببوش نقش زمین شوند، او در اینجا آموخت که کارگران چگونه به‌امراض مختلف می‌بیرند. او آموخت که اسهال چیست و ظلم و ستم و فقر وی‌خانمانی چگونه

بقیه در صفحه ۲۲



«مکتبی کردن»، آموزش و پرورش را از هزاران معلم ترقیخواه و مبارز

محروم ساخته است (قسمت آخر)

ارگان هائی که مکتبی کردن را پیاده می کنند

در این ارگانها نیروهای طرفدار حزب، طرفداران بی صدر و هواداران لیبرالها حضور دارند ولی در این ارگانها، حزب جمهوری اسلامی و طرفداران آن دست بالا را دارند. این حزب سیاست خود را از طریق انجمن اسلامی معلمان، انجمن اسلامی دانش آموزان (جهت پیرونده سازی و شناسائی معلمان و دانش آموزان)، معلمین امور تربیتی کمیته های پاکسازی ادارات آموزش و پرورش، شورای پاکسازی نواحی که رئیس ناحیه نیز در آن شرکت دارد پیش می راند. هیئت های پاکسازی معمولا انتصابی و زیر نفوذ حزب جمهوری اسلامی می باشند. در تهران طرفداران بنی صدر در این هیئت ها فعالند در قزوین در این هیئت، عناصر ناسالم و مشکوک نیز وجود دارد. در چهار محال بختیاری "شورای تصفیه استان" دفتر همکاری نخست وزیر با مردم "مشترکا" این کار را می کنند.

معلمان متعهد و هم اکنون نیز ۱۴ نفر دیگر اسامی در لیست می باشند. شهرکرد - ۲۵۰ نفر تا کنون اخراج کرده اند. صحنه - از مدارس این شهر ۵۹ نفر پاکسازی شده اند که ۲۱ نفر آنها اخراج، ۱ نفر بازنشسته بقیه بازخرید شده اند.

کرد - در سه نوبت ۵۷ نفر معلم فداکار مردم را اخراج کرده اند. ورامین - ۲۹ نفر حکم آماده به خدمت دریافت داشته اند. ساوجبلاغ - ۱۸ نفر حکم آماده به خدمت گرفته اند. اصفهان - ۲۰۰ نفر ساواکی و بهائی، ۲۶ نفر معلم متعهد اخراج شده اند اخیرا ۲۰۰ نفر دیگر از معلمان دلسوز مردم حکم آماده به خدمت گرفته و از کلاس رانده شده اند.

گیلان - ۲۰ نفر ساواکی و بهائی اخراج شده اند. بیشتر از ۲۰۰ نفر از معلمان متعهد اخراج شده اند.

مازندران - ۹۰ نفر ساواکی و رستاخیزی، بیشتر از ۶۰۰ نفر معلم متعهد اخراج شده و در حدود ۳۰۰ نفر وضعشان بیلتکلیف است. آذربایجان - حدود ۵۰۰ نفر ساواکی و رستاخیزی، بیشتر از ۷۰۰ نفر معلم متعهد اخراج شده اند. کرمانشاه - ۴۰ نفر ساواکی و رستاخیزی، ۱۵۰ نفر معلم متعهد به انقلاب اخراج شده اند.

قزوین، آبیک، تاکستان در حدود ۳۰ نفر ساواکی، بیشتر از ۱۰۰ نفر معلم متعهد اخراج شده اند.

خوزستان - ساواکی و رستاخیزی حدود ۱۵۰ نفر، در حدود ۸۵ نفر معلم متعهد اخراج شده اند. بلوچستان - در حدود ۱۵ نفر معلم متعهد اخراج، در حدود ۳۰ نفر ساواکی و رستاخیزی تصفیه شده اند. بندرعباس - در حدود ۴۵۷۰ نفر معلم متعهد اخراج شده اند. استان فارس - ۱۰۰ نفر به جرم اعتقاد به بهائیت اخراج، حدود ۵۰ نفر معلم متعهد، آماده به خدمت شده اند.

اخیرا ۱۵ نفر دیگر به وسیله حاج طفاغ معلق شده اند. تهران - حدود ۴۰۰ نفر معلم دلسوز و متعهد اخراج شده اند. قیر و کازرون - ۳۱ نفر معلم معلق شده اند که در این کار نقش حزب جمهوری و آیت اله علوی برجسته بوده است.

اداره آموزش عشایر - ۳۶ نفر معلمی که مورد تایید جهاد و سپاه بوده اند از کار در آموزش و پرورش محروم شده اند. گچساران - حدود ۸۰ نفر پس از ۶ شهریور پاکسازی شده اند، که حدود ۱۸ نفر از آنان معلم متعهد هستند. کردستان - انحلال کامل آموزش و پرورش! لرستان انحلال آموزش و پرورش!

آیا اقدامات هیئت پاکسازی قانونی بوده است

آقای رجایی و حزب جمهوری اسلامی و انجمن های وابسته به آن هر کس را که اعتقادات مذهبی نداشت بدون توجه به اینکه آیا انقلابی است یا مخالف انقلاب اخراج، بازنشسته

در هیئت های پاکسازی می بایست یک نفر حقوقدان و یک نفر آگاه به مسائل اداری وجود داشته باشد. با پایان گرفتن ۶ شهریور ماه هیئت های پاکسازی جنبه قانونی خود را از دست داده و عملکرد آن غیر قانونی می شود. در جریان امر نیروهایی که به پاکسازی پرداختند چنان عنان گسیخته این کار را کردند که صدای همه درآمد.

مثلا هیئت های پاکسازی برخلاف قانون مصوبه شورای انقلاب حکم قطعی صادر کردند. ثابا این احکام اکثر مبنی بر دلائل کافی و مدارک معتبر و صادره از دادگاه نبود. برای این نیروها همانطور که در بالا آمد، گزارش فلان دانش آموز انحنی برای تصفیه کافی بود

Official document from the Ministry of Education and Higher Education, dated 11/11/1359. It contains a list of names and positions of individuals involved in the 'purification' process, including names like 'مهندسین' and 'کارکنان'. The document is signed by the Minister of Education, 'مهندسین'.

تعلیق یا به بخش اداری منتقل کردند. در اثر تصفیه بی حساب و کتاب آموزش و پرورش توسط اینان، شورای هیئت های پاکسازی تا ۱۱۶ نفر به تصویب رسانید که بر طبق آن هیئت های پاکسازی مأمور معلمین شد. بر طبق این ماده هیئت های پاکسازی تا ۶ شهریور ماه قانونی بوده و عملکرد آن تنها جنبه مشورتی دارد و نمی تواند حکم در مورد معلمان صادر کند. به اضافه

تعلیق یا به بخش اداری منتقل کردند. در اثر تصفیه بی حساب و کتاب آموزش و پرورش توسط اینان، شورای هیئت های پاکسازی تا ۱۱۶ نفر به تصویب رسانید که بر طبق آن هیئت های پاکسازی مأمور معلمین شد. بر طبق این ماده هیئت های پاکسازی تا ۶ شهریور ماه قانونی بوده و عملکرد آن تنها جنبه مشورتی دارد و نمی تواند حکم در مورد معلمان صادر کند. به اضافه

تعلیق یا به بخش اداری منتقل کردند. در اثر تصفیه بی حساب و کتاب آموزش و پرورش توسط اینان، شورای هیئت های پاکسازی تا ۱۱۶ نفر به تصویب رسانید که بر طبق آن هیئت های پاکسازی مأمور معلمین شد. بر طبق این ماده هیئت های پاکسازی تا ۶ شهریور ماه قانونی بوده و عملکرد آن تنها جنبه مشورتی دارد و نمی تواند حکم در مورد معلمان صادر کند. به اضافه

فهرست معلمان پاکسازی

لازم به تذکر است که موج تصفیه تا اوائل شهریورماه عمدتا شامل عناصر ساواکی، رستاخیزی تشویق دار بوده است. از اواسط شهریور ماه بدین سو پاکسازی معلمان، عناصر متعهد و مترقی را نیز دربر گرفته است و موج دوم بیشتر شامل معلمان متعهد می باشد کارکرد هیئت های پاکسازی بدین شرح می باشد: بروجن - ۱۳۳ نفر اخراج کرده اند که ۵۱ نفر آنان

(قسمت آخر)

تنها مصلحت در برابر لیبرالها

از میان برداشتن مصلحت‌های لیبرالی است

این صفوف متمایز شود و این دموکرات‌ها را به مواضع واقعی آنها برگرداند . همه ضعف‌ها و انحرافات که بر سرمدیم یک به یک و هر یک به هزار دلیل مورد سوءاستفاده دشمنان انقلاب و سازشکاران واقع شدید مطالعه مجموع مواضع لیبرالها نشان می‌دهد که آنها همواره به گونه‌ای حساب شده در پی بزرگ کردن این صغفها و بهره‌برداری از آنها بوده و هستند . این صغفها و ناتوانی‌ها سبب شد که نه تنها باندها و دسته‌هایی که بطور مستقیم توسط عوامل امپریالیزم سازمان یافته‌اند بلکه دسته‌ها و محافل و باصلاح سازمان‌ها و احزاب بورژوازی در داخل کشور به نحو احسن در جهت دستیابی به منافع خود از آنها بهره‌مند شود . که چنانچه با مقاومت آگاهانه و متحد سروهای انقلاب روبرو نشود و درهم کوبیده نشود می‌تواند ضربات مهلکی بر پیکر انقلاب وارد کند .

مقاله مورد نظر جمهوری اسلامی حاکی از توجه جدی‌تر به این مسائل و دربردارنده سمت‌گیری عینی‌تری در برخورد با این مشکلات است اما ببینیم آنچه را فوقا شرح دادیم و نیروهای اصیل مارکسیست - لنینیست طی دو سال اخیر بی‌پرده و بی‌مهابا بارها و بارها توضیح داده‌اند توسط روزنامه جمهوری اسلامی چگونه ارزیابی شده و در برخورد با آنها چه تدبیری پیشنهاد می‌شود

علیرغم بسیاری از واقع‌بینی‌ها و سمت‌گیری‌های عینی در مقاله مزبور همچنان نسبت به پاره‌ای از واقعیت‌ها چشم فرو بسته می‌شود . مقاله ادعا می‌کند که :
" دیوارهای بلند " مصلحت نیست " و نمی‌دانم " را باید درحالی دید که از سازمان‌ها و گروه‌های سیاسی مدعی داشتن تضاد اصولی با امپریالیزم نیز نمی‌شود انتظار داشت که با فرستادگان ویژه امپریالیسم آمریکا مقابله نمایند و این مقابله را هم جزئی از

می‌خواستند و می‌خواهند دیگر بار، دوستی با امپریالیسم آمریکا را احیا کنند . و آب به آسیاب کسانی ریخت که می‌خواهند امپریالیزم اروپا و ژاپن را دست و رو شسته به دوست مردم ایران معرفی کنند !!
" خط امام " از آنجا که درک کافی از اتحاد و لاف‌های همگامی و همکاری لازم با سروهای انقلابی نداشت و اهمیت حیاتی این مطلب را در نمی‌یافت به مقیاس بسیار وسیع‌تر از محدودیت‌هایی که برای لیبرالها پدید آورده بود به سرکوب آزادی‌های دموکراتیک و سفی و یاصل کردن حقوق سروهای انقلابی

می‌گرفت . به پشتوانه حرکت توده‌های میلیونی . انقلاب گام‌های دیگری به جلو برداشت و نه تنها سلطه سیاسی امپریالیزم را برانداخته ، بلکه منافع امپریالیزم در عرصه‌های عمیق‌تری هدف پیکار انقلابی واقع شد . مبارزه دموکراتیک در ایحاد طبقاتی تدریجاً لایه‌های وسیع‌تر و اقشار بیشتری از سرمایه‌داران و زمینداران وابسته را که پایگاه طبیعی امپریالیزم هستند فرا گرفت و اقشار لیبرال ، همین سرمایه‌دارانی را که خود به اسم آزادی در صف انقلاب رخنه کرده بودند بطور مستقیم هدف قرار داد .

گام‌هایی که درجهت تعمیق انقلاب برداشته شد نمی‌توانست بدون پیکاری جدی‌تر با نمایندگان این نیروها همراه نباشد . بدینگونه همزمان با تسخیر سفارت‌داری متوسط یعنی بخشی از لیبرالها از حکومت بیرون رانده شدند و بطور طبیعی به همان اپوزسیون ضدانقلابی خارج از حکومت پیوستند و می‌پیوندند .

سرمایه‌داران و زمینداران بود و اسود سازند و بدیبطریق همه حرکات ضد امپریالیستی و مترقیانه " خط امام " را تخطئه کرده و ارتجاعی قلمداد کنند . سعی اینها قبل از هر چیز بر این بود که حول شعار آزادی ، سیرونی علیه مبارزه ضد امپریالیستی و علیه سرروهای صدامیرالیست حکومت جمهوری اسلامی بسیج کنند و به عکس آنچه تصور می‌شود این سبت خود را سبزی می‌مایا بر ملا کردند .
علیرغم همه این تلاشها که هماهنگ با کوشش‌های سازمان یافته امپریالیزم برای عقیم‌گذارن و به شکست کشادن انقلاب ایران صورت

● "خط امام " به مفهوم عام آن هر چند مبارزه با این نیروها را پیش می‌برد لیکن بر پاره‌ای اتحادها ، سازش‌ها ، همسویی‌ها و ... با لیبرالها ادامه داد و از همین رو گماکان راه را برای تلاش‌ها و برنامه‌ریزی‌ها و قدرت‌یابی‌های اینان باز گذارد .
آغاز و گسترش ستیز " خط امام " با لیبرالها با دوستی و همگامی و همکاری واقعی انقلاب که هنوز هم خیال‌پردازان آنان را دشمنان خود تلقی می‌کند همراه و همزمان نشد تا جمهوری اسلامی ایران را با پیشرفت با برنامه انقلاب

ضدامپریالیستی - دموکراتیک خلق بطور سببی موفق گرداند و این خود نقطه ضعفی بود که سرمایه‌داران زرغری و متوسط هم اکنون سبب بر آن انگشت می‌نهند و در خدمت اهداف ارتجاعی خویش از آن سود می‌جویند . همزمان با اینکه دشمنان داخلی انقلاب و سازشکاران با تمام نیرو برای بسط روابط با دوستان خود در خارج از مرزها تلاش آغاز کردند و جمهوری اسلامی را از این نظر که کشور را منزوی کرده و به بن‌بست کشانده تحت فشار قرار دادند ، خط امام نتوانست به سرعت دوستان انقلاب مردم ایران را در میان کشورهای انقلابی بازشناسد و با تصعیری عقب‌مانده از استقلال که مفهومی جز انفراد داشت از دوستی با دوستان انقلاب ایران بیم داشت و گوئی همه جهان را بالکل علیه خود می‌دید . این مسئله که بی‌گمان تاکنون صربانی بس سنگین به انقلاب وارد ساخته عرصه دیگری برای نشخوار دستگاه‌های تبلیغاتی سازشکاران و دشمنان انقلاب بود که خود با تمام نیرو

از رویدادهای لهستان چه درسی باید گرفت؟

(قسمت دوم)

ریشه‌های بحران حاضر

یافت ولی تولید کشاورزی در این مدت تنها بدو برابر افزایش پیدا کرد. این نرخ رشد برای تولید کشاورزی، حتی با احتساب این امر که اصولاً افزایش بارآوری در حوزه کشاورزی به علت خودورزی‌های این حوزه همواره از افزایش بارآوری در حوزه صنعت کمتر است از نرخ رشد تولید کشاورزی در سایر کشورهای سوسیالیستی پائین‌تر است. البته تولید صنعتی نیز در صورت نبود ضعف‌های مدیریت در بعضی موارد می‌توانست از رشد بازهم بیشتری برخوردار شود.

علاوه بر این تکیه یک جانبه دولت لهستان بر رشد بخش صنعت در اقتصاد و عدم توجه لازم به اشتراکی و مدرنیزه کردن کشاورزی سبب گردیده است که لهستان از لحاظ مواد غذایی مورد احتیاجش در مضیقه قرار گیرد و برای جبران این کمبود به افزایش واردات این مواد از غرب مبادرت ورزد. این امر به نوبت خود موازنه صادرات و واردات را برهم زده و باعث افزایش بدهی‌های لهستان به کشورهای سرمایه‌داری شده است. بطوری که میزان این بدهی‌ها در اوایل همین سال به ۲۰ میلیارد رسیده، بازپرداخت اصول و فرع این وام‌ها با اختصاص دادن بخشی از درآمد لهستان به خود، بر مشکلات اقتصادی این کشور می‌افزاید. انجام برنامه‌های پیش‌بینی شده توسط حزب متحده کارگران لهستان و دولت لهستان را دچار اختلال می‌کند.

در کنار این عامل اصلی، بعضی عوامل را که از اهمیت درجه دوم برخوردارند می‌توان چنین طبقه‌بندی نمود:

۱- عدم پیترت مداوم دموکراسی سوسیالیستی در زندگی اجتماعی لهستان باعث سست‌تر شدن روابط بین حزب و توده‌ها از یک طرف و دولت و توده‌ها از طرف دیگر شده است. در نتیجه شرکت توده‌ها در امور دولتی و عمومی تا حدی لطمه دیده و اعمال کنترل آنها بر اقدامات دولت و حزب نارسا شده است. این امر به نوبت خود ریشه روابط بوروکراتیک در دستگاه دولتی را سبب گردیده و از این طریق از توانائی دولت در سازماندهی سوسیالیستی امور تولیدی و اجتماعی مبارزه با نیروهای مخالف سوسیالیسم می‌کاهد.

۲- نقش موازین زندگی درون حزبی از جمله مرکزیت دموکراتیک و انتقاد و انتقاد از خود در سال‌های گذشته روند تصحیح اشتباهات در سیاست‌ها و برنامه‌های حزب را دچار اشکال نموده و در بعضی موارد به تشدید اختلافات انجامیده است.

۳- و بالاخره همچنانکه در اسناد بعضی از کنگره‌های "حزب متحده کارگران لهستان" آمده است، اقدامات "حزب متحده کارگران لهستان" و دولت لهستان در جهت رفع بقایای ایدئولوژی و فرهنگ بورژوازی و جایگزین ساختن آن با فرهنگ نوین سوسیالیستی ناکافی بوده است. بطوری که گروهی از مردم و حتی عده‌ای از کارگران صنعتی هنوز تحت نفوذ عقاید خرافی و توهمات بورژوازی هستند. به‌ویژه باید توجه داشت که به علت وجود تبلیغات نیروهای مخالف سوسیالیسم در داخل لهستان و تبلیغات امپریالیستی گسترده تاثیر این کوتاهی حزب و دولت، در تربیت و آموزش سوسیالیستی طبقه‌کارگرو زحمتشان تسدید می‌شود.

ادامه دارد

مقایسه کنیم، اطلاعات مربوط به چند کشور سوسیالیستی را خاطر نشان می‌کنیم. حزب کمونیست بلغارستان پس از پیروزی انقلاب، با تکیه بر برنامه کتوپراسیون لنینی و تجربه اتحاد شوروی در این مورد اقدام به اشتراکی نمودن کشاورزی نمود. در آغاز برنامه پنج‌ساله اول (۵۲-۱۹۴۸) ۱۱٪ مزارع و ۶٪ زمین‌های زیر کشت و در پایان همین برنامه ۵۰٪ مزارع و ۶۰٪ زمین‌های زیر کشت جزو مزارع دولتی و تعاونی بودند. در آغاز برنامه پنج‌ساله سوم (۱۹۵۸-۹۲٪ زمین‌های زیر کشت بلغارستان به‌صورت اشتراکی کشت می‌شدند. از آن موقع به بعد نیز جریان کتوپراسیون ادامه یافت و این نسبت بازهم بیشتر شده است. در اتحاد شوروی در پایان برنامه پنج‌ساله اول (۱۹۳۲-۶۱/۵ درصد دهقانان، در سال ۱۹۳۷، ۹۳٪ دهقانان در مزارع دولتی و تعاونی به تولید می‌پرداختند. در حال حاضر تمام دهقانان اتحاد شوروی بدون استثناء به کشاورزی اشتراکی مکانیزه اشتغال دارند.

تکیه یک‌جانبه دولت لهستان بر رشد بخش صنعت در اقتصاد و عدم توجه لازم به اشتراکی و مدرنیزه کردن کشاورزی، عدم پیشرفت مداوم دموکراسی سوسیالیستی در زندگی اجتماعی لهستان که روابط بین حزب و توده‌ها را از یک طرف و دولت و توده‌ها را از طرف دیگر سست کرده است، نقض موازین زندگی درون حزبی و ریشه روابط بوروکراتیک مبارزه‌ناکافی در زدودن بقایای ایدئولوژی و فرهنگ بورژوازی و کوتاهی در آموزش و تربیت سوسیالیستی طبقه‌کارگر و توده‌ها در شمار عوامل پدید آورنده نابسامانی‌های کنونی لهستان است.

در مجارستان ۹۰٪ و در آلمان شرقی ۸۶٪ زمین‌های زیر کشت توسط مزارع اشتراکی دولتی و تعاونی کشت می‌شوند و بالاخره مغولستان که پیشرفت خود به سوی سوسیالیسم را از شرایط بسیار عقب‌مانده‌ای آغاز کرده در این زمینه به نتایج بسیار درخشانی دست یافته است. در حال حاضر از کل زمین‌های زیر کشت مغولستان ۷۵/۴٪ به مزارع دولتی و بقیه یعنی ۲۴/۶٪ به مزارع تعاونی تعلق دارد. از کل مراتع ۳٪ در اختیار مزارع دولتی و ۹۵ درصد در اختیار تعاونی‌ها می‌باشد. از کل دام‌ها ۴٪ به مزارع دولتی و ۷۵٪ به مزارع تعاونی تعلق دارد. مزارع دولتی و تعاونی مغولستان با سیستم مکانیزه مدرن اداره می‌شوند.

توزیع زمین بین دهقانان منفرد در لهستان ناممکن است. در سال ۱۹۷۰، ۳/۴ میلیون مزرعه خصوصی در لهستان وجود داشت. سه چهارم این مزارع را مزارع با مساحت ۷ هکتار یا کمتر از آن تشکیل می‌داد و از این عده یک سوم دهقانان ۲ هکتار یا کمتر زمین در اختیار داشتند مزارع بزرگتر از ۷ هکتار بیش از نصف زمین‌های تحت مالکیت خصوصی را تشکیل می‌دهد و ۱۰٪ این زمین‌ها را مزارع بزرگتر از بیست هکتار تشکیل می‌دهد. غلبه تولید خرد بر کشاورزی از به‌کارگیری ماشین‌آلات مدرن کشاورزی و بهره‌گیری از مزایای تولید کلاس مکانیزه ممانعت بعمل می‌آورد و بارآوری تولید را در سطح پائین نگه می‌دارد. بدین خاطر است که تولید صنعتی لهستان که بیش از ۹۹/۵ درصد آن را بخش سوسیالیستی تشکیل می‌دهد، در فاصله سال‌های ۱۹۳۸ و ۱۹۷۴ بیست برابر افزایش

"بحران" فعلی لهستان بطور ماهوی با بحران‌های جوامع سرمایه‌داری فرق دارد. بحران سرمایه‌داری که از عملکرد ذاتی این شیوه تولیدی برمی‌خیزد، با اضافه تولید و افزایش بی‌سابقه بیکاری همراه است. در حالی که لهستان در حال حاضر با اضافه تولید مواجه نیست و حتی یک نفر بیکار در این کشور وجود ندارد. علاوه بر این لهستان که ترکیب جمعیت آن به علت تلفات انسانی ناشی از جنگ بسیار جوان است و نصف جمعیت آن در سال‌های پس از جنگ متولد شده‌اند و افراد بین سنین ۱۵ و ۵۹ سال، ۶۲ درصد جمعیت آن را تشکیل می‌دهند، در سال‌های دهه ۷۰ برای ده میلیون نیروی کار تازه نفس، کار ایجاد کرده است و هم‌اکنون نیز توان جذب نیروی کار بیشتری دارد و چنین کاری مسلماً در جامعه سرمایه‌داری امکان ندارد. "بحران" لهستان در وجه اقتصادش، از عدم پیشروی کافی سوسیالیسم در یک عرصه از اقتصاد و ناهماهنگی حاصله از این امر، ناشی می‌شود. بدین خاطر ما هر جا از بحران در لهستان صحبت می‌کنیم، آن را در گیومه قرار می‌دهیم تا بر تمایز ماهوی آن از بحران‌های ذاتی جوامع سرمایه‌داری تاکید شود.

ریشه اصلی بحران "فعلی" لهستان را باید تا اندازه‌ای در باقیمانده نسبتاً گسترده تولید خرد در بخش کشاورزی دانست. در سال ۱۹۴۶ بعد از اصلاحات ارضی و سلب مالکیت از ملاکین فئودال، ۱۳ درصد زمین‌های زیر کشت در اختیار مزارع دولتی قرار گرفت. ۸۶/۱ درصد آن بین دهقانان تقسیم شد و ۹/۰ درصد آن به امر ساختمان مدارس و موسسات تحقیقاتی اختصاص یافت. مطابق آمار سال ۱۹۷۵ مزارع دولتی و تعاونی ۲۰ درصد زمین‌های زیر کشت را تشکیل می‌دادند. این مزارع تنها ۲۳ درصد غله کالائی کشور و ۲۷ درصد کل گوشت تولیدی لهستان را تولید می‌کردند. بنابراین واضح است که پیشرفت کتوپراسیون کشاورزی بسیار کند انجام گرفته است.

ضرورت اشتراکی کردن کشاورزی بر طبق برنامه کتوپراسیون متین (جلب تدریجی و داوطلبانه کشاورزان منفرد به تولید اشتراکی و مکانیزه) برای سازماندهی سوسیالیستی کل اقتصاد جامعه از آنجا برمی‌خیزد که

اولاً: تا موقعی که تولید خرد بر کشاورزی غلبه دارد، برنامه‌ریزی واحد اقتصادی برای تمام کشور امکان ندارد و هرچ و مرج ناشی از تولید خرد با تولید انبوه و مکانیزه سوسیالیستی طبق برنامه در تضاد قرار می‌گیرد. به‌علاوه تولید خرد کشاورزی به علت سطح پائین بارآوری و عدم امکان به‌کارگیری آخرین دستاوردهای علم و فن در آن، نمی‌تواند احتیاجات مردم را بطور کامل برآورده سازد و بالاخره در چنین شرایطی اعمال کنترل و حساب همه‌خلفی بر تولید و فروش کالاها کشاورزی غیر ممکن است. ثانیاً: ادامه سلطه تولید خرد بر بخشی از اقتصاد به خاطر خلصت دوگانه تولیدکننده خرد (که در عین حال زحمتکش و مالک می‌باشد) منشاء تزلزل و کشمکش در زندگی سیاسی و اقتصادی جامعه می‌باشد و می‌تواند به‌صورت مانعی در مقابل اقدامات اقتصادی و سیاسی لازم برای ساختمان سوسیالیسم درآید.

برای اینکه بتوانیم پیشرفت برنامه کتوپراسیون کشاورزی در لهستان را با پیشرفت سایر کشورهای سوسیالیستی در همین زمینه

بمناسبت شصتمین سال شهادت میرزا کوچک خان

نهضت جنگل قداوم پیکار برای استقلال و...

بلکه برای رشد خود به آن متکی بود. به این ترتیب زحمتکشان شهر و ده که به قصد استقلال میهن قیام کرده بودند و در طول مبارزات مشروطیت جانفشانی‌های بسیار از خود نشان دادند، بر خواسته‌های خود دست نیافتند. قیام‌هایی که پس از انقلاب مشروطه در گرفت - از جمله نهضت جنگل - در واقع انعکاس امیال و خواسته‌های سرکوب شده زحمتکشان شهر و ده و ادامه مبارزه آنان برای کسب حقوق خود بود که انقلاب مشروطه نتوانسته بود آنها را برآورده سازد.

آغازجنگ جهانی و یورش قوای امپریالیست‌های انگلستان از جنوب و روسیه تزاری از شمال که به رشد ناراضیاتی در میان مردم زحمتکش ایران دامن زد، فرصتی بود که انقلابیون جنگل از آن برای گسترش شعله‌های مبارزه رهایی‌بخش استفاده کردند. نهضت جنگل از همان ابتدا مورد هجوم وحشیانه امپریالیسم انگلستان، روسیه تزاری و فئودال‌های وابسته به آنان قرار گرفت. پس از انقلاب کبیر اکتبر در سال ۱۹۱۷، دولت‌جوان و نوپای شوروی نیروهای خود را از ایران خارج کرده و طی بیانیهای رسماً عهدنامه ننگین سال ۱۹۰۷ را که بین انگلستان و روسیه تزاری بر سر تقسیم ایران بسته شده بود، ملغی ساخت. "لنین رهبر انقلاب اکتبر در طی بیانیهای در مورد این عهدنامه اعلام داشت:

"عهدنامه سرّی راجع به تقسیم ایران محو و پاره شده و واجد کمترین ارزشی نیست.

دولت شوروی به‌عنوان حامی قدرتمند نهضت جنگل درآمد. انقلابیون بسیاری از جمله "ارژنگیدزه" انقلابی بزرگ روسیه برای کمک به مبارزات رهایی‌بخش مردم ایران به گیلان آمدند و این در شرایطی بود که خود آنها برای حفظ انقلابشان درگیر جنگ شدیدی با امپریالیست‌ها از جمله امپریالیسم انگلستان که قصد داشت از طریق ایران قفقاز را تصرف کند بودند. کمیته انقلابی لنگران به‌دفاع از مبارزات مردم ایران نامه‌ای برای میرزا فرستاد و نوشت:

"گارگران و دهقانان لنگران و ارتش روسیه و آذربایجان سوتی (شوروی) سلام‌های برادرانه خود را به گارگران و دهقانان ایران تقدیم می‌دارند، درودهای ما به گارگران و دهقانان ایران بی‌پایان است، زیرا از طلوعی صبح تا غروب آفتاب کارگر ایرانی اشتغال به کار دارد و آنچه از عرق جبین به‌دست می‌آورد به جیب سرمایه‌داران انگلیسی ریخته می‌شود... خوشبختی ما زایل می‌شود وقتی که می‌بینیم ملت نجیب ایران زیر چکمه بورژوازی انگلستان دست و پا می‌زند... برای محو بورژوازی انگلستان شرکت همه این ملت‌ها ضروری است. زیرا تا این بورژوازی قوی است، نه شما گارگران ایرانی و نه ما گارگران روسیه و نه سایرین، نخواهیم توانست به صبح امیدوار باشیم."

به این ترتیب انقلاب اکتبر یکی از دشمنان غدار مردم ایران و نهضت جنگل، یعنی دولت روسیه تزاری را از صحنه خارج کرد. نهضت جنگل از آن پس در برابر امپریالیسم انگلستان که سرنوشت میهن ما را در جنگ گرفته بود و ارتجاع داخلی وابسته به آن صف‌آرایی کرد. به‌دنبال ورود ارتش سرخ به بستر انزلی برای تعقیب ضدانقلابیون فراری که به ایران گریخته بودند و

عقب‌نشینی انگلستان از مقابل آن بسرای انقلابیون گیلان فرصت تازه‌ای پیش‌آمد. سران "جنگل" وارد رشت شده و در میان استقبال بی‌سابقه مردم زحمتکش گیلان، حکومت انقلابی را تشکیل دادند. "جمعیت سرخ انقلاب ایران" به‌فوریّت سلطنت را ملغی و رسماً اعلام جمهوری کرد. دولت جمهوری از انقلابیون ملی و ضد امپریالیست و انقلابیون کمونیست تشکیل شده بود. اما این دولت انقلابی مدت زیادی دوام نیاورد. از یک سو محافظه‌کاری‌ها و تنگ‌نظری‌های میرزا، عدم مبارزه جدی و قطعی او با ارتجاع محلی، فئودال‌ها، تجار و فرماندهان نظامی قوای دشمن، کار انقلاب را به‌دشواری‌کشانده بود، متعولین، تجار و ملاکین که دولت جمهوری، منافع آنها را به خطر انداخته بود، برای جلوگیری از اقدامات انقلابی به میرزا فشار می‌آوردند و میرزا نیز قاطعیت و جدیت لازم را در برابر آنها نداشت. از سوی دیگر چپ‌پروها و ندانم‌کاری برخی از سران انقلاب چون "احسان‌الله‌خان" که بی‌توجه به موقعیت انقلاب، مشکلاتی که آن را تهدید می‌کرد، ترکیب دولت انقلابی و... یک شبه در فکر انجام افکار انقلابی‌ای بودند که در سر داشتند، و هنوز زمان مناسب برای اجرای آنها فراهم نبود دولت جمهوری در گیلان را به بن‌بست کشانده بود. میرزا برای مدتی به جنگل بازگشت. حیدر عمواعلی انقلابی بزرگ برای رفع اختلافات در رشت‌آمد. او می‌کوشید که انقلابیون را مجدداً در برابر دشمن مشترک متحد گرداند. تلاش‌های حیدرخان ابتدا نتیجه نداد و کمیته انقلابی جدیدی تشکیل شد. اما طوایف نکشید که تضادهای موجود مجدداً شدت گرفته و اوضاع رو به وخامت رفت. "احسان‌الله خان" که از کمیته جدید کنار گذاشته شده بود، خودسرانه به طرف تهران حمله کرد که شکست خورد و بسیاری از افرادی کشته شدند. حیدر عمواعلی در جنگل به شهادت رسید و امپریالیسم انگلستان با استفاده از این موقعیت که جمهوری گیلان را به شدت ضعیف کرده و نیروی آن را پراکنده ساخته بود، درصدد عملی کردن نقشه سرکوب نهضت گیلان برآمده و رضاخان را به صحنه فرستاد.

رضا خان یکی از نمایندگان قدرت جدید بعد از مشروطه یعنی "بورژوا - ملاک‌ها" و وزیر جنگ دولت مرکزی بود. رضاخان به تبعیت از منافع طبقاتی‌اش قصد داشت که جنبش‌های پراکنده در گوشه و کنار ایران را سرکوب کرده و با برقراری "نظم و امنیت" یک دولت مرکزی قوی به‌سرکار آورد. تمام این کوشش‌ها مورد حمایت امپریالیسم انگلستان قرار داشت. رضا خان بیشترین سعی

خود را کرد تا اختلافات سران نهضت جنگل تشدید شود و نهضت ضعیف شد و رشت توسط رضاخان سقوط کرد و میرزا که در جنگل بود به طرف خلخال عقب نشست. او هنگام عقب‌نشینی یارانش را از دست داد و سرانجام در برف و سرما دچار یخ‌زدگی شد و درگذشت.

به این ترتیب با سقوط رشت و شکست قوای انقلابیون گیلان، جنبش جنگل پس از ۷ سال مبارزه آزادیخواهانه و استقلال طلبانه توسط امپریالیسم انگلستان و ارتجاع داخلی به‌خون کشیده شد.

اهداف مبارزه انقلابیون گیلان از مرامنامه آنها به‌خوبی روشن می‌شود. آنها در مرامنامه

خود استقلال و آزادی زحمتکشان تحت ستیم میهنان را در سر لوحه برنامه خود قرار داده بودند. از جمله مهمترین خواسته‌های انقلابیون گیلان می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

• برقراری حکومت عامه جمع‌شدن قوای عالیه در دست نمایندگان ملت، محدود کردن مالکیت ارضی، ممنوع بودن انحصار و احتکار سرمایه، برقراری ۸ ساعت کار در روز، برانداختن بیکاری و مفتخواری، ممنوع بودن کار و مزدوری برای اطفال کمتر از ۱۴ سال، آزادی فکر، بیان، عقیده، اجتماع، مطبوعات، کار، کلام، مجانی و اجباری بودن تعلیمات ابتدائی برای کلیه اطفال، تساوی زن و مرد در حقوق مدنی و اجتماعی، الغاء کلیه شئون و امتیازات

اما نهضت جنگل علیرغم مبارزه برای تحقق این خواست‌های مترقیانه و علیرغم این که یک نهضت مردمی بود، نتوانست پیروزی‌های به‌دست آمده را حفظ کند و سرانجام در برابر امپریالیسم انگلستان شکست خورد. مردم ایران در مبارزه قهرمانانه خود علیه امپریالیسم آمریکا باید به تجربه نزدیک به یک قرن مبارزه انقلابی در ایران با دقت بنگرند. یکی از مهمترین ضعف‌های نهضت جنگل که در شکست آن نقش بزرگی داشت اختلاف و پراکندگی بین نیروهای انقلابی خلق بود. امروز نیز همین ضعف در مبارزه مردم زحمتکش ایران بر علیه امپریالیسم آمریکا وجود دارد. پیروزی‌های به‌دست آمده از انقلاب ۵۷ بی‌شک قابل قیاس با پیروزی‌های نهضت جنگل نیست. امروز زحمتکشان قهرمان میهن ما حاکمیت سیاسی امپریالیسم را در سرتاسر ایران برانداخته‌اند و به بزرگترین پیروزی‌های تاریخ کهنسال خود دست یافته‌اند. اما برای حفظ این پیروزی‌ها و ادامه آن تا نابودی کامل سلطه امپریالیسم آمریکا و برقراری ایرانی آزاد و دمکراتیک راه درازی در پیش است. راهی که جز با اتحاد مستحکم صفوف خلق به سرانجام پیروزی نخواهد رسید. امپریالیسم انگلستان با استفاده از پراکندگی در صفوف انقلابیون جنگل آنها را شکست داد و اکنون امپریالیسم آمریکا نیز همین سیاست را در پیش گرفته است. امپریالیسم آمریکا لیبرال‌ها و سایر محافل مؤرد حمایت آن می‌کوشند به اختلاف بین نیروهای انقلابی دامن بزنند، این نیروها را بر علیه یکدیگر به مبارزه وادارند، با استفاده از گرایش‌های تنگ‌نظرانه موجود در نزد رهبران جمهوری اسلامی، آنها را بر علیه انقلابیون جان برکف به تشدید عملیات خصمانه وادارند، قوای خلق را به تحلیل برند و سرانجام بر انقلاب و مردم میهن ما غلبه کنند در برابر این توطئه‌های ضدانقلابی یکی از مهمترین سلاح‌های انقلاب حفظ و تحکیم صفوف متحد خلق است. اتحاد سازمان‌ها و گروه‌های انقلابی و ضدامپریالیست - صرفنظر از عقاید مسلکی و عقیدتی - در برابر دشمن زخم خورده و خطرناک، یکی از شروط بسیار مهم ادامه انقلاب است.

باید با هوشیاری و آگاهی در جهت تحکیم صفوف خلق پیش رفت و با نابودی قطعی سلطه امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا "استقلال، کار، مسکن و آزادی" را که مردم زحمتکش و قهرمان ایران ۸۰ سال است به‌خاطر آن پیکار می‌کنند، به‌دست آورد.



۶۰ جت جنگی میراث، هدیه امپریالیسم فرانسه به رژیم صدام حسین

مشکل گاز رسانی

را چگونه می توان حل کرد؟

بد بزرگ شدن آن را هجوم مردم و کم کاری رانندگان رحمتکس دانست. بلکه همانطور که گفته شد، ناند آن را ناسی از بدام کاری های مسئولین امور و نارسایی های شرکت کار رسانی دانست. برپا اس موضوعی است که به دراحنی می توان آن را حل نمود. با اس حساب که در سراسر ایران حدود ۴ میلیون خاوار کار مصرف می کند و در شرایط فعلی نزدیک به ۱۲۰۰ تن گاز به اس شرکتها داده می شود. می توان با سازماندهی و برنامه ریزی درست به تنگی عمل کرد که همین مقدار گاز بطور سریع و عادلانه توزیع شود و بهترین راه سز اس است که گاز هم مانند نفت و دیگر کالاهای ضروری زیر نظر شوراهای محلات و از طریق کمیته ها، شرکت های تعاونی و دیگر سهادهای مورد اعتماد مردم توزیع شود. بدین ترتیب که شوراهای محلات آمار و تعداد خانواده هایی را که گاز مصرف می کنند، تهیه کرده، نوع گاز مصرفی و تعداد سلنדרها را مشخص سازند و آن را به اطلاع شرکت گاز رسانی برسانند. اس شرکتها سز موظف باشند که کار مصرفی را به مساجد، کمیته ها و شرکت های تعاونی تحویل دهند تا زیر نظر سورا و مایندگان مردم بطور عادلانه و سریع توزیع شود. در غیر اس صورت همانطور که در عمل سز شاهد بوده ایم دیگر راه حل هایی بطبر برگ اشتراک و غیره موفق نخواهد بود.

از کالاهای ضروری و اولیه زندگی مردم، گاز مایع است. به همین دلیل و به ویژه در شرایط جنگی کوسی و به علت کمبود نفت سفند توزیع آن باید به گونه ای باشد که بطور سریع و عادلانه در دسترس مردم قرار گیرد. لیکن با شروع جنگ در اثر بدام کاری های مسئولین امور، توزیع آن تاکنون با اشکالاتی همراه بوده اس. سه هفته پیش کمیته امور صنعتی تهران اعلام کرد که گاز فقط با تلفن و از طریق شرکت گاز رسانی به منازل تحویل داده می شود. و به سال آن فروش گاز مایع از طرف توزیع کنندگان در محل اسار و در کوچه و خیابان به مشتری ها ممنوع گردید. بدین ترتیب اگر مردم شماره اشتراک هم داشته و با تهیه نمایند و از طریق تلفن بونت بگیرند این دیگر سنگی به شرکت گاز رسانی دارد که کی و چه وقت گاز را به منازل برسانند و همانطور که در عمل سز مشاهده می گردد، اس موضوع تاکنون باعث اشکالات و ناساماسی هایی بوده اس. بطور مثال بسیار اتفاق می افتد که به علت عدم توزیع سریع گاز از طرف شرکت گاز رسانی، مردم تا ماشین گاز را از دور می سبند یا از دحام خود مانع از توزیع آن به منازل می شوند. با بعضی مواقع دیده می شود که کامیون ها کبسول های گاز را که از انبار حمل می کنند، چند کیلومتر آن طرف تر و با قیمت گران تر می فروشند. البته نمی توان علت کمبود گاز و

امر سرکوب حلوها را سبهر به بیستی برد. چهره درنده خو و سرکوتگر امپریالیسم فرانسه در بستانام، الحرایر، رنیر و... هیچگونه تنگ و شهبای برای کسانی که استقلال و آزادی ایران می اندیشند، سست به مایب واقعی امپریالیسم فرانسه و اتحادس با دیگر کشورهای امپریالیستی، علیه مارزاد عادلانه خلق های سرتاسر جهان، باقسی می گذارد. کمک های نظامی فرانسه به رژیم صدام حسین، ماهیت امپریالیسم فرانسه را برای افراد سی اطلاع و بردکسیمی که تحت تاثیر تبلیغات امپریالیستی می بیند اشتد امپریالیسم فرانسه، مهد آزادی " اس، آشکسار ساخت. برای آقای سز صدر و شخصیت های نزدیک به اسان هم که جس از ۲ سال است چشم به مراحم و التفاتت امپریالیست های اروپایی و مجمله فرانسه برای مبارزه با سلطه امپریالیسم آمریکس، دوخته اند، باید قاعدتا مفهوم شده باشد که استقلال و آزادی ایران می تواند از طریق نزدیکی با اسن یا آن امپریالیسم و بر علیه امپریالیسم دیگری به دست آید. هیئت مایب دگی ایران برای اس طرز تفکر، بیام آور اسن نکته بود که کشورهای امپریالیستی در ضدیت با استقلال و آزادی ایران سست به یکدیگر متعهداند. و از هیچگونه کمکی به یکدیگر تبلیغ نخواهند کرد. ارسال ۶۰ جت جنگی میراث به رژیم متجاوز عراق، تنها نشانگر بخشی از تعهد و همبستگی ارتجاع جهانی علیه انقلاب ایران اس. همانگونه که تحریم اقتصادی ایران از جانب کشورهای امپریالیستی اروپا و امپریالیسم ژاپن نشانه اس تعهد متقابل امپریالیست ها نسبت به هم و نسبت به سرکرده امپریالیسم جهانی، یعنی امپریالیسم آمریکاست.

امپریالیسم زاین از جمله امپریالیسم فرانسه به دیده " دوست " انقلاب ایران می گیرسند، و از هر گونه نلغی پیرامون حسن سب اس کشورها نسبت به انقلاب ایران فرودگذار می گردند، امروز در قبال یرسش مردم ایران، در ارتباط با مسلح کردن رژیم متجاوز عراق توسط امپریالیسم فرانسه، چه ساختی دارید؟ چرا روزنامه انقلاب اسلامی، که امروزه میدان ناخب و تاز سوسدگان لیبرال شده اس و نظریه پردازان نزدیک به رئیس جمهور در اسن مورد سکوت کرده و خود را سده کوجه علی چه زده اند؟ چرا حضراتی که پیرامون اسزوی ساسی ایران کاغدها سباه کردند و با طرح عوامفریانه " منزوی شدن ایران، ارتباط و نزدیکی با امپریالیست های اروپایی و زاین را در نظر داشتند، ارسال هواپیما های جنگی مرز به رژیم متجاوز صدام حسین را با سکوت برگزار کرده و به مراحتی! از آن کدسندند؟ چرا کسانی که سدها دروغ درباره باصطلاح کمک کشورهای سوسالیستی به عراق تحویل مردم ایران داده اند تا ماهیت دوستان و دشمنان اعلامت ایران را از چشم نوده ها بپهان کنند، ایک در برابر حمایت امپریالیسم فرانسه سکوت کرده اند و یا نهبا برای خالی بودن عرصه به اشاره ای کوتاه اکتفا می کنند؟ واقعبت اس اس که کشورهای امپریالیستی، همواره در توطئه گری و اقدامات سرکوتگرانه علیه معاومت و مبارزات خلقها به خاطر رهایی ملی صف واحدی را تشکیل می دهند. تجربیات خلق های از بند رسنه و یا در حال مبارزه سرتاسر جهان گویای اسن واقعبت اس. اختلافات فی مابین امپریالیست ها، برخلاف نظریات آقای رئیس جمهور و یاران ستن، تنها در چگونگی کاربرد روشها و لزوم به کار گیری شیوه های پیچیده تری اس که

هیئتی که تحت سرپرستی آقای مهدی سواب، برای تشریح موضع ایران در ارتباط با تجاوز رژیم صدام عازم کشور فرانسه شده بود، سس از مواجهه با سی اعتناتی و دهن کجی مقامات مسؤل فرانسوی، به کشور بازگشت. وزیر خارجه فرانسه، ژان فرانسوا پوسد، به تنها به هسدار هیئت مایب دگی ایران سس بر توقف ارسال سلاح های جنگی به رژیم عراق توجهی نکرد و به قول مهدی سواب، سرپرست هیئت مایب دگی جمهوری اسلامی، " خود را به کر کوشی زد، بلکه صریحا و با کمال وقاحت از فروش ۶۰ جت جنگی میراث " اف - ۱ " که در همین ماه به عراق تحویل داده می شود سستی ساسی نمود. هیئت ایرانی سس از اسن سسدار اظهار داشت که " فرانسه همچنان می کوند هوا ساسی جنگی به عراق تحویل دهد در حالی که عراقی ها سچه های ما را می کشند " گرچه برای اغلب سروه های انقلابی و توطئه خواه امپریالیسم فرانسه، انگلستان، آلمان و... امپریالیسم غارتگر آمریکا علیه انقلاب ایران، امری بدیهی و سناخته سده بود و بارها سارمان ما سرامون هر گونه توهمی نسبت به امپریالیست های اروپایی و امپریالیسم زاین هسدار داده بود، لکن هسور هسندتد کسانی که علی الظاهر اسن سیاست احبر امپریالیسم فرانسه کج و مبهوب شده و به درد آقای " ران فرانسوا بونه " دچار کتسم و به کر گویی مبتلا کتسند. دوستان و هواداران امپریالیسم فرانسه فعلا مصلحت! را در اس دیده اند که پیرامون اسن اسنابه کوچک امپریالیسم مهربان فرانسه چیزی نگویید و آن را نادیده بگیرد. آقای بنی صدر، رئیس جمهور و نظریه پردازان " س جهانی پیرامون اسان، که از آغاز انقلاب به کشورهای امپریالیستی اروپا و

ملی کردن تجارت خارجی گامی است در جهت نامین منافع زحمتکشان.

• با ملی کردن تجارت خارجی علاوه بر جلوگیری از احتکار مایحتاج عمومی و چاباول زحمتکشان توسط عده ای سرمایه دار مفتخور، اسای ایران را در خروج ارز نیز زیسته می شود.

ملی کردن تجارت خارجی گام مهمی است در جهت

کوبه کردن دست تجار بزرگ، دلان، واسطه ها، بجنکران و ... از اقتصاد کشور.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران (اکثریت)
آذرماه ۱۳۵۹

هرک بر امپریالیسم جهانی به سر کردگی امپریالیسم امریکا

حل عادلانه مسئله کردستان ضرورت انقلاب

کردستان به عنوان یکی از کانونهای بحران همچنان مسأله حوادث گوناگون است هر روز حوضهای تازهای بر زمین ریخته می شود و گسترش جنگ داخلی و مخاصمات می رود که تمامی ارضی و یکپارچگی خلقهای میهن را سبب از بیس با خطر تخریب و تلاشی روبرو سازد.

دولت جمهوری اسلامی همچنان به حقوق ملی خلق کرد بی توجه است و هنوز برنامه واقع سیاستهای برای حل مسئله کردستان ارائه نداده است. بر ستر این بی اعتنائی و بی توجهی، دارودسته قاسملو همچنان به فریب مردم مشغولند و رژیم جاسنکار صدام سیز مزدوران خود را برای مقابله جدی تر با انقلاب مردم ما سازمان می دهد. در این میان مزدوران امیرالاسم آمریکا کردستان را سبب از بیس برای اجرای توطئه های علیه خلق کرد و انقلاب مردم ایران مستعد می بیند و از هر سو در تلاش است.

در این میان لیبرالها سبب از عقبنامدن از قافله برای جلب سرو در کردستان دست به مانورهای تازه ای زده اند.

سروهای انقلابی و ترقیخواه برای خنثی کردن نقشه دشمنان مردم کرد و انقلاب ایران تلاشهای تازه ای را برای پایان بخشیدن به مخاصمات کردستان و حل مسأله آرمیز و عادلانه مسئله کردستان آغاز

کردند.

سازمان ما در دفاع بیگرم از حقوق ملی خلق کرد و منافع مردم کردستان، بهویژه دهقانان و زحمتکشان کرد در روزهای اخیر مجددا نظرات خود را پیرامون مسئله کردستان و چگونگی حل اصولی و عادلانه آن به اطلاع دولت جمهوری اسلامی ایران رسانده است

ما به دولت جمهوری اسلامی ایران متذکر شدیم که اکنار حقوق ملی خلق کرد، نمری حر خدمت به دشمنان انقلاب ایران ندارد. ما موکدا گفتیم که هیچ حربه نظامی قادر به حل مسأله کردستان نخواهد بود.

طبق اطلاع، مسئولین کنگره چهارم نیز با سازمان آزادیبخش فلسطین و شخص یاسر عرفان جهت میانجیگری برای حل مسئله کردستان گفتگو کردند.

ما امیدواریم تلاشهای صوب گرفته از جانب سروهای طرفدار انقلاب، با استقبال دولت جمهوری اسلامی ایران مواجه شود و راه برای حل مسأله آرمیز و عادلانه مسئله کردستان هموار گردد.

ما وظیفه خود و همه سروهای انقلابی و ترقیخواه می شناسیم که با تشریح واقعی اوضاع کردستان برای مردم سراسر ایران مجدداً از حل مسأله آرمیز و عادلانه مسئله کردستان که متضمن به رسمیت شناختن حقوق ملی خلق کرد است، دفاع نمایند.

راه برای حل مسأله آرمیز مشکل کردستان هموار گردد.

بوکان:

این شهر کوچک مدتهاست تحت فشار ناشی از هجوم آوارگان جنگ و مسافرانی که از دورترین نقاط سردشت و پیرانشهر و غیره جهت تهیه مایحتاج خود آمده اند و مشکلات ناشی از محاصره اقتصادی قرار دارد. در روزهای گذشته سپاه پاسداران میان دو آب راه عبور و مرور را باز کرده و به مردم اجازه می داد برای تهیه مایحتاج خود به میان دو آب بروند. که این امکان به واسطه حمله افراد قاسملو به پاسداران مستقر در سهرای میان دو آب مهیاد - بوکان فعلا از بین رفته است و مردم از این حرکت شدیداً اظهار ناراضی می نمایند. اخیراً دارودسته قاسملو طی اعلامیه ای خطاب به معلمین و دبیرانی که برای رسیدگی به وضع خود به ارومیه رفته اند و همچنین محصلینی که برای درس خواندن به شهرهای دیگر رفته اند، اعلام کرده اند که آنها دیگر حق بازگشت به شهرهای کردستان را ندارند. همچنین دارودسته قاسملو در مورد خانواده هایی که به واسطه مشکلات ناشی از جنگ، کردستان را ترک کرده اند اعلام کرده است که اموال باقیمانده آنها در منطقه مصادره خواهد شد!

دارودسته قاسملو به روستائیان تحت نفوذ خود در منطقه بوکان جهت خرید اسلحه فشار می آورند و حتی گفته اند هرکس از این دستور سرپیچی نماید باید روستا را ترک کند. آنها مدتی است که از خروج احشام از بوکان جلوگیری می نمایند که دامداران از این امر به شدت ناراضی می باشند. بسیاری از مایحتاج مورد نیاز مردم از قبیل آرد، گندم و پتو به صورت قاچاق به عراق بقیه در صفحه ۱۹

تاکید نمودند. در همین رابطه در تاریخ ۷ آذرماه چند صد نفر از مردم مهیاد در حالی که شعراهائی علیه صدام به پشتیبانی از امام خمینی می دادند به طرف مسجد جامع شهر راهپیمائی کردند. دفتر سیاسی دار و دسته قاسملو ضمن صدور اعلامیه ای به مناسبت سالروز پیام امام، ضمن تشریح وقایع یکسال اخیر کردستان امام خمینی را مسئول وضع موجود کردستان دانسته است.

سازمان ما در دفاع بیگرم از حقوق ملی مردم کردستان و منافع دهقانان و زحمتکشان کرد در روزهای گذشته نظرات خود را پیرامون مسئله کردستان و راه حل آن، به اطلاع جمهوری اسلامی ایران رسانید. مسئولین (هوادار کنگره چهارم) نیز با سازمان آزادیبخش فلسطین و شخص یاسر عرفان جهت میانجیگری در مسئله کردستان گفتگو کرده اند.

ما امیدواریم تلاشهای صورت گرفته از جانب نیروهای طرفدار انقلاب با استقبال دولت جمهوری اسلامی ایران مواجه شود و

تعداد کثیری از مردم جهت بررسی مشکلات شهر برگزار گردید. در این جلسات درباره مشکلات ناشی از کمبود شدید مایحتاج عمومی، اعدام تعدادی از افراد بی گناه توسط ملاحسنی در ارومیه، بسته ماندن راهها و مدارس شهر و عملیات تروریستی افراد قاسملو گفتگو شد. آخرین گردهمایی شورای مساجد مهیاد در تاریخ ۸ آذرماه به واسطه حمله افراد قاسملو به ماشین حامل پاسداران در جین برگزاری جلسه، نیمه تمام ماند. ناراضی مردم از اعمال تروریستی و تحریک آمیز گروه های مسلح که منجر به وخامت اوضاع در شهر گردیده رو به افزایش است.

در یکی از اجلاس شورای مساجد به مناسبت سالروز پیام ۲۶ آبانماه ۵۸ امام خمینی، تلگرافی به امام خمینی مخابره شد که در آن تجاوز عراق به ایران محکوم و بر رفع ستم ملی از خلق کرد تأکید شده است.

همچنین کارکنان بهمداری و درمانگاههای مهیاد طی نامه ای به امام خمینی بر تأمین حقوق ملی خلق کرد در چارچوب جمهوری اسلامی

مسکونی به مردم بی دفاع منتقل می نمایند که همواره نتایج مخرب در برداشته است.

دارودسته قاسملو هر چه بیشتر به محور شکل باندهای ضدانقلابی در منطقه مبدل شده است.

"شیخ جلال حسینی" مزدور بعث تحت عنوان "هیزی خبات" به نیروهای قاسملو پیوسته است. سرگرد فراری ارتش "بیگری" که در هفته های گذشته چندین بار از رادیو بغداد علیه جمهوری اسلامی سخنرانی کرد قبل از فرار به عراق در روستای "قوزلوجه" مهیاد مهمان افراد قاسملو بوده است. یکی از رفقای فدائی به نام "خالد احمد بیگ" که همراه تعدادی از هواداران کنگره چهارم ربوده شده بودند، همچنان در اسارت افراد قاسملو به سر می برند.

اشرف دهقانی در روستای سنجان توسط افراد قاسملو بازداشت شده بود که پس از مذاکره بلافاصله آزاد می شود.

در روزهای گذشته به دعوت روحانیون و شورای مساجد مهیاد و شورای شهر چند گردهمایی با حضور

مهیاد:

از چند هفته قبل تاکنون اوضاع مهیاد همچنان متشنج است. پس از پایان بافتن پلنوم کمیته مرکزی دارودسته قاسملو در چهاردهم آبانماه که تشدید عملیات مسلحانه علیه نیروهای دولتی را مورد تأیید قرار داد، اوضاع هر روز وخیم تر می شود. علاوه بر حمله سنگینی که در تاریخ ۲۵ آبانماه روی پادگان مهیاد صورت گرفت، طی این مدت مکرر به خودروهای حامل افراد سپاه در شهر با نارنجک و سلاحهای خودکار حمله شده است. از طرف دیگر افراد قاسملو مخالفین سیاسی خود را ربوده و یا منازل آنان را با نارنجک مورد حمله قرار می دهند. در این رابطه "ملا سید سلیم عباسی" عضو شورای شهر و "کریم دانش" از کارکنان رادیو تلویزیون مهیاد توسط آنها ربوده شده و چند نفر دیگر در نتیجه پرتاب نارنجک به منازلشان مجروح گردیده اند. نیروهای دولتی فشار وارده از جانب گروه های مسلح به خود را با دامن زدن به موج بازداشتها و خانه گردیها و گلوله باران مناطق

بگوئیم تا با استقرار صلح عادلانه در کردستان وحدت مردم میهنمان را علیه امپریالیسم آمریکا تحکیم بخشیم

حل عادلانه مسئله

صادر می شود و در مقابل بنزین و مواد سوختی به بوکان می آورند. این مبادله روز به روز رونق بیشتری می یابد. دارودسته قاسملو به خاطر رسمیت بخشیدن به حاکمیت خود در بوکان در محل سابق شهربانی کمیته ای به نام کمیته قضائی دایر کرده اند که وظایف شهربانی و دادگستری را انجام می دهد! آنها طی اعلامیه ای به تمام گروه های حاضر در منطقه گفته اند که هیچ کس جز خودشان حق دخالت در امور اجرایی را ندارد. با کسانی که این دستور را نقض نمایند مقابله خواهد شد. از هم اکنون میان مردم شایع است که دار و دسته قاسملو قصد دارند ضمن گسترش عملیات نظامی خود در سراسر کردستان ۲ ریه ندان (۲ بهمن) اسامی اعلام خودمختاری یک طرفه بنمایند.

سنندج

چندی است که اختلاف میان پاسداران مستقر در سنندج و پیشمرگان مسلحان کرد بالا گرفته است. افراد وابسته به پیشمرگان مسلحان کرد اغلب عناصر لومین و یا از وابستگان به رژیم سابق می باشند که در گذشته بعنوان جوازبرد در خدمت ژاندارمری کردستان بوده اند. انگیزه این افراد از استخدام در تشکیلات پیشمرگان مسلحان کرد، چیزی جز انتقام جوئی، آزار مردم و غارت اموال آنها نیست، بدین جهت عملکرد این نیرو در کردستان تاکنون دامن زدن به درگیری ها و دوز کردن هرچه بیشتر مردم از رژیم جمهوری اسلامی بوده است. این مسائل باعث گردید که اختلاف میان پاسداران و افراد وابسته به پیشمرگان مسلحان کرد پس از استقرار نیروهای دولتی در سنندج شدت یافته تا جایی که پاسداران تعداد زیادی از این افراد را بازداشت و یا به مناطق دیگر فرستاده اند و سپاه سعی نموده ستادهای آنها را تحت کنترل خود

قرار دهد. پیشمرگان مسلحان کرد از عوامل اصلی اعدام های بی رویه ماه های اخیر سنندج می باشند و اخیرا در ارتباط با احمد مفتی زاده دست به تشکیل یک شبکه ترور زده بودند که توسط سپاه پاسداران کشف و متلاشی گردید. اکنون دیگر به خوبی اثبات شده است که اتکاء به نیروهای ضد مردمی از جانب دولت جمهوری اسلامی ایران در کردستان نتیجه ای جز تشدید درگیری ها و وخیم تر شدن اوضاع نداشته است.

در هفته های گذشته ارتش عراق در مناطق جنوبی کردستان دست به حرکاتی زده است از جمله قسمتی از نیروهای تجاوزگر صدام در پاسگاه "شوشی" در چند کیلومتری نوسود داخل ایران مستقر گردیده اند. در همین نقطه دو تن از مسئولین وابسته به دار و دسته قاسملو سرهنگ فراری قادری و کمال دباغی با افسران مزدور عراق ملاقات و گفتگو داشته اند. همچنین در منطقه "هانی گرمه" مریوان نیروی بعضی با حمایت سپاه مزدور زرگاری منطقه ای را به اشغال خود درآورده اند. اکنون بیش از یک ماه است که درگیری های پراکنده ای در مناطق بیساران، زرزیه، "درکی" و "دمه یو" بین افراد قاسملو و سپاه زرگاری ادامه دارد که عموماً ریشه در رقابت بر سر حاکمیت منطقه برخوردارهای عشیرتی و غارتگری جهت به دست آوردن سلاح و مهمات دارد. در این درگیری ها عناصر وابسته به کومه له نیز شرکت داشته اند. در منطقه "سرشیو" سفر سرگرد کریم علیار به عنوان مسئول منطقه انتخاب گردیده. او پس از انتخاب شدن در مقام جدید، مرتب در سخنرانی هایش از اختیار و ارتش آزادیبخش ایران - که از افسران مزدور وابسته به رژیم سابق تشکیل شده - طرفداری می نماید!

بقیه از صفحه ۱۸

پیرانشهر، سردشت

مردم آواره پیرانشهر کمابیش به شهر بازگشته اند اما رفتار ناهنجار برخی مسئولین از جمله فرماندار جدید، بازگشت مردم به زندگی عادی را با مشکلاتی مواجه ساخته است.

سردشت و روستاهای اطراف آن را در روزهای گذشته شاید بتوان از پر مصیبت ترین مناطق کردستان به حساب آورد. علاوه بر محاصره اقتصادی عمومی کردستان دارودسته قاسملو از مدت ها قبل راه ورود اندک مایحتاج عمومی را نیز از طریق جاده های منتهی به شهر بسته اند. آنها چندین هفته است که توپ های عراقی خود را روی پادگان و شهر تنظیم کرده اند که در نتیجه گلوله باران شهر، تعدادی از مردم غیر نظامی به شهادت رسیده اند. افراد قاسملو به مردم سردشت اخطار کرده اند که باید شهر را تخلیه نمایند. در مقابل فرماندار سردشت طی اطلاعیه ای به روستاهای اطراف اعلام نموده که منازل خود را تخلیه کرده، به شهر بیایند و گرنه پس از تاریخ ۸ آذرماه روستاهای مذکور کوبیده خواهند شد. در پایان این مهلت چهار فرزند فانتوم در منطقه به

در جریان برگزاری پلنوم اخیر کمیته مرکزی، دارودسته قاسملو، میان شرکت کنندگان اختلاف نظرهایی بروز کرده است. که در نتیجه چند نفر از مسئولین اصلی استعفا داده اند. این افراد با سیاست قاسملو دایر بر نزدیک شدن به رژیم صدام و باندهای ضدانقلابی منطقه مخالفت دارند. دارو دسته قاسملو در ادامه سیاست های ضدانقلابی خود هر روز با بن بست های بیشتری مواجه می گردند. آنها در ادامه همکاری های نزدیک و همه جانبه خود با رژیم ضد مردمی صدام "سید رسول دهقان" معروف به "سید رسول بایی گوره" که در وابستگی شدید وی به رژیم صدام از گذشته شکی نبود، را به فرماندهی کل عناصر مسلح خود انتخاب کرده اند. در هفته های گذشته داریوش فروهر از جانب بنی صدر بدون اطلاع دولت مخفیانه به منطقه پیرانشهر و سردشت آمده بود. وی در گفتگو با دبیر کل قیاده، موقت، دکتر علی عبدالله گفته است که "من از طرف رئیس جمهور به منطقه آمده ام، ما همگی از کارهایی که در کردستان صورت می گیرد، مطلع هستیم اما هیچ کاری از دستمان ساخته نیست. و حتی عده ای از طرفداران بنی صدر و خود بنی صدر را نیز خطرات بسیار جدی تهدید می کند. گروهی در پی از میان برداشتن وی می باشند... دارودسته قاسملو اخیرا تبلیغات شدیدی علیه قیاده موقت در منطقه به راه انداخته اند. این تبلیغات بدون شک هدایت شده از جانب رژیم صدام است تا زمینه سرکوب آنها را توسط افراد قاسملو در منطقه فراهم آورد. نیروهای قیاده هم اکنون در مناطق بین اربیل و کرکوک و موصل و چند نقطه مرزی درگیر جنگ با رژیم صدام می باشند. پس از نزدیک به دو ماه،

پرواز درآمدند و به طرز وحشیانه ای روستاهای حذر آوا، میر آوا، چهکو، واولان لیو و هرمز آوا را بمباران کردند. در نتیجه این بمباران ها تعدادی از مردم شهید و زخمی شدند. و خسارات مالی بسیاری به بار آمد. مردم روستاهای اطراف پس از این بمباران روزها جرات ماندن در خانه و کاشانه خود را ندارند. و در سرمای منطقه سردشت، در میان جنگل و کوهستان خود را پنهان می کنند. بمباران و گلوله باران مناطق مسکونی کردستان و کشتار مردم بی دفاع و رحمتکش نتیجه ای جز تقویت ضد انقلاب در منطقه ندارد و دست های مشکوکی که این سیاست را برای حل مشکل کردستان تجویز می کنند، نمی تواند مدافع دستاوردهای انقلاب مردم ایران باشد. فرماندار سردشت که در ضمن فرمانده سپاه پاسداران نیز هست، در این اوضاع اسفناک هر روز با تهدید مردم بلا کشیده سردشت را به تظاهرات دعوت می کند و فضای اختناق آمیز شدیدی در شهر حاکم گردانیده است که تاثیر منفی این اعمال در روحیه مردم کمتر از بمباران روستاها نیست.

بقیه از صفحه ۳

تجارت خارجی

مراتب بیشتر و اثرات آن به مراتب گسترده تر و شدیدتر است و نه همین دلیل سود حاصل از آن نیز افزون تر است. بدون تردید اینک بیش از هر زمان دیگر اهمیت ملی کردن تجارت خارجی که در اصل ۴۴ قانون اساسی بر آن تاکید شده، اما حکومت جمهوری اسلامی تاکنون از انجام آن تعلل ورزیده است. آشکار می گردد. در شماره های بعد به نقش عمده فروشان و کارخانه داران در افزایش قیمت ها و فشار بر کسبه و تولید کنندگان خود می پردازیم تا با ابعاد و بویاگر عملکرد بازار و تجارت خصوصی، بیشتر آشنا شویم.

قیمت ها در آینده وجود دارد) احتکار، که چیزی جز تنظیم عرصه به وسیله انحصارات برای تأثیر گذاری بر قیمت کالا در بازار نیست افزایش خواهد یافت. حال ممکن است احتکار کالا در اسارهای اختصاصی تجار بزرگ صورت گیرد یا به تعویق انداختن کار ترخیص کالا از گمرکات، یا با هزار و یک حيله و کلک مرسوم دیگر در تجارت، مسئله یکی است و آن تنظیم عرضه کالاهای وارداتی به بازار است. این احتکار است. این روش همیشگی عملکرد انحصارات است. در زمان جنگ سود حاصل از احتکار به مراتب بیشتر از زمان های دیگر است، به این دلیل در این شرایط میزان احتکار به

طبقه کارگر رزمنده ایران در

بقیهاز صفحه ۱۱

«مکتبی کردن»

بقیهاز صفحه ۱۳

نباشد ، مسئولین می‌توانند به تشخیص خود از رفتن معلمان به کلاس جلوگیری کنند

مقامات حکومتی در تهران و شهرستان‌ها ، عده‌های آگاهانه و عده‌های ناآگاهانه مصالح انقلاب را نادیده می‌گیرند و در برابر احکام کمیسیون اصل ۹۰ ، دستور آقای رجایی و وزیر مشاور آقای بهزاد نوی و نصایح نمایندگان دوراندیش و مترقی مقاومت می‌کنند به سخنان ایشان توجه کنید که چگونه در برابر منافع انقلاب سهل‌انگارانه برخورد می‌کنند و به گسترش میدان عمل عوامل پهلوی و لیبرال‌ها یاری می‌رسانند :

خوشنویسان مدیرکل آموزش و پرورش استان تهران دوشنبه ۵ آبان اعتراف می‌کنند : من قبول دارم کار غیرقانونی کرده‌ایم و به هر جا می‌خواهید شکایت کنید "

آیت‌الله مدنی اظهار داشته است که اگر معلمان متعهد و طرفدار انقلاب به سر کار برگردند " من دیگر نماز نمی‌خوانم " و نیز مسئول آموزش و پرورش آبیگ قزوین در برابر حکم بازگشت معلمین متعهد به سر کار به شیوه‌ای غیر منطقی و لجوجانه کارشکنی می‌کند

این اقدامات به آنجا انجامد که مجلس شورای اسلامی کمیسیونی را تحت عنوان " کمیسیون اصل ۹۰ " مامور رسیدگی به این کار کرد و این کمیسیون طی نامه‌ای به نخست‌وزیر که در زیر مشاهده می‌کنید اعلام **مطلقا**

غیرقانونی بودن تصمیمات هیئت‌های پاکسازی را از نخست‌وزیر طلب کرد . از نخست‌وزیر و وزیر مشاور او ابلاغیه‌ای دایر بر غیرقانونی بودن اقدامات این هیئت‌ها و تأیید نظر کمیسیون اصل ۹۰ را به تمام دستگاه دولتی ابلاغ کردند . علیرغم این دستور مسئولین حزب جمهوری اسلامی بر اجرای این سیاست غلط اصرار دارند . مثلا آقای غلظت‌زاده (یکی از مسئولین دفتر بررسی و ارشاد) که در جریان پاکسازی قرار دارد ، در اجتماع دوشنبه ۱۲ آبان معلمان اخراجی متعهد در فرهنگستان بر سیاست آناشیک گذشته چنین صحنه می‌گذارد :

ممکن است در پاکسازی‌هایی که شده اشتباهاتی شده باشد . ولی پاکسازی به دلیل نبودن محل قانونی، تنها متوقف شده ، تا لایحه از مجلس بگذرد نه اینکه دیگر بطور کلی متوقف شده باشد . حتی اگر لایحه‌ای قانونی برای پاکسازی

کارخانه هر ماهه ، دوروز از حقوق خود را به حساب هلال‌احمر واربر می‌نمایند . کارگران کارخانه سیمان تهران یک روز حقوق و کارگران شرکت ملی فولاد دو روز از حقوق ماهیانه‌شان را به جبهه فرستاده‌اند .

کارکنان گروه صنعتی بهشهر مقدار زیادی کمک‌های جنسی از قبیل ۱۴۵ سته قند و ۹۰ کیلو جای ۱۳۰۰ متر کراس ، دو کارتی دارو ، ۱۹۵ حلب روغن و مقداری صابون از طریق جهاد سازندگی به مناطق جنگ‌زده ارسال داشته‌اند . در بالایشگاه تهران کارگران این واحد که بطور سالیانه لباس گرم و کفش دریافت می‌کرده‌اند ، اسمال لباس‌ها و کفش‌های خود را از طریق شورای کارخانه به مناطق جنگ‌زده فرستاده‌اند و از همه مهمتر آنکه ، امروز طبقه کارگر ایران در عرصه کار و در جبهه تداوم تولید نیز ، نقتی سترگ و تاریخی در پاسداری از انقلاب و استقلال مبین برعهده گرفته است . نفسی که ابغای آن مستلزم بیگیری درنگ‌ناپذیر علیه توطئه‌های اخلاک‌گرا نه امپریالیزم و ضدانقلاب داخلی در امر تولید بوده و تضمینی جز مبارزهای همد جانبه برای نوسازی صنایع و بی‌ریزی اقتصادی مستقل و شکوفا ندارد .

جنسی - شرکت فعالانه کارگران در امر تدارک و محتاج ضرور برای رزمندگان جبهه و هم‌میهنان جنگ‌زده از طریق ارسال کمک‌های نقدی و جنسی ، علیرغم فشارهای اقتصادی روزافزونی که کارگران متحمل می‌شوند ، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است . کارگران و کارمندان کارخانه مرودشت یک روز حقوق خود را به جنگ‌زدگان غرب میهن اختصاص دادند کارگران کارخانجات تکنوایس ملعی معادل هزینه یک هفته ناهار و یک روز حقوق‌شان را جهت کمک به مناطق جنگ‌زده ارسال داشتند . کارگران بالایشگاه شیراز ضمن اعلام آمادگی هم‌جانبه‌شان به رزمندگان جبهه ، یک روز حقوق‌شان را در اختیار جهاد سازندگی برای کمک به جنگ‌زدگان قرار دادند . کارگران راه‌آهن تهران (۲۷۰۰) نیز بر پایه غدای روزانه‌شان را حذف نموده و تا اطلاع ثانوی به هم‌میهنان جنگ‌زده اختصاص می‌دهند . کارخانجات خلیج مرکزی ۲۷۱۰۰۰ ریال و ۱۸ نخته پتو از طریق جهاد سازندگی به جبهه ارسال داشتند . کارکنان شرکت البیاف مبلغ ۱۷۶۴۴۸۱ ریال به مناطق جنگ‌زده ارسال کردند ، شورای کارخانه درخشان اعلام کرد که کارکنان این

بدکی مورد نیاز نیروهای مسلح اعلام داشته‌اند ۱۱۶ تن از کارگران کارخانجات صنعتی ایران با سیوال با اعلام داوطلبی خود جهت تعمیر خودروهای نیروهای مسلح به غرب میهن اعزام شده‌اند . اتحادیه فلترتاشی و ماشین‌سازی اعلام کرده است که اولین گروه متخصص برای اعزام به مناطق جنگی کشور را نجمیر و تدارک دیده است

همچنین بدیال اعزام تعدادی از کارگران فنی و مکانیک‌های ماشین‌های سنگ و سنگی به اهواز که قبلا از سوی کانون شوراها انجام گرفته است اخیرا نیز ۱۶ تن دیگر از کارگران ریخته‌گر برفکار ، باتری‌ساز و مکانیک ماشین‌های سنگین به جبهه اعزام شده‌اند . ۴۰ تن از تعمیرکاران فنی شرکت واحد جهت ترمیم و بازسازی وسایل نقلیه به جبهه اعزام گشته‌اند . ستاد بسیج ، اعلام داشته است که ۲۷ نفر جوشکار ، مکانیک و نقاش اتومبیل به همراه ابزار و وسایل لازم از سوی این ستاد به اهواز اعزام شده‌اند کارگران ایران باس (تولید کننده وسایل لاستیکی از قبیل سیلنگ و ...) هم اکنون با تغییر خط تولید ، لاستیک خودروهای جنگی را تولید می‌کنند . ۵ - کمک‌های نقدی و

بقیهاز صفحه ۱۴

تنها مصلحت در برابر لیبرال‌ها

داشته باشیم . اکنون آشکار است که باید صف دوستان و دشمنان را از هم تفکیک کرد ، دموکرات‌های فریب‌خورده را از لیبرال‌ها جدا کرد و افشاء و انفراد لیبرال‌ها و دیگر سازشکاران و دشمنان انقلاب مردم میهنمان را پیگیرانه‌تر از همیشه به پیش‌رانند و مهمتر از همه میان تمامی نیروهای صدام‌پرالیست ، دمکرات و انقلابی هرچه بیشتر اتحاد عمل پدید آوریم تا متحدان شتاب انقلاب شکوهمند خلق‌های ایران را افزونتر سازیم .

نپرداختیم ؟ همانگونه که واقعیات تا این زمان بر بسیاری از نظرات نادرست مهر بطلان زده است در آینده نیز نظرات درست را مورد تأیید قرار خواهد داد . تنها کافی است که چشمی برای دیدن ، گوشی برای شنیدن و قلبی برای طپیدن در راه منافع خلق

ایمان دفاع می‌کردند ما درست به دلیل افشاء چهره همین عناصر تحت شدیدترین فشارها قرار نگرفتیم ؟ مگر ما همان زمان که بازرگان بر اریکه قدرت نشسته بود و ستارگان آسمان سرمایه و زمین‌داری در همه مجامع به لجن‌پراکنی مشغول بودند به افشای اینان

امپراتظام‌ها و مدنی‌ها برداخت ؟ آیا این یک حقیقت نیست که موضع صریح سازمان ما علیه خلق مسلمانی‌ها و مراجع طرفدار آنان نقشی فاطمی در افشاء و طرد آنان داشته‌اند ؟ مگر آن زمانی که بسیاری از نیروهای " خط امام " از

مبارزات خویش برای رهائی خلق‌ها شمارند " ! بی‌گمان می‌توان رد پای پاره‌ای از همان خصلت‌ها را در این قضاوت نا عادلانه و غیرواقعی مشاهده کرد باید پرسید نیروهای اصیل ضدامپریالیست و در راس آنها نیروهای اصیل هوادار طبقه کارگر کدام سهل‌انگاری یا کدام کوتاهی را در افشاء این ستون پنجم و پیکار با آن از خود بروز داده‌اند ؟ مگر سازمان ما ، نخستین سازمانی نبود که به معرفی و افشاء قطب‌زاده‌ها، نزیه‌ها ، مقدم مراغه‌ای‌ها

گسسته باد همه وابستگی‌های اقتصادی ، سیاسی ، نظامی و فرهنگی با امپریالیسم جهانی بسر کردگی امپریالیسم امریکا



گزارشی از:

درگیری های لاهیجان

جمعه - عصر روز جمعه ۱۴ آذرماه ۵۹ در یکی از روستاهای نزدیک شلمان از توابع لنگرود بین سپاه پاسداران و هواداران سازمان مجاهدین خلق برخوردی روی داد که طی آن چندین نفر مصروع می شوند و یکی از مجروحین که از ناحیه ران گلوله خورده بود از بیمارستان لنگرود به بیمارستان لاهیجان انتقال می یابد.

در این هنگام هواداران مجاهدین خلق از قصیه مطلع شده و به سمت بیمارستان شهر سرازیر می شوند. آنها پس از ورود به بیمارستان به سمت رادیولوژی و اتاق عمل می روند و در صدد برمی آید تا با دوربین عکاسی از مجروح عکس بگیرند. در این اثنا سپاه لاهیجان به بیمارستان آمده و ضمن درگیری با هواداران مجاهدین یک نفر از آنان را دستگیر می کند.

شنبه - جمعیت بیشتری از هواداران مجاهدین جلوی بیمارستان جمع می شوند و تعدادی از نیروهای خط ۳ نیز با آنها هم صدا می شوند. در این هنگام جمعیت مطلع می شود که مجروح شهید شده است و یزشک قانونی علت فوت مجروح را خونریزی بیش از حد و کم کاری و مسامحه مسئولان بیمارستان لنگرود می داند و در ضمن معتقد است که خون دیر به بیمار تزیق شده است. شایع است که سپاه نوشته پزشکی قانونی را پاره کرده است. خانواده شهید سیز برای گرفتن جسد جلوی بیمارستان می آیند.

ساعت ۱۱ شب - نزدیک ساعت ۱۱ شب حدود ۳۰۰ نفر از شهرهای لنگرود، رودسر و رشت به شهر لاهیجان هجوم می آورند و شروع به راهپیمایی می نمایند شهر کاملاً خلوت و در عین حال هیجان زده است. کریمی و قربانی با ایستاد سخترانی های متعدد برای جمعیت تحریک شده، آنها را برای تهاجم به افراد خانه ها تشویق می نمایند. کریمی و قربانی در سخنان خود سعی می کنند جمعیت برانگیخته را علیه مجاهدین و سیز علیه فدائیان تحریک کنند.

بدنبال سخترانی های کریمی و قربانی جمعیت گرد آمده به چند دسته تقسیم می شوند و هر یک به سمت مطبوعاتی های شهر هجوم می آورند و در ساعت ۱۲/۲۰ به دفتر پیشگام شهر یورش آورده و آن را به اصطلاح تسخیر می کنند. همچنین در ساعت ۱۲ و ربع نیمه شب به خانه علاء کوشالی کاندیدای کریمی که دارای سوابق طولانی در ایجاد نفاق و

ک ستاره ۱۰۰۰ ریال رسید	د	م	ف	س	ع	آ و الف
رفیق راننده گریه ۹۱۹ هدیه شما رسید	۲۰۰۱	۶۲۰۰	۲۲۱۰	۱۰۰۰	۲۹۹۹	۶۷۸۹
غزل شیرازی ۵۰۰۰ ریال	۱۴۰۰	۳۶۲۳	۵۰۱۰۰	۴۹۱۷	۱۰۱۳۳	۲۴۴۴
کارگران سدسازی ۱۰۰۰۰ ریال	۶۱۸	۲۹۸۷	۵۲۱۰	۱۰۴۵	۸۲۳۷۷	۱۰۵۲۲
منتقد ۱۳۳ رسید	۱۱۳۳	۱۱۳۳	ق	۲۲۹۲	۱۱۰۰	۲۵۹۹۹
پیشگام دبیرستان آرم:	۸۷۱۲	۱۶۰۱	ق	۵۱۲۳	۹۴۴	۲۳۲۹
۳۸۰۰ ریال	۳۰۲۵۶	۶۱۱	ق	۱۲۲۰	۱۲۲۲	۵۰۱۱
یکی از هواداران شهری	۱۰۰۰۰	۳۰۲۰	ق	۱۹۵۵	۱۳۷۷۷	۲۹۰۰
پیشگام دبیرستان شهزاد	۱۰۱۳۵۷	۳۰۲۵	ق	۱۰۰۲۲	۱۲۲۲	۵۰۲۵۰
۱۰۰۰۶ جمعی از کارگران بازار:	۱۳۵۰۹	۴۰۳۹	ق	۱۰۰۲۲	۶۰۰۲	۳۳۳۳
۸۰۰۰ ریال	۳۱۱۸	۲۰۱۷۴	ق	۱۰۲۳	۲۹۹۹	۲۹۰۰
پیوند ۷	۱۰۴۴۴	۳۲۳۷	ق	۲۶۰۱	۱۳۰۰۰	۴۴۴۴
دبیرستان راهنمایی نظام مافی	۳۱۱۵	۵۸۲۱	ق	۲۵۵۵	۱۵۲۲۲	۱۰۱۰۰
۱۲۵۰ ریال	۱۰۴۴۴	۳۰۱۲۴	ق	۸۴۴۲	۹۸۹۴	۵۰۱۹۲
دبیرستان آگاهی ۱۳۰۰ ریال	۶۱۲۳	۱۰۱۰۹	ق	۷۷۵۰	۲۲۹۹	۲۰۰۰
چوانان پیشگام شایسته:	۱۸۲۱	۴۰۵۱	ق	۹۱۰۰	۱۳۰۰۰	۱۰۱۳۰
۱۵۰۰۰ ریال	۶۱۷۰	۳۵۲۵	ق	۱۰۲۲۲	۱۵۲۲۲	۱۰۱۰۰
سورین از کرج ۱۰۰۰ ریال	۲۰۶۸	۲۰۰۱	ق	۱۱۶۹	۲۱۱۵	۱۲۴۰
رفیق کارگر الف - میانه هدیه شما رسید	۳۱۹۰	۴۰۰۹	ق	۲۴۰۰	۲۱۱۵	۵۲۷۴
رفیق هایده هدیه شما رسید	۵۱۲۳	۵۱۱۹	ق	۱۸۹۸	۱۰۴۰۰	۲۱۲۱
چوانان مبارز روستای شوک:	۳۳۰۴	۱۰۲۲۲	ق	۱۵۵۲	۱۰۴۰۰	۷۱۰
۱۰۰ تومان	۱۲۵۵۵	۱۰۴۲	ق	۱۰۴۲	۱۰۴۰۰	۳۵۲۱
۲۹ آبان - ن	۵۱۳۰	۱۰۴۲	ق	۱۸۳۰	۱۰۴۰۰	۲۰۰۰۲۵
۱۰۰۰ ریال	۴۰۹	۱۰۱۷	ق	۳۲۰۰	۱۰۴۰۰	۱۰۳۲
بهشهر پیشگام دخترانه:	۴۰۱۰	۳۰۹۲	ق	۳۱۹۹	۱۰۴۰۰	۷۱۰۶
رفیق کیهان الف دانش آموز	۲۲۷۱	۱۰۵۴۷	ق	۱۵۰۲	۱۱۰۰	۵۰۲۵
خردسال ۲۰۰ ریال همراه با	۶۳۲۳	۲۲۲۲	ق	۱۵۰۲	۲۰۲۸۴	۱۰۱
طرح آرم سازمان رسید	۱۳۱۶۶	۱۰۱۹	ق	۱۵۰۲	۲۶۴۱۷	۱۵۰
دکه داران هوادار ۳۰۰۰	۳۱۲۳	۵۰۱۵	ق	۲۵۰۰	۱۰۴۰۰	۱۵۰۱۹
هدیه آتور ۴۰۰۰	۳۱۹۰	۵۰۱۵	ق	۲۶۰۰	۱۰۰۰۲	۲۴۵۰
ب غزال ۱۴۰۰۰	۳۱۹۰	۵۰۱۵	ق	۲۶۰۰	۱۰۰۰۰	۲۰۲۸۴
فهیبه مدرسه راهنمایی	۵۲۰۰	۵۰۱۵	ق	۲۶۰۰	۱۰۰۰۰	۴۵۵۵
ایراندخت ۵۰۰	۵۲۰۰	۵۰۱۵	ق	۲۶۰۰	۱۰۰۰۰	۱۶۲۵
کمپته نریمیا خرمشهر،	۱۵۰۰	۵۰۱۵	ق	۲۶۰۰	۱۰۰۰۰	۳۲۰۵
هدیه رفیق سیروس ۲۰۰۰	۱۵۰۰	۵۰۱۵	ق	۲۶۰۰	۱۰۰۰۰	۲۰۲۲۲
پیشگام انارک ۱۸۰۰ ریال	۲۰۰۰	۵۰۱۵	ق	۲۶۰۰	۱۰۰۰۰	۲۰۲۲۲
ش، و ۴۴ ب	۲۰۰۰	۵۰۱۵	ق	۲۶۰۰	۱۰۰۰۰	۲۰۲۲۲
رفیق یاشار طرح های شمارسید	۲۰۰۰	۵۰۱۵	ق	۲۶۰۰	۱۰۰۰۰	۲۰۲۲۲
کارگر بنا ۲۰۰۰	۲۰۰۰	۵۰۱۵	ق	۲۶۰۰	۱۰۰۰۰	۲۰۲۲۲
نسرین از مشهد ۵۰۰	۲۰۰۰	۵۰۱۵	ق	۲۶۰۰	۱۰۰۰۰	۲۰۲۲۲
پیشگام خانه صنعت ۲۰۰۰ ریال	۲۰۰۰	۵۰۱۵	ق	۲۶۰۰	۱۰۰۰۰	۲۰۲۲۲
پیشگام رهنا ۱۳۰۰ ریال	۲۰۰۰	۵۰۱۵	ق	۲۶۰۰	۱۰۰۰۰	۲۰۲۲۲
پژمان ۱۰۰۰۰ ریال	۲۰۰۰	۵۰۱۵	ق	۲۶۰۰	۱۰۰۰۰	۲۰۲۲۲
دوست کوچولو قلک تو رسید	۲۰۰۰	۵۰۱۵	ق	۲۶۰۰	۱۰۰۰۰	۲۰۲۲۲
ب ۵ ککها رسید	۲۰۰۰	۵۰۱۵	ق	۲۶۰۰	۱۰۰۰۰	۲۰۲۲۲
م ف هدیه شما رسید	۲۰۰۰	۵۰۱۵	ق	۲۶۰۰	۱۰۰۰۰	۲۰۲۲۲
م ع معلم هدیه شما رسید	۲۰۰۰	۵۰۱۵	ق	۲۶۰۰	۱۰۰۰۰	۲۰۲۲۲
م هدیه شما رسید	۲۰۰۰	۵۰۱۵	ق	۲۶۰۰	۱۰۰۰۰	۲۰۲۲۲
گفتار ۵۲۰۰ ریال	۲۰۰۰	۵۰۱۵	ق	۲۶۰۰	۱۰۰۰۰	۲۰۲۲۲

بقیه در صفحه ۲۲

بقیماز صفحه ۲۴

اعدام فدائی خلق

((محمود آبخو)) . . .

چهره مصمم و فعال "محمود" برای اکثر اهالی محلات آبادان آشنا بود. او به ویژه پس از واقعه سینما رکس آبادان، یکی از گردانندگان و فعالین تظاهرات آبادان و بسیج جوانان شهر علیه رژیم جنایتکار شاه بود. محمود پس از انقلاب نیز، لحظه‌ای از افشای چهره سازشکاران و همچنین روشنگری زحمتکشان غافل نبود. بخصوص رفیق در اشاعه و ترویج نظریات سازمان (اکثریت) درباره صلح در کردستان و نیز مقابله با تجاوزگران عراقی با تمام توان خود می‌کوشید. وقتی جنگ تحمیلی آغاز شد، او با پیروی از رهنمودهای سازمان خود در شهر آبادان باقی ماند و مصمم و پرخروش به دفاع از میهن خود پرداخت. محمود در همان شروع جنگ به اتفاق گروهی از رفقای خود، در شورای دفاعی محله خیابان عروسیه (گلوب هندی‌های سابق) شرکت کرد و کار نگهبانی و دفاع از شهر را به عهده گرفت. او به زودی به خاطر فعالیت پرشور و جانبا زندهاش مسئول کمیته تدارکاتی شورا شد و توسط فردی به نام "حاجی خرم‌روز" عضو شورای دفاعی محله و معتمد محل مسلح گردید. او در ازای دریافت یک قبضه ژ-۳ رسید داده و رسماً نام او جزو تحویل گیرندگان سلاح ثبت شده بود.

روز جمعه ۲۵ مهرماه ۵۹ در حالی که خرمشهر به رزمگاه خونین مبدل شده بود، رفیق با سلاح دریافتی خود به جبهه خرمشهر شتافت و همراه با سایر رزمندگان قهرمان در نبرد با دشمن شرکت کرد. روز بعد، صبح شنبه که رفیق مجدداً عازم جبهه بود در حوالی ایستگاه ۱۲ توسط پاسداران که به چگونگی مسلح بودن او مشکوک شده بودند دستگیر و روانه زندان می‌شود در همان روز حکم اعدام رفیق محمود آبخو توسط حجت‌الاسلام اراکی، حاکم شرع صادر و صبح روز یکشنبه ۲۷ مهرماه در گورستان شهر

رفیق به جوخه اعدام سپرده می‌شود. محمود به هنگام اجرای حکم مانع بستن چشمانش می‌شود و در آخرین لحظات زندگی انقلابی‌اش فضای گورستان را با فریاد "مرگ بر آمریکا - درود بر فدایی" شکوه می‌بخشد. رفیق با چشمانی باز، در حالی که گوئی به سرنوشت جنایتکاران خیره است، در همان گورستان، دور از حضور بستگان و رفقاییش به خاک سپرده می‌شود. این اولین جنایتی نیست که توسط حکام جنایتکار به اجرا در می‌آید. دشمنان کوردل و مرتجع انقلاب مدتهاست که این اعمال مخرب و هولناک را علیه انقلاب آغاز کرده و بیشترین آب را به آسیاب امپریالیسم ریخته‌اند. دولت جمهوری اسلامی و مقامات مسئول با سکوت خود در برابر این جنایات، در تکرار و ادامه آن سهیم‌اند و باید پاسخگوی این تبهکاری‌های ناجوانمردانه باشند.

عشق فدائیان خلق و زحمتکشان به میهن انقلابی عظیم‌تر از آن است که اعمال تبهگاران این عناصر مرتجع که فقط با جنایات خود به امپریالیسم و دشمنان انقلاب خدمت می‌کنند کوچکترین تردیدی در دفاع از انقلاب در دل آنها راه دهد. فدائیان همواره خواهان استقلال و آزادی میهن‌اند و هرگز تسلیم توطئه‌هایی که دشمنان مرتجعین جنایتکار مجری آن هستند، نخواهند شد. و این خود نشان می‌دهد که فدائیان تا چه حد در دفاع از آرمان والای طبقه کارگر و در دفاع از استقلال میهن، استوار، فداکار و تنزل ناپذیرند. ما از مسئولان حکومت جمهوری اسلامی مصراً می‌خواهیم که موضع خود را در قبال این جنایت‌بی‌شمانه روشن کنند. به اعتقاد ما هرگونه سکوت مسئولان حکومت به مفهوم تشویق و ترغیب جنایتکاران است.

بمناسبت دومین سالروز حادثه پادگان لویزان

گرامی باد خاطرۀ سربازان جان برکف انقلاب

تحریم کنند برای ادامه تصفیه انقلابی فرماندهان آمریکائی، دموکراتیزه کردن ساخت ارتش و تشکیل انجمن‌ها و شوراهای سربازان درجه‌داران و افسران، قاطعانه مبارزه می‌کنند تا ارتش را که همواره ارگانی برای سرکوب مبارزات خلق ما و خلق‌های همسایه بوده است به ارگانی که مدافع و حافظ منافع انقلاب است تبدیل کنند. این تلاش انقلابی مورد حمایت مردم زحمتکش ایران و همه نیروهای انقلابی قرار دارد.

سازمان ما ضمن گرامی‌داشت خاطرۀ سرباز شهید ناصرالدین امیدی و درجه‌دار شهید اسماعیل سلامت‌بخش یاد همه سربازانی را که در راه خلق و در جبهه‌های جنگ بر علیه تجاوز امپریالیسم آمریکا و رژیم صدام به شهادت رسیده‌اند، گرامی می‌دارد. سازمان ما درودهای آتشین خود را تقدیم سربازان، درجه‌داران، همافران و افسرانی می‌کند که در جبهه‌های غرب و جنوب کشور برای استقلال و آزادی میهن پیکار می‌کنند.

کورکوران، وفاداری این فرزندان خلق را به انقلاب و مردم بارها به اثبات رسانید سربازان انقلابی و همافران قهرمان دوشادوش کارگران، دهقانان و دیگر زحمتکشان میهن بر علیه امپریالیسم آمریکا و دیکتاتوری شاه قیام کردند و در سرنوشت رژیم وابسته به امپریالیسم نقش بزرگی بر عهده گرفتند.

امروز نیز سربازان، درجه‌داران و افسرانی انقلابی و ضد امپریالیست در برابر تهاجم وحشیانه رژیم جنایتکار صدام که مستقیماً به نفع امپریالیسم آمریکا تمام می‌شود و علیرغم توطئه‌های خیانتکارانه برخی فرماندهان و محافل آمریکائی درون ارتش قهرمانانه از میهن و انقلاب خود دفاع می‌کنند. سربازان، درجه‌داران و افسران انقلابی تاکنون بارها شایستگی خود را در دفاع از انقلاب و خلق زحمتکش خود به اثبات رسانیده‌اند.

پرسنل انقلابی ارتش ضمن افشای بی‌امان نقشه‌های خائنانه لیبرال‌ها و دیگر جاسوسان امپریالیسم که می‌کوشند اطاعت کورکوران و سیستم آمریکائی ارتش را

در روز ۲۱ آذرماه سال ۵۷ (روز عاشورا) گروهیان دوم اسماعیل سلامت‌بخش و سرباز وظیفه ناصرالدین امیدی به ناهاخوروی افسران رژیم آمریکائی شاه در پادگان لویزان حمله کرده و فرماندهان مزدور ارتش را به رگبار مسلسل‌های خود بستند در این حرکت انقلابی و شجاعانه ۶۵ تن از مزدوران سرسپرده و آمریکائی کشته شدند و این دو پرسنل انقلابی نیز به شهادت رسیدند.

اقدام انقلابی این ارتشیان جان برکف که در اوج کشتار مردم دلیر ایران توسط فرماندهان نظامی ارتش آمریکائی شاه صورت گرفت، یکبار دیگر نشان داد که سربازان، درجه‌داران و افسران میهن‌پرست و انقلابی هیچگاه در کنار فرماندهان مزدور و وابسته به امپریالیسم قرار نداشته و شریک جنایات وحشیانه آنها نبوده‌اند. قرار دسته‌جمعی سربازان و درجه‌داران از ارتش سرکوبگر آریامهری و پیوستن به صفوف خروشان خلق، در طول انقلاب، سرپیچی آنان از دستورات فرماندهان ضد خلقی و اجرا نکردن اطاعت

بقیه از صفحه ۱۲

شهادت کارگر . . .

شورزندگی و عشق به زیستن بی‌تی از هر زمان در او بیدار گشت، با پیگری خونین به تلاش برخاست، مسافت زیادی سیمخیر خود را به جلو کشید. خورسری شدید او را بی‌پوش ساخت. بعد از چند ساعت، یک استوار او را در بیابان پیدا کرد و به بیمارستان ارتش در اهواز منتقل کرد. مسئولین بیمارستان او را که در واپسین لحظات زندگی بود، پذیرفتند، استوار او را به بیمارستان دیگر منتقل کرده و یک ربع بعد در آنجا به شهادت رسید.

در میان شلیک توپ‌ها و خمپاره‌ها که از جبهه اهواز به گوش می‌رسید، او را به خاک سپردند. کارگران و سربازان

یادش گرامی باد

بقیماز صفحه ۲۱

گزارشی از: . . .

مجاهدین خلق و عضو مستعفی شورای شهر حمله می‌برند. صبح روز بعد از طرف مسئولین شهر مردم دعوت به راهپیمایی شده و مبادرت به تعطیل بازار می‌کنند. در این روز از شهر رشت و دیگر نقاط دسته‌های مردم تحریک شده که در میان آنان اوپاش نیز دیده می‌شوند در شهر لاهیجان آورده می‌شود. این دسته‌ها به شکل‌های مختلف به جوانان شهر یورش می‌برند و پس از مضروب ساختن آنان به دستگیری جوانان شهر مبادرت می‌ورزند. طبق آخرین اخبار رسیده

وضع شهر همچنان متشنج است و تاکنون تعدادی از هواداران نیروهای ترقیخواه از جمله هواداران سازمان ما دستگیر شده‌اند.

پاسخ به هواداران

برای دست باپی به سهم سسر بوده است. اس روزواری می خواهد که عود واسکی افتحادی. ساسی امیرالیسلم در حامعه ما قطع کرد. مضمون تفاوت سی صدر و بازرگان و مرکبها بر این ناه قابل توضیح است. بازرگان سمام کونس خود را بر اس سدول می داشتکد ععود امیرالیسلم جهایی به سرکردگی امیرالیسلم آمریکا در مهب ما به گونه ای تنظیم شود که ععود روزواری لیسرال از آن سترس سود را عاعد خود کرداند و سهم بسنری از عرب امیرالیسلمها به حب او سراربر بود.

سی صدر به سطم رابطه با امیرالیسلم به گونه ای می اندشد که به روزواری ملی امکان رشد مستقل را بدهد و نمای مافع ناسی از استنار و بهره کشی سرمایه دارانه از کارگران و زحمتکشان ایران را به حب این روزواری سراربر کرداند. اما هرگاه جس خط ساسی بر حکومت غلبه یابد و تنبیب سود و ادامه یابد، بطور احتسابناپذیر به بدیرس سلطه امیرالیسلم ختم خواهد شد. به این ترتیب است که ساسیهای روزواری ملی در تحلیل سهایی به همانجائی می رسد که بازرگان و شرکا، در حال، خواستار آنند.

ج ۲ و ۴: مفهوم است که هر نیروی اجتماعی از استقلال و آزادی مفاهیم خاصی را در نظر دارد و مافع معینی را دنبال می کند. طغه کارگر که سازمان ما ساسر مافع آن است نه تنها قادر است استقلال را برای مهب، معی همه افشار و طبقاتی که در جسمه اغلاب هستند تامیس کند، بلکه قادر است آزادی و سعادت همه نیروهای جامعه را به معنی واقعی آن و در شکل سودی هرگونه ستم و بهره کشی طبقاتی تامیس نماید. مراد سی صدر از آزادی - آزادی بهره کشی روزواری ملی از کارگران و زحمتکشان خودی است. مراد او از استقلال، استقلال این روزواری از انحصارات امیرالیسلمی در بهره کشی سرمایه دارانه از نیروی کار خودی است.

باید توجه داشت که نمایندگان سیاسی طبقات اجتماعی ممکن است تحت تاسر نحولات سیاسی و گرایشات سیاسی طبقات دیگر قرار گرفته در شرایطی از مافع طبقاتی که ساسدگی آن را دارد عدول کرده و دفاع از مافع طبقات دیگر را برعهده گیرند.

در بسیاری از موارد استحاله نمایندگان سیاسی طبقات، ضمن برخورداری از مانه ازاء مادی و طبقاتی معین، به معنی استحاله خود طبقات نیست.

**پاسداران باید
به سلاح سنگین
مسلح شوند!**

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران (اکثریت)

ریاست جمهوری چرا چنین موضعی اعلام شده که بین بنی صدر و لیبرالها (بازرگان و شرکا) فرقی قائل هستید و اما اس این فرق در چیست؟

۴- آیا بنی صدر فقط به خاطر دفاع از آزادی و استقلال ایران از لیبرالها متمایز می شود؟ آیا آزادی و استقلالی که او از آن دم می زند همان نیست که خواهان روابط با امیرالیستهای اروپائی و ژاپنی می باشد که سرانجامش به مخاطره افتادن استقلال و آزادی است؟ آیا آزادی که بنی صدر درباره اش حرف می زند با آزادی که لیبرالها خواهان آنند، تفاوتی دارد؟ آیا این استقلال و آزادی که بنی صدر خواهان آن است، مورد تأیید سازمان می باشد؟

با دروذهای رفیقانه و با امید پیروزی سازمان - گروهی از سربازان هوادار سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اکثریت)

موضعگیری اوله سازمان نسبت به مضمون طبقاتی سیاستهای سی صدر بود. سائیراس سازمان مضمون طبقاتی سیاستهایی را که سی صدر حامل و نماینده آن است، متعلق به روزواری ملی ایران قلمداد می کند که دارای تمایلات ضد امیرالیستی و استقلال طلبانه است.

روزواری ملی، براساس تمامی تحارب موجود نیروی متزلزل و ناپایداری در انقلاب است. این نیرو زیر تاثیر فشارهای خارجی امیرالیسم و آرایش و توازن نیروهای طبقاتی درون جامعه، متناسب با ظرفیت طبقاتی - تاریخی خود، مستعد سازش با امیرالیسم و یا اتحاد با نیروهایی است که خواهان آنند که مبارزه علیه امیرالیسم جهایی به سرکردگی امیرالیسم آمریکا به یسری رانده شود.

سیاست طبقه کارگر در مقابل این نیروها در مرحله انقلاب دمکراتیک سیاست انتقاد و اتحاد است. ما می یابد با قاطعیت از سیاست سازشکارانه و متزلزل این نیرو انتقاد کنیم و جهت این انتقاد باید به گونه ای باشد که او را به بدیرس سیاستهای نیروهای دمکرات و انقلابی ارتقاء دهد نه آن که نیروهای رادیکال و طبقه کارگر را به تمکین از سیاستهای او تشویق نماید. در عین حال ما می یابد تا آجا که این نیرو توان قرار گرفتن در جبهه انقلاب را دارد، از پیوستن به دشمنان انقلاب ممانعت به عمل آوریم.

ضمنا سازمان برای مشخص کردن زمینه های مادی و عیبی وجود سیاستها و نگرشهای روزوا ملی در انقلاب ایران هم اکنون تحقیقاتی در دست دارد که نتایج آن در آینده اعلام خواهد شد.

ج ۲- روزواری لیبرال، که بازرگان و شرکا آنان را نمایندگی می کنند، آن بخش از روزواری ایران است که در ادامه واستگی جامعه به امیرالیسم آمریکا دارای علائق و مافع معینی هستند. مقابل این روزواری با بخش اعضای روزواری وابسته که دیکتاتوری شاه تامین انحصاری مافع آنان را به عهده داشت، برای قطع واستگی مهبی ما به امیرالیسم، نبود، بلکه

... تقاضا می کنیم به سئوالاتی که با خواندن سرمقاله کار شماره ۸۶ نحت عنوان "آقای رئیس جمهور، به خاطر استقلال و آزادی، لیبرالها باید افشاء و طرد بشوند" برای گروهی از سربازان طرفدار سازمان مطرح شده است، پاسخ بنویسید:

۱- ما می خواهیم که صریحا ماهیت طبقاتی بنی صدر روشن گردد. آیا او یک نیروی بینابینی است یا لیبرال؟ با توجه به عملکردهای او بعد از ریاست جمهوری.

۲- آیا بنی صدر واقعا مخالف دارودسته بازرگان و شرکا بوده و هست؟ چه دلیلی بر این گفتارتن دارید؟ آیا او راهی جدا و مخالف بازرگان و شرکا انتخاب کرده است؟

۳- در صفحه ۲ ستون دوم مطالبی که بیان شده است آیا نمایانگر این مطلب نیست که بنی صدر نیز یک لیبرال است؟ توضیح دهید که با توجه به تمام عملکردهای بنی صدر بعد از

رفقای سراز، سلام گرم و رفیقانه سازمانتان را بیدیدید. حضور فعال شما، فدائیان خلق (اکثریت) در جبهه های نبرد خلق با نوازگران بیانگر استواری و اعتماد عمیق انقلابیون کمونیست به رهائی خلقهای ما و سراسر جهان از یوغ امیرالیسم جهایی به سرکردگی امیرالیسم آمریکا است. جامسازی و فداکاری شما در راه مافع مردم بدون تردید در تحکیم پیوند ما با توده های مردم و گسترش ععود و اعتبار انقلابیون در نزد توده های میلیونی غشی عظیم برجای خواهد گذاشت و امر رهائی واقعی خلق را با گام های استوارتری تدارک خواهد دید.

پاسخ همه جاسه و دقیق به سئوالاتی که مطرح کرده اید محتاج فرصت بیشتر و بحث وسیع تری است. ما این همه ما می گوئیم که به نحت فشرده ای پاسخ در خور به سئوالات شما بنویسیم:

ج ۱: درک سازمان از ماهیت طبقاتی بنی صدر یا صحیح تر بیان کنیم، درک سازمان از محتوای طبقاتی سیاستهایی که بنی صدر نماینده و سخنگوی آن است، برمی گردد به تحلیلی که سازمان از ساخت طبقاتی جامعه دارد. شاید اطلاع داشته باشید که در بسیاری از تحلیلها (که نمی توانست به دلیل وضعیت عیبی و ذهنی تحلیلگران دقیق و به نحو همه جانبه ای علمی باشد) این اعتقاد اشاعه می یابد که یکی از نتایج تحولات جامعه به دنبال شکست نهضت ملی در کودتای ۱۳۳۲، استحاله کامل روزواری ملی ایران و وابسته شدن تمامی لایه ها و اقشار این روزواری است. بطوری که در تحلیل های گذشته سازمان - روزواری ایران تماما وابسته توصیف می شد و تنها به وجود بقایای روئانی (فرهنگی، ایدئولوژیک - سیاسی) روزواری ملی ایران تأکید می شد.

سازمان بر این موضع درست پای می فشرده که وجود آرمان های روزواری ملی و نمایندگان سیاسی آن می تواند بدون وجود نیروی مادی و عیبی به نام روزواری ملی امر درستی باشد. این موضع درست که حقایق تاریخی و مشخص فراوانی صحت آن را اثبات کرده است، اساس

پیروز باد مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقه ای ایران

می مانیم و در خون پیکار می کنیم

در دفاع از انقلاب، در دفاع از استقلال میهن و در راه آرمان پر افتخار طبقه کارگر، فدائیان خلق در سنگرهای سرخ مقاومت، در عرصه‌های تاریخ ساز خلق بزرگ ما، هر روز جان‌های غریبی را در راه انقلاب ستار می‌کنند.
خون پاک رفق، دشته‌ها و دره‌های میهن را گلگون می‌سازد و بنارت می‌دهد.
لائق‌آرکان سرخی را که ایران مستقل، آباد و دیمکراتیک فردی پیروزی زحمتکشان بر آن ستار می‌شود.

فدائیان خلق، رفقای شهید سنگرهای پیکار با تجاوزگران

- شهباز باقرزاده
- سید کوشش
- مرتضی دارابی
- علی مصفا
- محمد اسدالله نژاد رودینه
- کاظم عسدی
- وحید نیک بیسر
- اکبر فخور
- جواد گنجی
- خسرو کریمی
- عبدالحسین شاه میر
- علی حاتم زاده
- البرز یوسفی
- عبدالله سزادی
- محمد اسدالله نژاد رودینه
- رحیم فیضی
- امیر آقایی
- علی ابراهیمی
- غلام عباس بخرد
- پیرویز قنبری‌ها
- رحمت‌الله (امیر) اسفندیار پور
- اکبر بدلی (کارگر بیخرو)
- حیب‌الله فرجبخش
- محمد رضا آذربان
- محمد مهدی نیک اندام
- محمد قاسم فلاح نسکی
- جنسند پرحی زاده
- سهلا عسفغان زاده
- محمد حسین صدرآبادی
- عنایت‌الله رئسی

پیروز باد آرمان انقلابی رفقای شهید

مناسبت شصتمین سال شهادت میرزا کوچک خان نهضت جنگل قداوم پیکار برای استقلال و آزادی ایران

عدسال سبک انقلاب مشروطیت و در ادامه آن موجی از جسرها، سهننها و فام‌های انقلابی در سراسر ایران یدیدار شد که یکی از بزرگترین آنها جس جنگل د رهبری "میرزا کوچک خان" بود.

میرزا در سال ۱۲۹۸ هجری قمری در رشت د سا آمد و پس از گذراندن تحصیلات دبسی قصد آن را داشت که امام جماعت ما محتهد شود ولی در اثر اوضاع داخلی ایران و شروع جنگ جهانی اول، تفنگ به‌دوش گرفته و به جنگل‌های گیلان رفت و در مبارزات آرادخواهان این منطقه نفس سرگی را سرعهده گرفت.

زمینه اجتماعی جس جنگل، مبارزه استقلال طلبانه مردم ایران برای حفاط دستاوردهای انقلاب مشروطیت بود که یکی پس از دیگری توسط امپریالیست‌ها و ارتجاع داخلی به تاراج می‌رفت. انقلاب مشروطیت ما سازش بورژوازی و فئودال‌ها به نکست انحامید و محر به قدرت رسیدن فشر جدیدی نام "بورژوا - مملاک" ها یا مالکین سرمایه‌دار شد. این فشر به‌تنها مخالفتی با امپریالیسم داشت.

بقیه در صفحه ۱۶

اعدام فدائی خلق «محمود آبخو» لکه فنگ دیگری بردامن جمهوری اسلامی

مسئولان حکومت باید موضع خود را در قبال این جنایت روشن کنند

رفیق محمود آخو در حالی حکم حساب کارانه حاکم ترحم محاکمه این فدائی شهید که در جبهه خرمسهر علیه آادان به خوچه اعدام ازخار و عرب هر انسان متجاوزین مردور نعرافی سپرده شد. تا ترفی را نسبت به این می‌حکید دستگیر و با صدور جگونگی دستگیری و حمایت هولناک برمی‌انگیرد

بقیه در صفحه ۲۲

نامه سرگشاده هواداران از زندان اوین

نزدیک به دو سال از انقلاب شکوهمند ما می‌گذرد. در این مدت امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا و ایادی داخلی آن از هیچ اقدامی برای شکست انقلاب مردم ما فروگذار نکرده‌اند.

در شرایطی که میهن ما مورد تجاوز رژیم متجاوز فاشیستی عراق قرار گرفته است، در شرایطی که امپریالیسم آمریکا توطئه‌های ننگین و جنایتکارانه‌اش را بر خلقهای ایران و عراق تحمیل کرده‌است، در شرایطی که رژیم‌های ارتجاعی منطقه با امپریالیسم آمریکا در صف واحدی قرار گرفته‌اند و جنگ علیه مردم ستمکش میهن ما را با تمام قوا گسترش داده‌اند، در شرایطی که همه رفقای فدائی همراه با توده‌های میلیونی مردم دز صف مقدم جبهه قرار دارند و از انقلاب و استقلال و آزادی میهن دفاع می‌کنند ما هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اکثریت) که در زندان اوین بسر می‌بریم، قلبمان برای مبارزه در جبهه‌های مقدم نبرد با تجاوزات امپریالیسم آمریکا و رژیم جنایتکار صدام می‌طید.

ما ایمان راسخ داریم که عزم مردم و انقلابیون و وحدت خلق در راه دفاع از انقلاب و دستاوردهای آن، توطئه‌های امپریالیسم جهانی و تجاوزات رژیم‌های ارتجاعی منطقه را درهم شکسته و صلح و استقلال و آزادی و سوسیالیسم را برای توده‌های مردم ما تدارک دیده و نوید خواهد داد.

رونوشت: دادستان کل دادگاه‌های انقلاب ایران
دادستان دادگاه‌های انقلاب تهران

هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اکثریت)
زندان اوین - ۲۴ آبان ۵۹

مناسبت دومین سالروز حادثه پادگان لوزان

گرامی باد خاطرۀ سربازان جان برکف انقلاب

در صفحه ۲۲

در شرایط کنونی (قسمت آخر)

افزایش تولید شعار کارگران

واخلال در تولید

شعار سرمایه‌داران

در صفحه ۱۰



پاسخ به هواداران

در صفحه ۲۳

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر